

بسم الله الرحمن الرحيم

parasto.org



دانشتینهای دنیای اسب ها

گردآوری شده توسط: پایگاه اینترنتی پرستو

مقدمه

واژه اسب (Aspa) آفریده نیک که در اوستا آمده است، خود یک واژه، از دوره پیش از تاریخ و به احتمال زیاد مادی (پارتی، اوستایی) است، و در پارسی باستان (asa) بوده و در سانسکریت (acva) آمده است. و بسیاری از نامهای اساطیری در متون کهن از این واژه گرفته شده است، به مانند: «اسپریس» به معنی میدان اسب دوانی و «اسپست» به منای یونجه که با تلفظی متفاوت به برخی زبانهای دیگر منتقل شده است.

نام اسب همواره با واژه‌هایی مانند چابکی همراه بوده است. پیشینیان برای اسب‌های خود احترام بسیاری قائل بودند به گونه‌ای که صاحب اسب، نیاکان اسب نژادین خود را تا ۱۲ نسل پشت می‌دانست و به هنگام مرگ اسبش به شدت غمگین می‌شده‌مچنین اسب را جانوری نجیب نیز می‌شناسند. ولی در هنگام خشم اسب نزدیکی به او بسیار خطرناک است.

اسب را در پارسی میانه و اوستایی نیز اسپ (asp) می‌گفتند. نامهای بسیاری از بزرگان ایرانی در روزگار باستان دارای پسوند -اسپ بوده است (مانند گشتاسپ، ارجاسپ، گرشاسپ، جاماسپ، لهراسپ، ویشناسپ، هیدراسپ، بیوراسپ، ساتاسپ و ...) که نشان از اهمیت این جانور در میان ایرانیان است. در زبان سانسکریت این واژه به ریخت azva بوده که واژه سوار و اسوار نیز در زبان پارسی کنونی از همین ریشه‌اند. خود این واژه از ریشه هندواروپایی ekwa یا ekwo ریشه گرفته است. اسب برای اولین بار در آسیای میانه اهلی شده است. سپس به دشتهای ایران راه یافته است. در ایران باستان بویژه دوره هخامنشی اسب نقش بسیار زیادی داشت به اسبهای تربیت یافته پارس می‌گفتند عرب‌ها این کلمه را به فارس معرب کرده‌اند و آن را به معنی تیزرو و سوار کار ماهر به کار می‌برند. اسب حیوانی است که با سرما و شرایط سخت کوهستانی سازگار است بر خلاف شتر که با شرایط گرم و شن زار و سرزمین عربی سازگار بوده است.

اسب، با نام علمی Equus ferus caballus، یکی از دو زیرگونه‌های اسب وحشی (Equus ferus) است. این جانور پستاندار و فَرْدَسْم است و به تیره اسبیان تعلق دارد. فرگشت اسب از ۴۵ تا ۵۵ میلیون سال پیش به این سو آغاز شده است، گذشته اسب‌های بزرگ و تک‌سم امروزی به جانورانی کوچک جثه و چندسم باز می‌گردد. نزدیک به ۴۰۰۰ سال پیش از میلاد انسان تلاش کرد تا اسب را اهلی کند. گمان بر این است که تا سال ۳۰۰۰ پیش از میلاد اسب‌های اهلی در جاهای گوناگونی از زمین حضور داشتند. اسب‌های زیرگونه caballus اهلی شده‌اند، اگرچه بسیاری از آن‌ها در طبیعت آزاد زندگی می‌کنند. البته اسب‌هایی وجود دارند که هرگز اهلی نشده‌اند؛ برای نمونه اسب شوالسکی تنها زیرگونه‌ای است که واقعاً تاکنون وحشی باقی مانده است.

اندام‌های اسب به گونه‌ای است که به آن اجازه می‌دهد بی‌درنگ سرعتش را در برابر درندگان بالا برد. اسب توان بالایی در نگه داشتن تعادلش در هنگام دویدن دارد، همچنین می‌تواند بی‌درنگ خود را آماده نبرد یا فرار از دشمن کند. اسب‌ها می‌توانند به صورت ایستاده یا نشسته بخوابند. دوران بارداری اسب ماده (مادیان) نزدیک به یازده ماه است. نوزاد اسب که کُرّه نام دارد اندکی پس از آنکه به دنیا آمد

می‌تواند روی پاهایش بایستد و بدود. بیشتر اسب‌های اهلی در میانه دو تا چهار سالگی زیر زین یا مهار (برای درشکه) تمرین می‌بینند. اسب در پنج سالگی کاملاً بالغ می‌شود و می‌تواند میان ۲۵ تا ۳۰ سال نیز عمر کند.

نژاد اسب بسته به خوی جانور، دارای سه دسته مهم است: اسب‌های سرزنده یا «پُر حرارت» که می‌توانند در سرعت‌های بالا داشته باشند، اسب «خونسرد» مانند اسب‌های بارکشی و پونی که برای کار سنگین و سرعت کم مناسبند، و «اسب‌های خون‌گرم» که از ترکیب دو نژاد دیگر بدست آمده‌اند که برای سواری‌های با هدف ویژه آموزش می‌بینند و در اروپا معمول هستند. امروزه بیش از ۳۰۰ گونه اسب در جهان وجود دارد که هر کدام برای هدف ویژه‌ای پرورش می‌یابند.

انسان و اسب در موردهای گوناگونی به صورت رقابتی یا غیر رقابتی با هم اندرکنش دارند؛ مانند کار به صورت اسب پلیس، کشاورزی، کارهای تفریحی و درمانی. از دیرباز اسب‌ها در میدان‌های جنگ کاربرد داشته‌اند و به همین دلیل فن‌ها و ابزارهای سوارکاری و کنترل اسب بسیار گسترده‌اند. محصولات بسیاری از اسب بدست می‌آید که از آن جمله می‌توان به: گوشت، شیر، مو، استخوان، پوست و برداشت مواد دارویی از ادرار مادیان باردار اشاره کرد. انسان‌ها برای اسب‌های اهلی، خوراک، آب، پناهگاه، مراقبت‌های پزشکی و نعل فراهم می‌کنند.

اسب برای ادامه بقا خود را برای زندگی در مناطق باز و وسیع و علفزارها تطبیق داد. در چنین زیست‌بومی، جانوران چراکننده بسیار بزرگ، به ویژه نشخوارگران، توانایی ادامه حیات نداشتند. اسب‌ها و دیگر اسبیان جانورانی فردسم از راسته فردسمان هستند، گروهی از پستانداران که در دوره ترشیاری بر زمین حکم می‌راندند. در گذشته، این راسته شامل ۱۴ تیره بود ولی امروزه تنها ۳ تیره از آن‌ها (اسبیان، تپیرها، و کرگدن‌ها) باقی مانده‌اند

کهن‌ترین گونه شناخته شده از تیره اسبیان خرگوشک‌د (نام علمی: Hyracotherium) است که میان ۵۵ تا ۴۵ میلیون سال پیش در دوره ائوسن زندگی می‌کرد. این جانور ۴ انگشت در هر پای جلویی داشت و ۳ انگشت در پاهای عقبی. [۹] انگشت اضافه در پاهای جلو با پدیدار شدن میان‌اسب‌آبی (نام علمی: Meshippus) در ۳۷ تا ۳۲ میلیون سال پیش از میان رفت. [۱۰] با گذر زمان، انگشت‌های کناری (بیرونی) اضافی کوچک و کوچک‌تر شدند تا آنکه ناپدید گشتند. همه آنچه در اسب‌های کنونی باقی مانده است تعدادی استخوان وستیجیال کوچک در پا زیر زانو است. پاهای آن‌ها همچنین با ناپدید شدن انگشتان بلندتر شد تا آنکه اسب‌ها تبدیل به سم‌دارانی شدند که می‌توانستند با سرعت زیاد بدونند. تا هنگام ۵ میلیون سال پیش، اسب نوین کنونی پدید آمده بود. [۱۲] دندان‌های اسب همچنین خود را

از دندان‌هایی برای خوردن گیاهان نرم و گرمسیر به دندان‌هایی برای جویدن علف‌های اندکی خشک‌تر و سپس علف‌های دشت و صحراها تغییر دادند. از این رو، اسب‌های نخستین از جانورانی برگ‌خوار و جنگل‌نشین به جانورانی علف‌خوار و ساکن مناطق نیمه‌خشک سراسر جهان از جمله استپ‌های اوراسیا و دشت‌های بزرگ آمریکای شمالی تبدیل شدند.

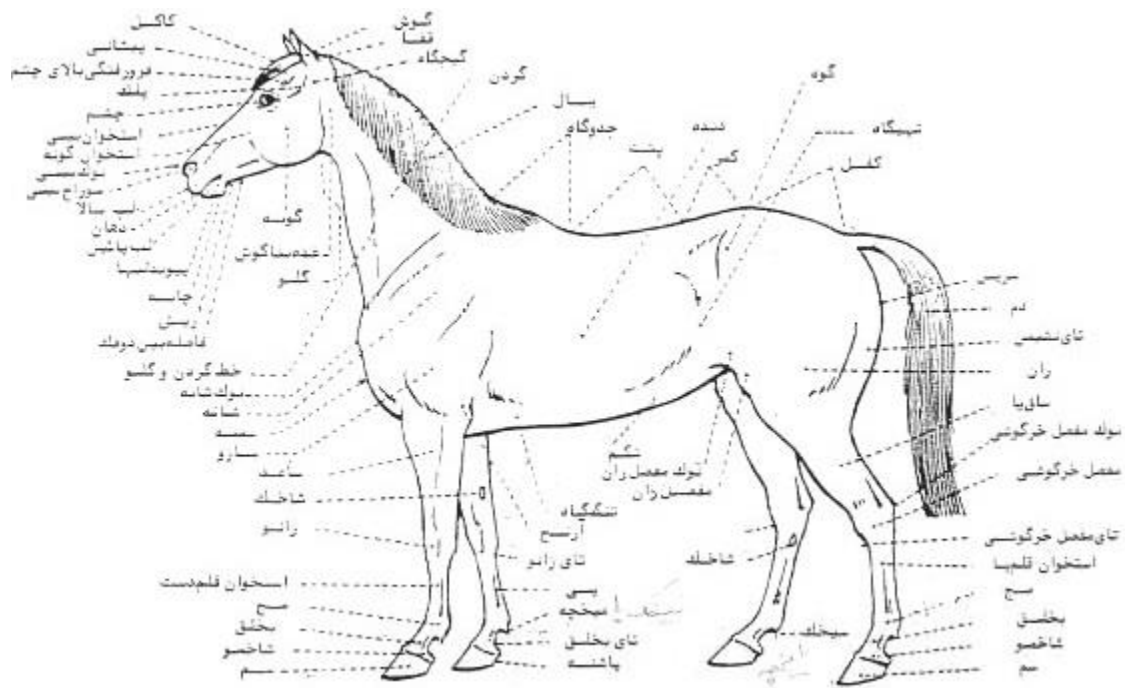
تا هنگام ۱۵،۰۰۰ سال پیش، اسب امروزین جانوری با گستردگی فراوان در هام‌شمالگان بود. استخوان‌های اسب از این دوره، یعنی پایان پلیستوسن، در اروپا، اوراسیا، برینژیا، و آمریکای شمالی یافت شده‌اند. این در حالی است که میان ۱۰،۰۰۰ تا ۷،۶۰۰ سال پیش، اسب در آمریکای شمالی منقرض شد و در دیگر نقاط نیز کمیاب. دلایل این انقراض هنوز به درستی شناخته نشده‌اند، ولی یک نگره به این اشاره می‌کند که انقراض در آمریکای شمالی مصادف با ورود انسان بود. دیگر بررسی بر این باور است که تغییرات آب و هوایی باعث ایجاد توندراهایی فاقد گیاهان مفید برای این جانوران در نزدیک به ۱۲،۵۰۰ سال پیش شد.

طول عمر و مرحله‌های زندگی

طول عمر یک اسب اهلی امروزی به نژاد، روش نگهداری و شرایط محیطی بستگی دارد اما می‌توان امید داشت که یک اسب میان ۲۵ تا ۳۰ سال عمر کند. البته گونه‌های غیرمعمولی وجود دارد که تا ۴۰ سال و گاهی بیشتر هم عمر می‌کنند. پیرترین اسبی که برای وجود آن سند در دسترس است بیلی پیر نام دارد که در سده ۱۹ میلادی زندگی می‌کرده و تا سن ۶۲ سالگی رسیده بود. «شوگر پوف» نام یک اسب از نژاد پونی است که توانسته بود لقب پیرترین اسب زنده را از آن خود کند و نامش را میان رکوردهای جهانی گینس ثبت کند؛ این اسب در سن ۵۶ سالگی در ۲۰۰۷ از دنیا رفت.

بدون در نظر گرفتن روز تولد هر اسب، برای بیشتر مسابقه‌ها، هر سال در یک ژانویه در نیم کره شمالی و در یک اوت در نیم کره جنوبی به عدد سن اسب یک سال افزوده می‌شود ولی برای اسب‌هایی که در مسابقه سواری استقامت شرکت می‌کنند این معیار برقرار نیست، برای این اسب‌ها حداقل سن اسب مهم است و این سن از روی تاریخ دقیق تولد اسب سنجیده می‌شود.

اندام اسب



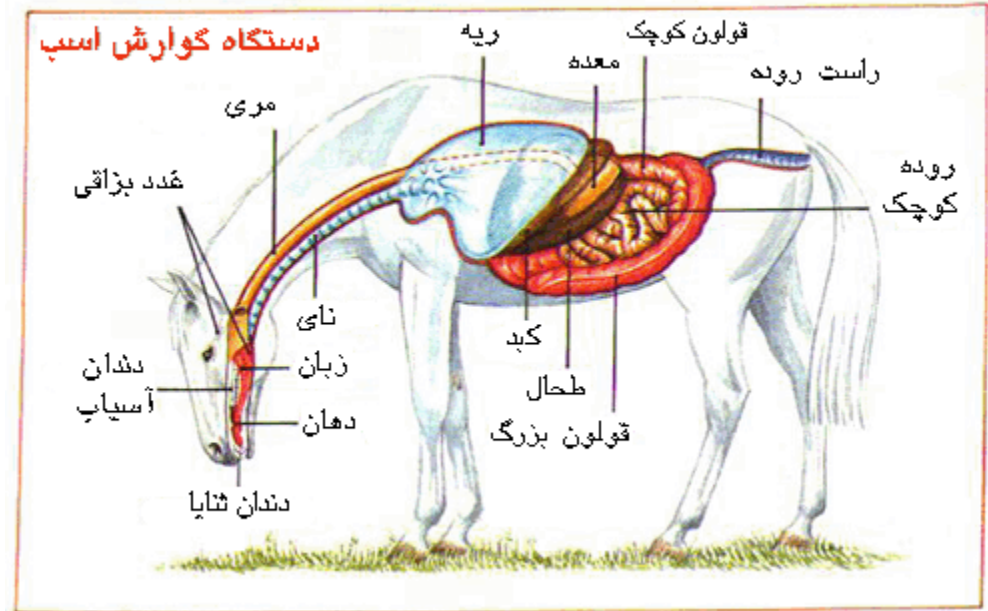
قد اسب‌ها از جدوگاه آن‌ها سنجیده می‌شود؛ جایی که گردن به پشت جانور می‌رسد. این نقطه از آن رو به عنوان مرجع به کار می‌رود که نقطه‌ای پایدار از دیدگاه کالبدشناسی است. بر خلاف سر یا گردن، ارتفاع جدوگاه با حرکت دادن بخش‌های مختلف بدن چون سر و گردن تغییر نمی‌کند.

اندازه اسب‌ها بسته به نژادشان فرق می‌کند، ولی به رژیم غذایی هم مرتبط می‌شود. اسب‌های سواری کم‌وزن قدی میان ۱۶۳-۱۴۲ سانتی‌متر دارند و وزنشان به ۳۸۰-۵۵۰ کیلوگرم می‌رسد. اسب‌های سواری بزرگتر قدی بالاتر از ۱۵۷ سانتی‌متر دارند و اغلب بیشتر از ۱۷۳ سانتی‌متر می‌شوند. آن‌ها همچنین وزنی میان ۶۰۰-۵۰۰ کیلوگرم دارند. اسب‌های سنگین‌وزن اغلب کمینه ۱۶۳ سانتی‌متر قد با بیشینه‌ای برابر با ۱۸۳ سانتی‌متر، و وزنی میان ۱۰۰۰-۷۰۰ کیلوگرم دارند.

احتمالاً بزرگترین اسب ثبت‌شده در تاریخ اسبی شایری به نام «سمپسون» بود که در ۱۸۴۸ به دنیا آمد. او ۲۲۰ سانتی‌متر طول و ۱۵۰۰ کیلوگرم وزن داشت. امروزه مقام کوچک‌جثه‌ترین اسب جهان متعلق به تامبلینا است؛ اسبی بالغ و مینیاتوری که مبتلا به کوتولگی است. قد تامبلینا ۴۳ سانتی‌متر و وزنش ۲۶ کیلوگرم است.

دستگاه گوارش

دستگاه گوارش به ترتیب از قسمت‌های زیر تشکیل شده است:



۱- دهان: با لبها آغاز و به حلق ختم می شود، در آن زبان و دندانها قرار داشته و غدد بزاقی با ترشحات خود به عنوان اولین عامل شیمیایی به هضم کمک می کنند.

۲- حلق: یک سوراخ به سمت دهان، دو سوراخ به سمت بینی، یک سوراخ به سمت مری، یک سوراخ به سمت حنجره و دو سوراخ به سمت گوش دارد.

۳- مری: از سه ناحیه دهانی، گردنی و سینه ای تشکیل شده و بافتی از جنس عضلات صاف غیر ارادی دارد.

۴- معده: از دو بخش پیش معده و معده اصلی تشکیل شده که فقط معده اصلی سلولهای ترشحی دارد. از بالا توسط دریچه کاردیا به مری و از پایین توسط دریچه پیلور به روده کوچک وصل می شود. در معده سلولهای مرز نشین اسید معده ترشح می کنند و محیط را اسیدی می کنند. همچنین این سلولها ماده ای به نام فاکتور درونی ترشح می کنند که با ویتامین ب_{۱۲} موجود در غذا ترکیب شده و موجب جذب آن در انتهای روده باریک می شود. سلولهای اصلی پپسینوژن ترشح می کنند که در محیط اسیدی معده به پپسین تبدیل می شود و بر روی مولکولهای پروتئینی اثر می کند. سلولهای موکوس که پیش ساز سلولهای مخاطی، مرز نشین و اصلی می باشند، حاوی موسین هستند.

۵- روده ها:

الف) روده کوچک: که از سه بخش دوازدهه، تهی روده (میانی) و لگنی تشکیل شده است. روده باریک دو نوع حرکت دارد که یکی باعث راندن مواد غذایی به سمت روده بزرگ و یکی باعث مخلوط شدن غذا با شیرهای گوارشی می شود.

ب) روده بزرگ: شامل، روده کور، قولون و راست روده که به مخرج منتهی می شود. در روده کور و قولون هضم میکروبی که قسمت مهمی از هضم است انجام می شود و این دو قسمت از بخشهای مهم دستگاه گوارشند.

علاوه بر غدد بزاقی، لوزالمعده و کبد هم از غدد ضمیمه دستگاه گوارش هستند. در ضمن اسب کیسه صفا ندارد ولی این به معنی عدم تولید صفا نیست و فقط عضو ذخیره آن را ندارد ولی صفا ترشح می کند.

دستگاه تنفس

دستگاه تنفس شامل قسمتهای ذیل است:

۱- بینی: دو سوراخ نیم هلال با دیواره قابل انبساط و قابلیت حلقوی شدن در هنگام فعالیت شدید و افزایش حجم ورود و خروج هوا.

۲- نای: متشکل از ۶۰-۵۰ حلقه غضروفی ناقص که از حنجره تا ناف شش امتداد دارد و حدود ۸۰-۷۵ سانتیمتر طول و ۶-۵ سانتیمتر قطر دارد.

۳- ششها: از دو بخش راست و چپ تشکیل شده اند که بخش راست بزرگتر است.

۴- قسمتهای وابسته به دستگاه تنفس مانند: دیافراگم، سینوسها، حفره سینه ای و پرده جنب.

دستگاه ادراری- تناسلی

دستگاه ادراری وظیفه دفع آب اضافی و مواد زاید را از بدن دارد و شامل بخشهای زیر است:

۱- کلیه ها: به تعداد دو عدد در دو طرف خط میانی بدن در سمت عقبی مهره های سینه ای و جلویی مهره های کمری در ناحیه سقف شکم قرار دارند، کلیه چپ لوبیایی شکل و کلیه راست قلبی شکل است. کلیه ها توسط پوششی از جنس بافت همبندی احاطه شده اند و داخل آنها لوله های کلیوی، کپسول گلومرولی، هرمها و پرزهای کلیوی و همچنین شبکه های مویرگی وجود دارد. مواد زاید، خون را ترک گفته و وارد لوله های کلیوی می شوند و سرانجام تعداد زیادی از این لوله ها به مجراهایی به نام مجراهای جمع کننده می ریزند.

کلیه یک بخش قشری و یک بخش مرکزی دارد.

۲- میزنا: مواد دفعی را از لگنچه کلیه جمع، به سمت عقب بدن رفته و به صورت مورب پس از طی مسافتی در دیواره مثانه در داخل آن باز می شود.

۳- مثانه: کیسه ای با دیواره ماهیچه ای است و شکل آن به پر و خالی بودن بستگی دارد و در هنگام پر بودن در کف لگن قرار دارد.

۴- مجرای خروجی ادرار: این مجرا موجب تخلیه ادرار به خارج می شود.

در حیوانات نر درازتر است و از دو بخش لگنی و خارج لگنی تشکیل شده و برای هدایت ترشحات دستگاه تناسلی هم استفاده می شود. دستگاه تناسلی وظیفه تولید و انتقال سلولهای جنسی را که لازمه ادامه نسل هستند بر عهده دارد و دستگاه تناسلی مادیان علاوه بر آن، محلی برای بارور شدن این سلولها و مسوول ایجاد محیط مناسب جهت رشد و تغذیه جنین می باشد.

دستگاه تناسلی نریان از اندام زیر تشکیل شده است:

۱- بیضه ها: در خارج حفره شکمی و داخل کیسه ای قرار دارند. هر بیضه توسط یک پوشش ضخیم احاطه شده که این پوشش انشعاباتی از جنس بافت همبندی به داخل فرستاده و بیضه را به قطعاتی تقسیم می کند که در داخل هر قطعه ۳-۴ لوله اسپرم ساز قرار دارد. در داخل این لوله ها سلولهای اسپرماتوگونی، اسپرماتوسیت اولیه، اسپرماتوسیت ثانویه، اسپرماتید و اسپرماتوزوئید در مراحل مختلف تقسیم و رشد مشاهده می شوند. دنباله این لوله ها به شبکه بیضه منتهی می شود و نهایتاً وارد مجرایی به نام اپیدیدیم می شود.

۲- مجرای اپیدیدیم: مجرایی به شدت پیچ خورده است که در طول یک لبه بیضه قرار دارد و به آن متصل است. از سه ناحیه سر، بدنه و دم تشکیل شده که سر محکم به پوشش بیضه چسبیده و مجرای آوران را دریافت می کند. بدنه اتصال کمتری با بیضه دارد و دم نیز توسط رباط ویژه اسپرم به طور محکم به بیضه متصل است. اپیدیدیم محل ذخیره شدن و بالغ شدن اسپرم می باشد و در ناحیه انتهایی خود به مجرای باوران وصل می شود.

۳- مجرای باوران: در مجاورت مثانه قرار گرفته و به مجرای خروجی ادرار وصل می شود.

دستگاه تناسلی غدد ضمیمه ای شامل غدد کیسه ای، پروستات و کوپر دارد.

دستگاه تناسلی ماده شامل قسمتهای زیر است:

۱- تخمدانها: در شکم و ناحیه زیر کمری قرار دارند و لویبایی شکل هستند. تخمدانها دارای فرورفتگی مختصری به نام گودی تخمک گذاری هستند. هر تخمدان دو سطح داخلی و خارجی و دو انتهای لوله ای و رحمی دارد.

۲- رحم و لوله های رحمی: لوله رحم مجرای ظریفی است که از انتهای لوله ای تخمدان شروع و به رحم متصل می شود. طول این لوله حدود ۲۰-۳۰ سانتیمتر است و لقاح در قسمت متسع آن یعنی آمپولا صورت می گیرد.

رحم، محلی است که تخمکهای بارور شده پس از عبور از لوله رحمی وارد آن شده و در دیواره آن جایگزین می گردد و از سه قسمت بدنه، شاخه‌های رحم و گردن رحم تشکیل شده است. بدنه آن لوله ماهیچه ای است که از سمت جلو با شاخه‌های رحم و از سمت عقب با گردن رحم مربوط می شود. شاخه‌های آن هم لوله عضلانی است که به طرف بالا پیچ خوردگی دارد. گردن رحم از پیچهای عضلانی زیادی تشکیل شده است که دهانه رحم را همیشه مسدود می نمایند و فقط در دو موقع، یکی هنگام زایمان و دیگری هنگام فحلی باز می گردد.

دستگاه گردش خون

این دستگاه از قلب و عروق تشکیل شده است. قلب توده ای از بافت عضلانی است که در حفره سینه قرار دارد. بافت عضلانی قلب حاوی عروق فراوانی است که وظیفه تغذیه قلب را بر عهده دارند. قلب چهار حفره دارد که عبارتند از: دهلیز راست و دهلیز چپ در بالا و بطن راست و بطن چپ در پایین. دهلیزها توسط دیواره بین دهلیزی و بطنها توسط دیواره بین بطنی، دهلیز راست از بطن راست توسط دریچه سه لتی و دهلیز چپ از بطن چپ توسط دریچه دو لتی جدا می گردند. دیواره بطن چپ به دلیل اینکه بطن چپ وظیفه پمپاژ خون را بر عهده دارد تقریباً "دو برابر دیواره بطن راست است.

سرخرگها خون را از قلب خارج و سیاهرگها خون را وارد قلب می کنند. سرخرگها حاوی خون تازه، روشن و اکسیژن دار و سیاهرگها حامل خون تیره، مصرف شده و گاز کربنیک دار هستند به غیر از سیاهرگ ششی که دارای خون روشن است.

علاوه بر دستگاه های فوق دستگاه عصبی شامل مغز و نخاع و انشعابات نخاع و همچنین دستگاه لنفاوی شامل طحال و غدد لنفاوی هم وجود دارند.

استخوانها و مفاصل بدن

استخوانهای دست شامل: کتف، بازو، ساعد (زند زبرین، زند زیرین)، مچ (۷ استخوان در دو ردیف)، قلم دست (با مقطع بیضی)، انگشت (بند اول، بند دوم، بند سوم و استخوانهای کنجیدی) مفاصل دست: شانه (بین کتف و بازو)، آرنج (بین بازو و زند زبرین و زند زیرین)، مچ (بین زند زبرین و ردیف بالایی استخوانهای مچ).

دست

بین ردیف پایینی مچ و قلم، بین قلم و بند اول انگشت، بخلق (بین بند اول و دوم انگشت)، بین بند دوم و سوم انگشت.

پا

استخوانهای پا شامل: لگن (گوه، ورک، شرمگاهی)، ران (که بزرگترین استخوان کنجیدی بدن یعنی کشکک هم در قسمت جلویی بالای آن قرار دارد)، ساق (درشت نی، نازک نی)، مچ (۶ استخوان در سه ردیف که استخوانهای قاب و پاشنه در ردیف بالا هستند)، قلم پا (با

مقطع دایره ای)، انگشت (بند اول، بند دوم، بند سوم و استخوانهای کنجدی) *** مفاصل دست: پیوندگاه که دو نیمه لگن را به هم وصل می کند، ران (بین لگن و ران)، زانو (بین ران، کشکک، انتهای بالایی درشت نی و نازک نی)، مچ یا مفصل خرگوشی (بین درشت نی و ردیف اول مچ یعنی قاب و پاشنه)، بین ردیف اول و دوم مچ، بین ردیف دوم و سوم مچ، بین ردیف سوم مچ و قلم، بین قلم و بند اول انگشت، بخلق (بین بند اول و دوم انگشت)، بین بند دوم و سوم انگشت.

ستون مهره ها:

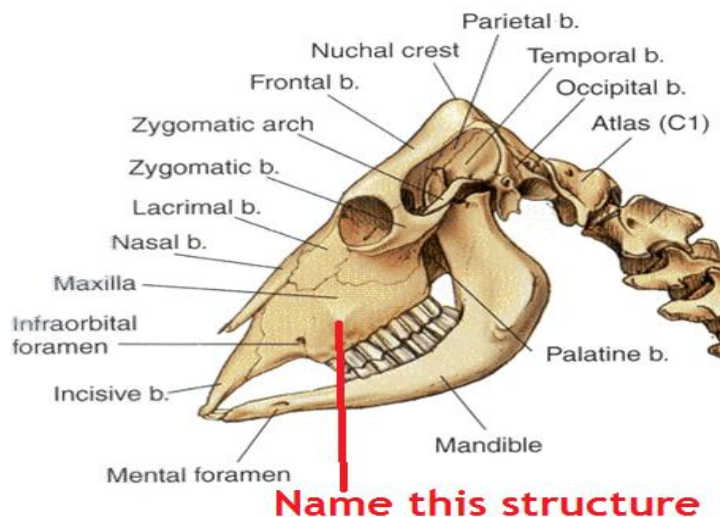
از تعدادی استخوان نا منظم که به صورت زنجیره ای در خط میانی قرار داشته و مهره نامیده می شوند، تشکیل شده است. ستون مهره ها از سر تا پایان دم کشیده شده و بسته به ناحیه ای از بدن که در آن قرار دارند به نواحی مختلفی تقسیم می شوند که عبارتند از:

گردنی (۸ مهره)، پشتی (۱۸ مهره)، کمری (۶ مهره)، خاجی (۵ مهره)، دمی (۲۱-۱۵ مهره). مهره ها به جز دو مهره اول گردن و مهره های آخر دم با وجود دارا بودن اختلافات جزئی و ناحیه ای در طرح و شکل کلی شبیه هم هستند. ساختمان عمومی مهره ها از بدنه مهره، کمان مهره و زائده ها تشکیل شده است.

بدن اسب

دنده ها:

استخوانهای درازی هستند که دیواره استخوانی قفسه سینه را می سازند. تعداد دنده ها برابر تعداد مهره های پشتی بوده و یکی بعد از دیگری قرار دارند. انتهای پشتی دنده ها که با مهره های پشتی مفصل می شوند، انتهای مهره ای و انتهای دیگر آنها که به سمت شکم امتداد می یابد، انتهای شکمی خوانده می شوند. انتهای شکمی به وسیله غضروفهای دنده ای به جناغ متصل می شوند، آنهایی که مستقیماً" توسط غضروفهای دنده ای مفصل می شوند دنده های حقیقی یا جناغی خوانده می شوند که معمولاً " ۸ جفت می باشند و بقیه دنده های غیر حقیقی یا غیر جناغی نامیده می شوند.



سر

استخوانهای سر: پس سری، آهیانه، پیشانی، پروانه ای، پرویزی.

رنگ اسب

اسبها رنگ بدنهای بسیار متنوعی دارند. اغلب اسب را نخست با رنگ بدنش معرفی می کنند، سپس نژاد یا جنسیت. اسبهای هم رنگ از روی تفاوت در سمهای سفید روی پوستشان شناسایی می شوند؛ و سمهایی که در کنار الگوهای متنوع خال داشتن پوست، مستقل از رنگ پوست بدن به ارث برده می شوند.

بسیاری از ژنهایی که الگوها و رنگهای پوست بدن اسبها را تولید می کنند شناسایی شده اند. آزمایشهای ژنتیکی کنونی توانسته اند کمینه ۱۳ الل گوناگون موثر بر رنگ پوست را پیدا کنند، و پژوهش بر روی یافتن ژنهای جدید مرتبط با ویژگیهای این جانور ادامه دارد. رنگهای اصلی بدن اسبها یعنی کَرنگ و سیاه توسطی ژنی کنترل شده توسط گیرنده ملانوکورتین ۱ تعیین می شوند. این ژن با نامهای «ژن گسترش» یا «فاکتور قرمز» نیز شناخته می شود، چرا که فرم مغلوب آن قرمز رنگ است و فرم غالبش سیاه. ژنهای اضافی دیگری سرکوب رنگ سیاه به رنگ آمیزی نقطه ای را کنترل می کنند؛ عملی که باعث پدید آمدن اسبهای کهر می شود. این ژنها همچنین مسوول تولید همه دیگر الگوهای رنگ آمیزی گوناگونی هستند که بر پوست بدن اسبها پدید می آیند.

تولید مثل

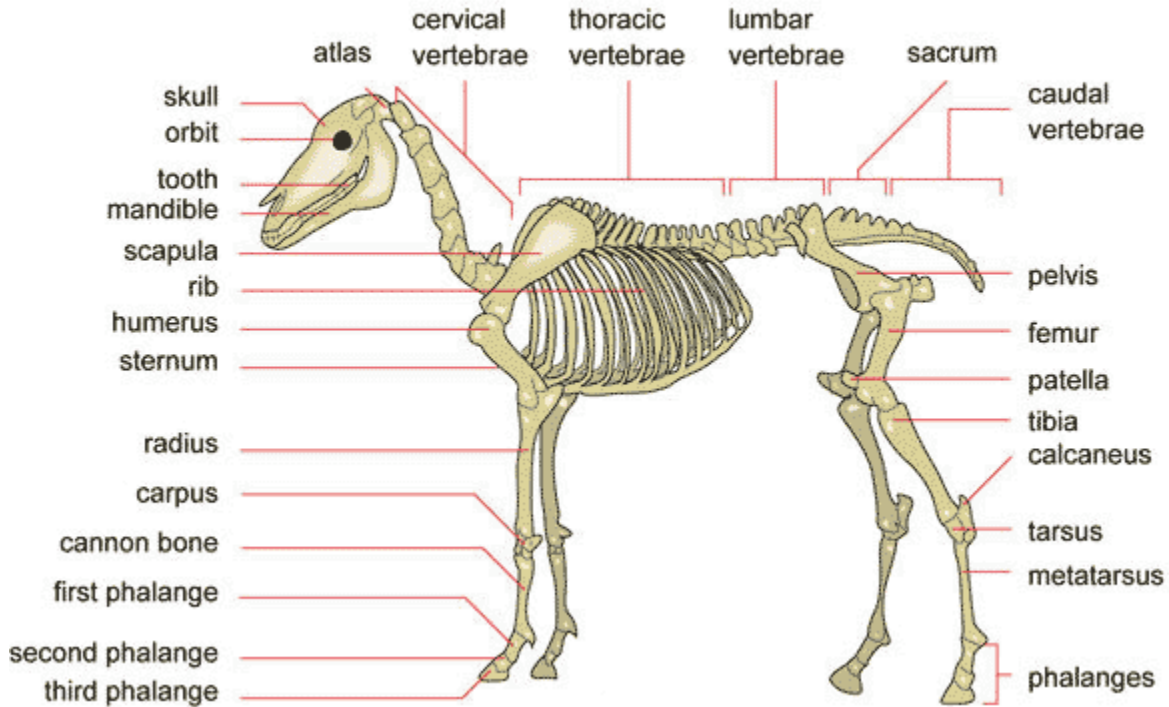
دوران باروری اسب نزدیک به ۳۴۰ روز یا به طور متوسط ۳۲۰ تا ۳۷۰ روز است و معمولاً حاصل آن یک کره اسب است؛ کمتر دیده شده که یک اسب دوقلو به دنیا آورد. اسبها هنگام تولد می‌توانند روی پای خود بایستند و اندکی پس از تولد حتی می‌توانند بدون کره‌ها بیشتر در بهار به دنیا می‌آیند. دوران باروری (تمایل جنسی) ماده‌ها از آغاز بهار تا پاییز و هر ۱۹ تا ۲۲ روز روی می‌دهد. کره‌ها پس از چهار تا شش ماه از شیر گرفته می‌شوند و خوراک معمولی دارند.

از نظر اندام و فیزیک، یک اسب می‌تواند در ۱۸ ماهگی جفت‌گیری کند اما برای اسب‌های اهلی بویژه ماده‌ها، کمتر دیده شده که تا پیش از سه سالگی اجازه جفت‌گیری به آن‌ها داده شود. اسب چهارساله، بالغ دانسته می‌شود هرچند که استخوان‌بندی آن تا شش سالگی همچنان رشد می‌کند. بزرگسال شدن اسب‌ها به نژاد، جنس، روش نگهداری از آن‌ها و ابعادشان بستگی دارد. اسب‌های بزرگتر، به زمان بیشتری برای رشد کامل و تغییر بافت استخوان هایشان نیاز دارند و بیشتر طول می‌کشد تا برخی غضروف‌ها به استخوان تبدیل شود.

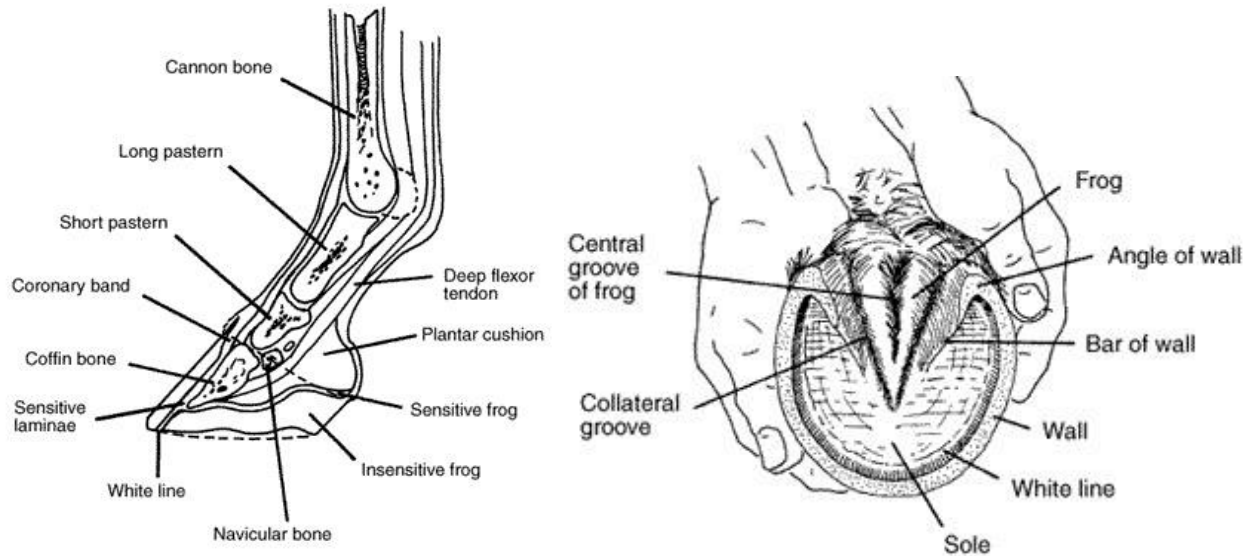
بسته به بزرگسالی، پرورش و کاری که از یک اسب انتظار می‌رود، آن‌ها را در سن دو تا چهارسالگی برای سواری و زیر زین آموزش می‌دهند. اسب‌های مسابقه مانند درساژ عموماً تا پیش از سه یا چهارسالگی زیر زین نمی‌روند چون ماهیچه‌ها و استخوان‌های آن‌ها به اندازه کافی محکم نیست. در این میان نژاد تروبرد یک استثنا است، این اسب مسابقه در برخی کشورها در سن دوسالگی زیر زین می‌رود. اسب‌هایی که برای مسابقه‌های استقامت پرورش می‌یابند تا پیش از ۶۰ ماهگی (پنج سالگی) بزرگسال دانسته نمی‌شوند.

استخوان بندی اسب

SKELETON OF A HORSE



بدن اسب به طور میانگین ۲۰۵ استخوان دارد. تفاوت مهم میان استخوان بندی بدن اسب و انسان این است که اسب ترقوه ندارد و پاهایش مستقیم به ستون مهره‌ها وصل شده است برای این منظور یک مجموعه نیرومند از ماهیچه، تاندون و رباط که وظیفه اتصال شانه‌ها به تنه (ناحیه سینه و شکم) را دارند همکاری می‌کنند. پا و سُم‌های اسب هم ساختار بسیار ویژه‌ای دارند. استخوان‌های پای آن‌ها متفاوت از آنچه در انسان است پخش شده‌اند. برای نمونه، بخشی از بدن اسب که «زانو» خوانده می‌شود در اصل از استخوان‌های مچی تشکیل شده‌اند که مطابق با مچ دست انسان هستند. استخوان‌های پایینی پا مطابق با استخوان‌های دست یا پای انسان هستند. اسب همچنین هیچ ماهیچه‌ای در پاهای خود زیر زانوها و ران خود ندارد و تنها پوست، مو، استخوان، تاندون، رباط، غضروف، و بافت‌های مرتبط مخصوصی که سم را می‌سازند در آن ناحیه قرار گرفته‌اند.



سم اسب :

پاهای اسب و گام برداشتنش آنقدر مهم هستند که در فرهنگ غربی ضرب‌المثلی به شکل «اسبی که پا ندارد، اسب نیست» وجود دارد. سُم اسب از بندهای سرانگشتی، که معادل آن در انسان برابر با سر انگشتان می‌شود، آغاز می‌شوند و توسط غضروف و دیگر بافت‌های نرم پُر خون احاطه می‌شوند. دیواره خارجی سم از همان ماده‌ای ساخته شده است که ناخن انسان را می‌سازد. نتیجه چنین چیزی آن است که این جانور با میانگین ۵۰۰ کیلوگرم وزن می‌تواند بر همان استخوان‌هایی گام بردارد که گویی انسانی بر سر انگشتانش راه می‌رود. برای حفاظت از سم در شرایط گوناگون، نعل‌بندان به درون سم اسبان نعل فرو می‌برند. سم همواره به رشد خود ادامه می‌دهد و در بیشتر اسب‌های اهلی نیاز به کوتاه شدن در بازه‌های زمانی ۵ تا ۸ هفته‌ای دارد. نعل را می‌توان برابر کفش برای اسب دانست. بدون نعل، سم اسب‌ها از راه رفتن آسیب‌های بزرگ می‌بیند. آسیب‌هایی که گاهی به لنگ شدن اسب‌ها برای همیشه می‌انجامد.

دندان اسب :

دندان‌های اسب برای چرا ساخته شده است. یک اسب بزرگسال، روی هم رفته ۱۲ دندان پیش (۶ تا در هر فک) در جلوی دهانش دارد. این دندان‌ها برای گاز گرفتن علف‌ها و دیگر گیاهان کاربرد دارد. ۲۴ دندان در دهان اسب برای جویدن ساخته شده‌اند که دندان‌های آسیاب کوچک و دندان‌های آسیاب بزرگ در انتها، پشت دهان جای گرفته‌اند. اسب‌های اخته شده چهار دندان اضافه تر در پشت دندان‌های پیش دارند این دندان‌ها مانند دندان نیش است. برخی اسب‌ها (نر و ماده) یک تا چهار دندان بسیار کوچک وستیجیال در جلوی دندان‌های آسیاب بزرگ دارند. این دندان‌های کوچک که «دندان گرگی» نامیده می‌شوند که معمولاً کشیده می‌شوند چون در هنگام بستن دهنه به اسب، مزاحمت ایجاد می‌کنند. میان دندان‌های پیشین و آسیاب بزرگ یک فضای تهی وجود دارد که در هنگامی که اسب رام شده است، دهنه اسب مستقیم روی لثه‌هایش در آن ناحیه جای می‌گیرد.

برآورد سن اسب از روی نگاه کردن به دندان‌هایش به دست می‌آید. دندان‌های اسب همواره در حال رشدند که با جویدن علف‌ها، ساییده و کوتاه می‌شوند. دندان‌های پیشین گذر سن اسب را نشان می‌دهند. سطح ساییده شده دندان، دگرگونی شکل ظاهری دندان و تغییر در زاویه‌هایی که در آن ساییدگی دیده می‌شود، همگی برای یک برآورد نه چندان دقیق از سن اسب مناسب اند. البته روش‌های نگهداری از اسب و خوارکی که حیوان مصرف می‌کرده هم بر نرخ ساییدگی دندان اثر می‌گذارد.

خوراک اسب :

اسب جانوری گیاه‌خوار است. خوراک این حیوان علوفه، چمن و دیگر رشته‌های گیاهی است. اسب به طور پیوسته در تمام روز در حال چریدن است بنابراین در مقایسه با انسان، معده نسبتاً کوچکی دارد ولی در مقابل روده‌ای بسیار بلند دارد. این روده جابجایی پیوسته مواد خوراکی و تغذیه بدن را آسان می‌کند. یک اسب ۴۵۰ کیلوگرمی در روز ۷ تا ۱۱ کیلوگرم غذا می‌خورد و در یک روز معمولی ۳۸ تا ۴۵ لیتر آب می‌نوشد. اسب‌ها برخلاف بسیاری از جانوران نشخوار کننده مانند انسان اند و تنها یک معده دارند اما برخلاف انسان‌ها می‌توانند سلولز را هضم کنند. هضم سلولز در سکوم و پیش از ورود به روده بزرگ روی می‌دهد. اسب‌ها نمی‌توانند خورده‌هایشان را بالا بیاورند برای همین اگر اسبی نتواند خوراکش را به خوبی هضم کند دچار درد شکمی، یکی از عامل‌های معمول مرگ، می‌شود.

حس های اسب

حس‌های اسب معمولاً از حس‌های انسان توانمندتر است. اسب مانند درندگان باید همواره از رویدادهای پیرامونش آگاه باشد. اسب‌ها در میان پستانداران خشکی، بزرگترین چشم را دارند، و البته چشمانشان در دو سوی سرشان قرار دارند. با این چشم‌ها، بازه دید اسب به بیش از ۳۵۰ درجه می‌رسد که نزدیک به ۶۵ درجه آن را با هر دو چشم و ۲۸۵ درجه باقی‌مانده را با یک چشم می‌بیند. اسب‌ها دید بسیار خوبی در شب و روز دارند اما تنها دو رنگ را می‌بینند. وضعیت دید آن‌ها از نظر رنگ مانند کوررنگی در انسان است که تنها چند رنگ، به ویژه قرمز و رنگ‌های مرتبط با آن به صورت سایه سبز قابل دیدن است.

شنوایی اسب خوب است و هر گوش آن می‌تواند تا ۱۸۰ درجه به دور خود بچرخد. در نتیجه اسب توان آن را دارد تا صدای همه ۳۶۰ درجه پیرامونش را مستقیم دریافت کند بدون آنکه نیاز باشد سرش را بگرداند. بویایی آن‌ها از انسان بسیار قوی تر است اما حس کلیدی برای آن‌ها نیست، آن‌ها بیشتر بر بینایی خود تکیه می‌کنند.

اسب‌ها توان بالایی در نگه داشتن تعادل خود دارند. این حس ناخودآگاه اینکه در هر لحظه پاها کجا قرار دارند، در اسب بسیار بالا است. اسب حس لامسه پیشرفته‌ای دارد، این حس در پیرامون چشم‌ها، گوش‌ها و بینی حساس تر هم می‌شود. توان حس لامسه اسب به اندازه‌ای است که اگر یک پشه روی هر جایی از بدنش بنشیند، اسب متوجه آن می‌شود.

حس چشایی اسب‌ها هم پیشرفته است، برای همین در میان علف‌ها، می‌توانند خوراکی را که بیشتر دوست دارند برگزینند و بخورند. همچنین لب هایشان می‌تواند کوچکترین دانه‌ها را هم جدا کند. اسب‌ها عموماً علف‌های سمی نمی‌خورند اما گاهی دیده شده که با وجود آنکه علف‌های سالم در دسترس است اما اسب به سراغ علف‌های سمی برود.

حرکت و جابجایی اسب

در حالت طبیعی و پایه، همه اسب‌ها برای جابجایی با چهار گام حرکت می‌کنند، در حالت قدم رو یا پایه، سرعت اسب به طور میانگین ۶،۴ کیلومتر بر ساعت است. اگر به صورت دو گام-دو گام بجهد (هر بار دوپا به صورت قطری) در آن صورت سرعتش به ۱۳ تا ۱۹ کیلومتر بر ساعت می‌رسد، اگر به صورت سه گام-سه گام بجهد سرعتش به ۱۹ تا ۲۴ کیلومتر بر ساعت می‌رسد و اگر به صورت چهارنعل بنزد به طور میانگین به ۴۰ تا ۴۸ کیلومتر بر ساعت می‌دود. بالاترین سرعت ثبت شده برای تاختن چهارنعل است در بازه زمانی کوتاه، ۸۸ کیلومتر بر ساعت بوده است. علاوه بر این چهار روش راه رفتن، روش‌های دیگری هم وجود دارد که ممکن است بسته به نژاد و ساختار اندام اسب در توان حیوان نباشد.

رفتار اسب

اسب حیوانی است که همواره شکار شکارچی است در حالی که توان بالایی در پاسخ جنگ-یا-گریز دارد. نخستین واکنش اسب به یک خطر، رم کردن و گریز است با این حال اگر گریز را برای جوان‌ترها ناممکن ببیند در جای خود می‌ایستد و دفاع می‌کند. البته اسب جانور کنجکاو است یعنی با اینکه دوست دارد تا از منطقه بگریزد اما پیش از آن، لحظه‌ای درنگ می‌کند تا از عامل خطر مطمئن شود و اگر برداشتش این باشد که چندان خطرناک نیست معمولاً نمی‌گریزد. بیشتر نژادهای اسب سواری برای سرعت، چابکی، هوشیاری و استقامت پیشرفته شده‌اند. این ویژگی طبیعی نژاد آن‌ها است با این حال امروزه با اصلاح نژادی تلاش شده اسب‌هایی سربه‌زیر و فرمانبر تولید شود. اسب‌ها به صورت گله‌ای زندگی می‌کنند درحالی که در میانشان هر اسب از رتبه ویژه‌ای برخوردار است و سلسله مراتب دارد. یک گله همیشه یک رهبر دارد و این رهبر بیشتر یک ماده اسب است. همچنین آن‌ها جانورانی اجتماعی اند که می‌توانند با جانورانی از گونه خود یا از میان دیگر جانداران و حتی انسان دوستی برقرار کنند. آن‌ها راه‌های گوناگونی برای برقراری ارتباط دارند از جمله می‌توان به در آوردن صداهایی از خود، تیمار کردن، لمس یکدیگر و زبان بدن اشاره کرد. اگر یک اسب تنها بیفتد چیرگی بر آن دشوار می‌شود اما با آموزش کم کم یاد می‌گیرد تا یک انسان را به عنوان دوست و همشین خود بپذیرد و به دور بودن از هم نوعان خود عادت کند. اگر یک اسب تنها بماند و به اندازه کافی همشین نداشته باشد یا تمرین و آموزش شبیه سازی همشینی با انسان به جای اسب نداشته باشد دچار بی‌حوصلگی و ناهنجاری می‌شود و این مشکل خود را با جویدن چوب، لگد زدن به دیوار، حرکت‌های «موجی» (مرتب به عقب و جلو رفتن) و دیگر مشکلات نشان دهد.

هوش و استعداد اسب

در گذشته باور این بود که اسب‌ها هیچگونه توان درک و فهم ندارند و حیوانات باهوشی نیستند و اگر کاری می‌کنند از روی رفتارهای کلی گله است. پژوهش‌های امروزی نشان داده است که آن‌ها می‌توانند مجموعه‌ای از کارهای مربوط به شناخت را انجام دهند و یا از دید روانی دچار چالش شوند مانند جستجوی غذا یا شناسایی سامانه اجتماعی، یک اسب می‌تواند تصویرهای دو بُعدی را از سه بُعدی تشخیص دهد. بررسی‌ها نشان داده که یک اسب می‌تواند مسئله حل کند، سرعت را یاد بگیرد و آموخته‌هایش را در ذهنش نگه دارد. آن‌ها از راه خوگیری، حساسیت زدایی، شرطی‌شدن واکنشی و شرطی‌شدن فعال آموزش می‌بینند. آن‌ها به ابزارهای مثبت و منفی پاسخ می‌دهند و از آن‌ها یاد می‌گیرند، همچنین یک اسب می‌تواند تا چهار بشمارد.

اسب‌های اهلی نسبت به اسب‌های وحشی با چالش‌های بزرگتری روبرو می‌شوند چون آن‌ها در دنیایی زندگی می‌کنند که مانند طبیعتشان نیست و غریزه آن‌ها خاموش شده است. اسب‌ها زود عادت می‌کنند و شرایط تازه را می‌پذیرند، اگر این روش به صورت پیوسته بر آن‌ها اعمال شود به آن بهتر پاسخ می‌دهند. برخی آموزش دهندگان اسب بر این باورند که «هوش» اسب به هوش تربیت کننده اش بستگی دارد هرچه تربیت کننده از روش‌های مثبت تری بهره ببرد شرایط مناسب برای یک حیوان تنها را بهتر فراهم کند اسب بهتر آموزش می‌بیند. آن‌هایی که اسب را آموزش می‌دهند می‌گویند که جدا از هوش اسب، شخصیت تربیت کننده آن هم در اینکه آن حیوان به یک محرک چه پاسخی می‌دهد نقش دارد.

خلق و خوی اسب

اسب‌ها، پستاندارند و جاندارانی خون گرم دانسته می‌شوند. در این تعریف خون گرم در برابر عبارت خونسرد یا خزندگان خونسرد قرار می‌گیرد. هنگامی که از اسب‌ها و خانواده آن‌ها سخن به میان می‌آید، این عبارتها معنی تازه‌ای به خود می‌گیرند. برای اسب، عبارتهای خونگرم یا خونسرد برای اشاره به خوی حیوان است و نه تنظیم دمایی بدن آن. همچنین عبارت «پُرحرارت یا پر خون» (Hot blooded) هم وجود دارد و برای اشاره به اسب‌هایی است که بسیار حساس و پُر انرژی اند. عبارت «خونسرد» برای اسب‌هایی است که ساکت تر و آرام‌ترند. گاهی پُرحرارت به «اسب‌های سبک» یا «اسب‌های سواری» گفته می‌شود درحالی که اسب‌های خونسرد در رده «اسب‌های کار» و «اسب بارکش» جای می‌گیرند.

اسب‌های شرقی مانند اسب عرب، اسب ترکمن آهال-تکه، اسب بَرَبَر (شمال آفریقا) نژادهای تازه اسب ترکمن مانند تروبرد از جمله اسب‌های پُرحرارت اند. این اسب‌ها زود یاد می‌گیرند، شجاع و سرزنده‌اند و به دلیل چابکی و سرعتشان پرورش داده می‌شوند. اسب

پُرحرارت، اندامی لاغر با پاهایی کشیده دارد. نژاد این اسبها نخستین بار از خاورمیانه و شمال آفریقا به اروپا آورده شد. در آن هنگام پرورش دهندگان اروپایی بر آن بودند تا این اسبها را برای مسابقه و سواره‌نظام نزد خود پرورش دهند.

اسبهای سنگین با اندامی عضلانی را به عنوان «اسبهای خونسرد» می‌شناسند. آنها را به دلیل توان ماهیچه‌ای و خوی آرام و صبورشان پرورش می‌دهند. مردم با کمک آنها بارهای سنگین را جابجا می‌کردند. گاهی به این اسبهای «غول‌های نجیب» هم گفته می‌شود. از جمله اسبهای باری می‌توان به نژاد بلژیکی و کلایدزیدیل اشاره کرد. برخی از این اسبها مانند پرچرون سبک تر و چابک ترند و در کشیدن بار یا شخم زدن زمین در اقلیم خشک به کار می‌آیند. دیگران مانند شایر آرام‌تر و نیرومندترند و برای شخم زدن خاک‌های رسی کاربرد دارند. برخی پونی‌ها هم در دسته خونسردها جای می‌گیرند.

اسبهایی چون تراکهنر و هانوفری اسبهایی «خون‌گرم» دانسته می‌شوند. اسبهای خون‌گرم از جفت‌گیری اسبهای بارکش و جنگی اروپایی با اسبهای سبک عربی پدید آمدند. از ترکیب این دو، اسبهایی دونده با اندازه‌های بزرگ‌تر و خویی آرام‌تر از اسبهای پرحرارت پدید آمد. پونی‌های با ویژگی خون‌گرم برای سوارکاران با اندام کوچکتر پرورش داده می‌شوند. خون‌گرم‌ها به عنوان «اسب سبک» یا «اسب سواری» دانسته می‌شوند.

در حالت کلی اسب خون‌گرم از جفت‌گیری اسب خونسرد با اسب پرحرارت بدست می‌آید اما امروزه عبارت خون‌گرم بیشتر برای اشاره به زیرمجموعه‌ای از اسبهای مسابقه که برای شرکت در مسابقه درساژ و پرش با اسب تمرین می‌بینند بکار می‌رود، اسبهایی چون Irish Draught و Cleveland Bay همگی خون‌گرمند.

خواب اسب

اسبها می‌توانند به صورت ایستاده و نشسته بخوابند. آنها به دلیل زندگی در دنیای آزاد پیشفرض یاد گرفته‌اند که چگونه به خواب سبک روند در حالی که ایستاده‌اند و درحال چرت زدن بر زمین نیفتند. یک اسب هنگامی که در یک دسته با دیگر اسبها است بهتر می‌خوابد چون در این هنگام برخی به خواب می‌روند و برخی دیگر آماده و بیدارند و نگرهبانی می‌دهند. اگر اسب تنها گذاشته شود نمی‌خوابد چون به صورت غریزی یاد گرفته است که مراقب خطر باشد و پیرامون را نگاه کند.

برخلاف انسان، اسبها در یک ساعت بخصوص و پیوسته به خواب نمی‌روند بلکه در بازه‌های زمانی کوتاه می‌خوابند. یک اسب از چهار تا پانزده ساعت در روز می‌تواند ایستاده استراحت کند و از چند دقیقه تا چند ساعت ممکن است نشسته باشد. یک اسب در ۲۴ ساعت شبانه روز ممکن است از چند دقیقه تا چند ساعت در خواب باشد و بیشتر به صورت بازه‌های کوتاه ۱۵ دقیقه‌ای به خواب برود. به صورت میانگین یک اسب خانگی (اهلی) ۲۰۹ ساعت در روز خواب است.

اسبها نیاز دارند که به صورت نشسته به خواب روند و حرکت تند چشم در خواب را داشته باشند. آنها هر چند روز یک بار باید دست کم یک تا دو ساعت به صورت نشسته بخوابند و به این حالت برسند. اگر به اسب اجازه نشستن و استراحت داده نشود پس از چند روز دچار کمبود خواب می‌شود و گاهی هم ممکن است ناگهانی بر زمین افتد چون بدون آنکه بخواهد در حالت ایستاده به خواب عمیق (حرکت چشم در خواب) رفته است و تعادلش را از دست می‌دهد، این وضعیت با اختلال حمله خواب که برخی اسبها به آن دچارند، متفاوت است.

انواع نژادهای اسب

انواع نژادهای اسب هایی که قد آنها از 140 سانتیمتر بیشتر است و از نوع خونگرم و خونسرد هستند عبارتند از :

در دنیا بیش از دویست نژاد اسب موجود است و هرکدام با توجه به شرایط جغرافیایی و آب و هوای منطقه خود، ساختار بدن، رنگ و توانایی های خاص آن مناطق را پیدا می کنند. به طوری که اسب های مناطق کوهستانی و ناهموار دارای سم های سخت، استخوان بندی محکم و اندامی گرد و تنومند بوده و اسب های مناطق جلگه ای و هموار دارای اندام های بلند و ظریف و بدن کشیده بوده و بسیار تندرو می باشند.

اسب ها از نظر قد بسیار متنوع هستند طی قرارداد رسمی اسبهای دارای قد 142 سانتی متر و پایین تر در کلاس پونی ها و اسب های با قد بیش از 142 سانتی متر در کلاس اسبها قرار می گیرند.

در زیر ابتدا گونه های اسب و سپس اسب های پونی توضیح داده می شود و پس از آن تمامی اسبهای کشورهای ایران، آمریکا، شوروی سابق، انگلیس، فرانسه، آلمان، هلند و ایتالیا به ترتیب آورده می شود.

آپالوزا- آخال تکه - آردنز - آردنه - آردنه بلژیک - آلتریل - آمریکن سادس هورس - آندالوزی - آویلیگنس - ارلف - استاندارد برد - الدنبرگ - انسیدلر - بارب - بارپانت - برتون - بودیونی - بولوگ - بولونز - پالامینر - پرشرون - پرویی - پینتو - تربرد - ترسک - ترکمن - توریک - دال - دره شوری - زال آمریکایی - ژوتلند - سافولک پانچ - سنگین بلژیک - سنگین لیتوانی - ساکولسکس - سالرنو - شایر - شلزویک - عرب - فرانش مونتانی - فردیک بورگ - فریژن - فنلاندی - فوربوزو - قدم روتنسی - قره باغ - قره قابی

- قزاق - کاباردین - کارابر - کانادایی - کشش آلمانی - کشش ایتالیایی - کشش روسی - کلادروبر - کلید سدال - کلیو لندبای - کنتاکی سادس هورس - کوآتر هورس آمریکایی - گلدرلند - لوکه - لی پی زاتر - مالاپولسکی - مانگالارگا - موراکیزی - مورگان - مورگز - موستانگ - نورث سویدیش - نوریکر - نونیوس - والر - ورتمبرگ - ولادمیر - ویلکوپولسکا - هاکنی - هانورین - هلشتاین - هنتر - یموت - یورتمه رو آلمانی - یورتمه رو روسی - دن انواع اسپچه ها نیز عبارتند از : آمریکایی - بوسنیایی - دالس - فل - ولس - کاب - فلابلا - اکسمور - اسپچه خزر - شتلند - کوهستان ولش - هاکنی - ایسلند - دارتمور - فجورد - نیوفورست - یاقوت



پونی هافلینگر

پونی هافلینگر اتریشی نام خود را از روستای هافلینگ در منطقه تیروول جنوبی که اولین بار صدسال قبل در آن پرورش یافته گرفته است. اجداد این پونی اسبهای بومی مناطق کوهستانی بودند که به وسیله آمیزش با اسب عربی اصلاح شدند. اجداد تمام اسبهای هافلینگر امروزی اسبهای هیرید البداوی بیست و دو پسر البداوی بیست و دو و اسب فولی می باشند.

پونی سورایا

پونی سورایا که در گذشته برای کار در مزرعه و سوارکاری های چند منظوره استفاده می شد امروزه ظاهر اولیه خود را حفظ کرده و عمدتاً با یکدیگر در گروههای کوچک زندگی می کنند. مبدا پونی سورایا منطقه ای میان رودهای سور و رایا و رود فرعی سورایا در پرتغال است.

پونی سورایا بر اساس اعتقاد گذشتگان نواده اسب وایلد(وحشی آسیایی) و تارپان بوده است و شباهت قابل توجهی به این اسبها دارد. این پونی دارای جثه کوچک سر بزرگ، رنگ قهوه ای مایل به خاکستری، نواری مار ماهی مانند و الگوی گورخری روی اندام های حرکتی عقبی است.

این پونی بهترین پونی جهان نیست ولی بی نهایت پر طاقت و کم توقع از نظر تغذیه بوده و تحمل بدترین شرایط اقلیمی را دارد. شانه هایی صاف و مستقیم و پسین گاهی ضعیف و اندام های حرکتی نسبتا بلند و غیر استخوانی از دیگر خصوصیات این نژاد است.



پونی اکسمور

پونی اکسمور قدیمی ترین نژاد کوهستانی مورلند انگلستان و یکی از قدیمی ترین نژاد های اسب در جهان است. این پونی جذاب در طول قرون متمادی در مناطق وحشی مورلند، وسترن سامرست، نورث دوون و جنوب غربی انگلستان زندگی کرده است. پونی های اکسمور در طول دوره ی رومی شناخته شدند و شاید به عصر برنز برگردند.

دور بودن زیستگاه این پونی نشان می دهد که در اصلاح نژاد این پونی از نژادهای کمتری استفاده شده است. سختی زندگی در منطقه ی مور این پونی را بسیار پر طاقت کرده و علیرغم ارتفاع کمتر از 125 سانتی متر برای حمل یک سوارکار بالغ به حد کافی قوی است.

انجمن پونی اکسمور در سال 1921 میلادی تاسیس شد و پرورش پونی های نوع سابق مور را اصلاح کرد. بررسی های دقیق تضمین می کند که اگر پونی ای فاقد خون خالص اکسمور باشد به عنوان نژاد خالص ثبت نمی شود. وقتی پونی ها برای ثبت تایید می شوند روی شانه ی آنها علامت ستاره ی انجمن داغ زده می شود و روی سمت چپ پسین گاه شماره ی پونی در آن گله دیده می شود.

پونی دارتمور

پونی دارتمور بر خلاف همسایه خود یعنی پونی اکسمور در طول قرنهای متمادی که در ارتفاعات مورلند در منطقه ی دوون در جنوب غربی انگلستان آزادانه زندگی می کردند. تحت تاثیر تعدادی نژاد قرار گرفتند. تصور بر اینست که این نوع پونی در عصر ساکسون ها در مور زندگی می کرده است بعدها مسیر مهم بزرگانی میان اکستر و پلایماوث در اختیار اسب های مختلف بوده است که به طور قطع برخی از آنها بر نژادهای بومی اثر داشته اند. اسب های عرب و بارب را که جنگجویان صلیبی با خود آورده اند در مسیر منتهی به مور یافت شده است.

شرایط اقلیمی بد منطقه مورلند باعث شد که اسب های آزاد و رها در مور با توجه به اندازه ی خود انسجام زیادی به دست آوردند. در طول انقلاب صنعتی به خاطر نیازهای صنعت، معدن، رشد و توسعه اسب های جدید احساس شد. به دنبال آن پونی های دارتمور و شتلند بسیار کوچک به منظور ایجاد اسپهائی مناسب برای کار در اعماق زمین آمیزش داده شدند. این نوع پونی که برای سوارکاری تکامل یافته بود ویژگی های خود را از دست داد. برای بهبود ویژگی این پونی از پونی های ولش مانتین، پولو پونی و هاکنی استفاده شد.

این پونی پر طاقت بوده برای سواری مناسب و دارای فعالیت اندک است. ساختار بدنی استوار، هوش بالا و خلق و خوی آرام، این پونی را به حیوانی ایده آل برای کودکان تبدیل کرده است.

پونی ولش مانتین

مناطق صخره ای ولش زادگاه چهار نژاد اسب متمایز است. دو پونی در کتاب اسامی اسب های تخمی، پونی های ولش به نام های گروه A&B و دو پونی پا کوتاه به نام های C&D می باشد.

پونی های امروزی ولش مانتین شجاع، پر انرژی، سازگار و اسب سواری درجه یک برای کودکان بوده و در ورزش محبوب گاری و کالسکه رانی نیز بسیار چشمگیر است. این پونی به عنوان نژادی بسیار پر طاقت تکامل یافته که قادر به تحمل شرایط جوی نامساعد و زندگی با جیره ی خوراکی کم می باشد. از آن برای اصلاح نژادهای دیگر مانند نیو فارست و در پرورش پونی بریتیش رایدینگ استفاده شده است. پونی ولش مانتین در بسیاری از کشورها محبوبیت دارد و به اروپا، ایالات متحده، نیوزیلند و استرالیا صادر شده است.

پونی نیو فارست

معلوم شد که قبل از دوران کانونت اسب های وحشی در نیوفارست در جنوب انگلستان وجود داشته اند. منشا دقیق پونی نیوفارست که در طول سالها تحت تاثیر تعداد متنوعی از نژادهای دیگر قرار گرفته نامعلوم است. در طول قرن 18 نریان تروبردی به نام مارسک برای مدتی به منظور اصلاح مادیان نیوفارست استفاده شد و در اواسط قرن 19 به نریان عرب متعلق به ملکه ویکتوریا و پونی هاکنی نیز اجازه ورود به گله داده شد. از آنجایی که این آمیزش خویشاوندی با پونی های خارج از گله باعث افزایش اندازه اسب های کوچک شد به سبب

به خطر افتادن ماهیت واقعی پونی ها آمیزش هایی با نریان دیگر نژادهای بومی مانند پونی های دالس، دارت مور، اکسمور، فل و هایلند و سپس با پونی ولش مانتین انجام گرفت.

فعالیت این پونی زیاد بوده و خلق و خوی خوب آن آموزش وی را آسان می کند. در نتیجه این پونی ها برای سواری و گاری رانی عالی هستند. هم چنین این پونی ها نه تنها در کشور بومی خود بلکه در کشورهای اروپایی، آمریکای شمالی، استرالیا و نیوزیلند هم محبوبیت دارد.

تاریخ اسب در ایران

سرزمین پهناور ایران مهد پرورش اسب و مبدا نژاد های گوناگون اسب است. ما در ایران ثروتی بی همتا با سابقه ای به طول تاریخ تمدن جهان به نام اسب بومی ایران داریم. این اسب ویژگی های منحصر به فردی داشته و به گواهی تاریخ جد تمام اسب های اصیل و ممتاز امروزی می باشد. با علم به اینکه ایران باستان محل پرورش بهترین اسب های جهان بوده و با نگاهی به آثار تاریخی و عقاید دیرین شناسان می توان ایران را مهد پرورش اسب دانست که منشا سایر نژادهای اسب امروزی است. ایرانیان باستان همچنان که خودشان پر آوازه بودند اسب های آنان نیز در جهان آن روز پر آوازه بود. با نگاهی به آثار هرودوت، گزنفون، استرابون، واگنر آلمانی و تارخ نویسان دیگر می توان دریافت که ایران مهد پرورش و مبدا نژادهای گوناگون اسب بوده است. این مورخان ایرانیان را دامپرورانی مطلع و دانشمندانی دانسته که خدمت شایانی در دامپروری مخصوصا پرورش اسب به دنیا ارائه داده اند و وجود ایلخ های بزرگ اسب در ایران را به هزاران سال قبل از میلاد نسبت می دهند.

تمام رنگهای متنوع اسب های امروزی را اسب های ایران باستان داشته اند و رنگ های اسب ها بر اساس خواست پرورش دهندگان حاصل می گردید. به طور کلی در دوران پادشاهان ایران باستان همه درباریان و سران لشکر به پرورش اسب اشتغال داشتند. به خصوص از نظر کورش اسب به قدری مهم بود که تعداد نتاج اسب های کورش از مرز 120000 راس در سال فزونی می یافت. تمامی این اسب ها دارای شجره نامه و شناسنامه انفرادی بودند و عموما در سواره نظام ارتش استفاده می شدند. در آن زمان بر اساس قوانین وضع شده هر ایرانی باید سوارکاری را می آموخت.

به گواهی تاریخ ایرانیان در تمام رشته های سوارکاری و پرورش اسب پیشقدم بودند. هرتل می گوید: تفریح بزرگان ایران باستان اسب سواری و اسب دوانی، پرورش اسبهای اصیل و شرکت در اسب دوانی ها بوده و هر ساله بهترین اسبهای مسابقه را خریداری و وارد ایلخ سلطنتی می کردند.

دیگر ورزش ملی ایرانیان چوگان است که در ساژ شکل پیشرفته و امروزی آن می باشد. شکار با اسب مربوط به شاهان ایران باستان بوده و یکی از تکنیک های متداول شکار پرش از روی موانع می باشد که امروزه به عنوان یک رشته در ورزش سوارکاری مطرح است. بانوان ایرانی سوارکاری چوگان و تیراندازی را از کودکی فرا می گرفتند و به عنوان تیرانداز سواره برای شکار به جنگلها می رفتند.

تعدادی دهنه آبخوری و هویزه مربوط به دوهزار سال قبل از میلاد در حوالی لرستان به دست آمده و از بررسی آنها ثابت شده که ایرانیان تمام اقسام سوارکاری را می دانسته و برای هرگونه ورزش سوارکاری نوع ویژه ای دهنه یا آبخوری استفاده می کرده اند. با مروری به وضع سوارکاری امروز مشخص می شود که هنوز همان افسار و دهنه های ایران باستان استفاده می شوند و تا به حال دنیا نتوانسته وسیله ای را جایگزین آنها کند.

پس از نفوذ اسلام به ایران و توصیه های پیامبر اسلام (ص) مبنی بر گرمی داشتن اسب و سوارکاری خدمت شایانی توسط مسلمانان در زمینه پرورش اسب انجام شد. اعراب از ایرانیان تعالیم زیادی در مورد اسب و فنون جنگ سواره آموختند. و پس از آن توانستند بیش از نیمی از کره ی زمین را فتح کنند. در به وجود آوردن بهترین تیره های اسب عرب اسبهای ایرانی نقش به سزایی داشتند.

مارکوپولو می نویسد: در ایران بهترین و زیباترین اسب های جهان موجود است و با توجه به شهرت آنها بازرگانان خارجی آنها را برای فروش به هندوستان آورده و به بهای هنگفتی می فروشند. بهای هر اسب 200 لیره طلا می باشد.

از خدماتی که ایرانیان برای اولین بار در جهان در مورد تولید و پرورش دام نمودند تولید قاطر از جفت گیری الاغ نر با مادبان می باشد.



اسب اصیل یا اسب عرب

متخصصین اسب در دنیا عمدتاً اسب اصیل را مهم ترین عامل در اصلاح انواع نژاد های اسب دنیا می دانند و چون این نژاد پایه و اساس نژاد ترابرد می باشد برای این موضوع اهمیت زیادی قائل هستند. از آنجایی که این اسب با شرایط اقلیمی گوناگون به راحتی سازگاری

پیدا می کند و در حال حاضر در اغلب کشورهای دنیا از مناطق سردسیر تا مناطق استوایی پراکنده است و زیر نظر سازمان بین المللی اسب عرب می باشد. اسب اصیل از خالص ترین و قدیمی ترین نژادهای دنیا می باشد. این اسب که به غلط به نام اسب عرب در دنیا مشهور است در واقع یک نژاد کاملاً ایرانی بوده و پدران ما هزاران سال در اصلاح این نژاد تلاش نموده اند. ولی چون اولین بار اروپایی ها این اسب را از کشورهای عربی دریافت کرده اند به این مناسبت این اسب به نام اسب عرب مشهور گردیده است. تحقیقات انجام شده ثابت کرده که اعراب به خصوص عربستان قبل از ظهور اسلام دارای اسب اصیل نبوده بلکه در اثر تشویق پیامبر اسلام مبادرت به نگهداری و تربیت اسب های ایرانی نمودند که بعدها به اسب عرب مشهور شد.

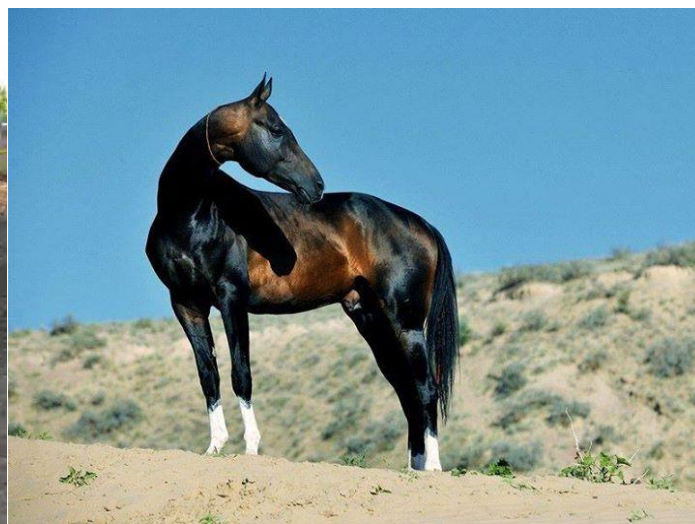
شاخه ی ایرانی اسب اصیل نه تنها ویژگی های مربوط به تیره های خود مانند کهیلان، حمدانی، عبیان، سگلاوی، حدبان و ... را از دست نداده بلکه آن خصوصیتی را که در اصل باعث معروف شدن این نژاد شده به صورت کامل نگه داشته است. این خصوصیات شامل زیبایی، هوش و بیشتر از همه شهامت و پرخونی توام با نجابت می باشد. ایرانیان به توانایی های این نژاد نسبت به شکل ظاهری آن اهمیت بیشتری داده اند. در حال حاضر جمعیت قابل ملاحظه ای از این نژاد در نواحی جنوب غربی کشور به خصوص استان خوزستان و هم چنین تهران وجود دارد.

خصوصیات ظاهری

این نژاد از نظر خصوصیات ظاهری کاملاً متمایز از سایر نژادهای دنیا می باشد. نژادهای حاصل از نژاد عرب از نظر قدرت، سرعت و جثه بهتر از اسب عرب هستند. ولی از نظر نجابت، مقاومت و سازگاری قابل مقایسه با آن نیستند.

در این اسب گردن به طور بسیار زیبایی به طرف جدوگاه انحنا پیدا کرده و شانه ها به طور مشخص برجسته می باشند. سر به طور خاصی به گردن متصل شده و می تواند آزادانه در همه جهات حرکت نماید. یال و دم به صورت بی نظیری زیبا و ظریف با درخشش ابریشمی می باشد. سر نیز کوتاه و ظریف بوده و صورت صاف یا مقعر است. دارای منخرین بزرگ و چشم های درشت و براق می باشد. گوش ها کوچک ظریف و متحرک بوده و گاهی به طرف داخل انحنا می یابد. قسمت پشت در اسب عرب کوتاه و کمی مقعر است. این اسب دارای کمر قوی کپل طولیل و تخم مرغی شکل و اندام های حرکتی سخت و خشک است.

استقامت اسب عرب افسانه ای بوده و در قرن نوزدهم مسابقات اسب های عرب در مسافت های طولانی در صحرا به مدت سه روز انجام می شده است. روش این اسب در حرکت به صورت شنا کردن توصیف شده است. اسب عرب دارای طبیعتی مهربان بوده و بسیار دلاور می باشد.



اسب ترکمن

تاریخچه

از قدیمی ترین آثار به جا مانده از اسب ترکمن می توان تصویر یک اسب ترکمن متعلق به پنج هزار سال پیش را بیان کرد که در یکی از غارهای ایران یافت شده و هم اکنون به عنوان نشان انجمن ملی اسب ایران ثبت شده است. اجداد اسب های ترکمن ابتدا در اصطبل های سلطنتی قوم ماد پرورش می یافته ولی بعدا به نسای خراسان نیز گسترش یافتند. به سبب بی نظیر بودن اسب های ترکمن در سرعت، استقامت و شجاعت از آنها در غارت ها و جنگ و گریزها استفاده می شد. بنابراین استفاده هرچه بیشتر و بهتر از اندام های دفاعی اسب و یکه شناس شدن اسب نسبت به صاحب خود در اصلاح نژاد مد نظر بوده به طوری که این اسبها در جنگها همانند سواران خود می جنگیدند و دشمن را با ضربه های لگد و هم چنین دندان های قوی از پا در می آوردند. اسب های ترکمن در جنگ و گریزها موقعیت های اضطراری را درک کرده و در شرایط جنگی بسیار سخت ابتکار عمل داشته و سوار خود را از بروز خطر آگاه می کرده یا همپای سوار خود ضربت تیر و شمشیر دشمنان را به جان می خریده و سوار مجروح و بیهوش خود را از دست دشمنان نجات می داده و سوی لشکر خودی می رسانده است.

بقایای اسب های ترکمن به چهارصد سال قبل از میلاد به مدفن کشته شدگان سکایی ها بر می گردد که همانند اسب های دوندۀ امروزی ایران با جل و نمذ پوشانده می شدند. و عقیده بر آن بود که اسب ها پس از مرگ همراه با خادمین خود به آسمان ها خواهند رفت. بنابراین اسب های ترکمن را با صاحبان و خدمتگزاران خود دفن می کردند.

در سپاه داریوش هخامنشی سی هزار راس اسب ترکمن وجود داشته که پیروزی های لشکریان داریوش مدیون تلاش های این اسب های گران بها بوده است.

شاردن در سیاحت نامه خود می گوید: اسب ایران بهترین و زیباترین اسب مشرق زمین بوده و از نظر قد بلندتر از اسب های سواری انگلیسی است. در فرس نامه هاشمی آمده است که برای تشکیل نژاد اصیل که فعلا از معروف ترین اسب های دنیا می باشند از سال 1620 تا 1750 میلادی بهترین اسب های سیلیمی از ایران مخصوصا از دشت گرگان و چناران خراسان خریداری شده و برای بهای آنها اعتبار نامحدودی در دست خریداران بوده است. محل پرورش اسب های ترکمنی که یکی از نژادهای معروف جهان است ترکستان روس و ترکمن صحرای ایران می باشد. اسب سیلیمی ترکمن آتی که در سال 1784 میلادی متولد شد و در طی سال های 1791 تا 1805 میلادی در آلمان می زیست بسیاری از مادیان های تراکتر را بارور کرد ولی در سال 1806 میلادی ژنرال هیلر فرانسوی آن را ربود و به فرانسه برد. از مهم ترین خصوصیات اسب ترکمن مقاومت به راه پیمایی های طولانی، تحمل گرما و حرکت بسیار سریع و تند است که طی تاریخ چند هزار ساله خود از لحاظ چابکی و استقامت مورد تحسین ترکمن ها بوده است.

یکی از مراکز اسبهای ترکمن در دوره ی اشکانی ناحیه ی فرغانه و خجند بوده است.

پس از دوره ی اشکانی نیز بیش تر حکام وقت ایران از اسب ترکمن به خاطر سرعت زیاد و کار آیی بالای آن سود می بردند.

نقاشی های بسیاری که از ادوار مختلف مانند دوره ی سلجوقی و یا صفوی به جا مانده است . نقش و حضور این اسب را در جنگ ها و یا مراسم شکار شاهان به زیباترین شکلی به تصویر کشیده است.

نادر شاه افشار به اسب و سواره نظام توجه خاصی داشت . به همین دلیل به فکر آمیختن اسب ترکمن با اسب عرب بر آمد . برای انجام این کار از بهترین سلیمی های عرب و مادیان های اصیل ترکمن برای آمیزش استفاده نمود.

که از پیوند این دو نژاد اسبهای دو رگه ای به نام چناران حاصل شدند . اسب چناران خصوصیات منحصر به فرد ترکمن (بلندی قد و سرعت بالا) و خصوصیات اسب عرب (توانایی عبور از مسیر های سنگلاخ و کوهستانی و قدرت بدنی بالا) را به ارث برد .

در دوران قاجار اسب های زیبا ، توسط سفیران به امپراطور روس ، انگلیس و فرانسه اهدا شدند . فتحعلی شاه قاجار اسبی به نام جهان پیما که گفته می شود از نژاد ترکمن بود به رسم پیشکش برای ناپلئون فرستاد . این اسب چنان مورد توجه ناپلئون قرار گرفت که آن را همیشه و حتی در زمان تبعید خویش به همراه داشت.

مارکوپلو در این باره می نویسد : اسبان ترکمن نجیب ، خوب و تندرست اند . در کشور ایران بهترین و زیباترین اسب های آسیا موجود است و نظر به شهرتشان ، بازرگانان خارجی آن را برای فروش به هندوستان می آوردند و به بهای هنگفتی می فروشدند . بی شک شواهد و سوابق تاریخی اسب ترکمن در ایران بسیار بیشتر از مواردی است که در اینجا به آن اشاره شد.

ما در ایران ثروتی داریم با سابقه ای به طول تاریخ تمدن جهان به نام اسب بومی ایران با ویژگی های منحصر به فرد که به گواه تاریخ جد تمام اسبان اصیل و خوب جهان امروزی است و به صورت تنوعی کم نظیر در سرتاسر ایران به عنوان حیوان بومی یافت میشود.

اجداد اسبان ترکمن ابتدا در اصطبل های سلطنتی قوم ماد پرورش یافته اند و سپس به خراسان منتقل شده اند.

پیشینه اسب ترکمن :

از گور های سکایی یافت شده در پازیریک واقع در کوه های آلتای آثاری از اسب ترکمن مربوط به 400 سال قبل از میلاد به دست آمده است . حالت قرار گرفتن گردن ، شکل و استخوان بندی صورت و سایر اندام های این اسبها خود دلیل بر صحت این مطلب است . سکاها در هزاره ی سوم پیش از میلاد در شمال دریای خزر و حوزه ی سیحون گسترش یافتند . (سکاها از اقوام آریایی آسیایی مرکزی بودند) بی شک آنها نخستین قومی نبودند که اسب را اهلی کردند ولی از نخستین اقوام آسیای مرکزی بودند که سوارکاری را فرا گرفتند.

استفاده ی اسب ترکمن در تاریخ:

سکاها ، هخامنشیان و بیش از همه اشکانیان از اسب های ترکمن در سواره نظام خود سود بردند . شاهان سلجوقی و صفویان نیز سوار بر اسب های ترکمن مملکت تحت سیطره خود را گسترش دادند و امنیت بخشیدند و نادرشاه افشار با ترکیب ترکمن و سایر اسب های ایران تا هند پیش رفت.

امپراطوران سلسله ی (هان) در چین عاشق این اسب های لاغر اندام و کشیده ی ترکمن بوده و آنها را اسبهای آسمانی می نامیدند . به همین دلیل لشگریان خود را برای گرفتن این اسبها نزد خوانین تراکمه می فرستادند که یا به عنوان امانت گرفته یا خریده و اگر میسر نبود به سرقت می بردند . بدین منوال تا بالاخره قراردادی بین طرفین بسته شد که هر ساله تعدادی رأس از این اسبها به امپراطور چین داده شود . در سپاه داریوش هخامنشی سی هزار اسب ترکمن موجود بوده است.

تاریخ کشورهای مختلف مملو از اسامی اسبهای ترکمنی است که هر یک از آنها در زمان خود اسطوره ای بوده اند به طوریکه نامشان برای همیشه در تاریخ ماندگار شده است. از جمله اسب ترکمن ناپلئون بناپارت بنام " جهان پیما " که بعدها به دستور ناپلئون نامش به "امپراطور" تغییر یافت و یا اسب معروف تزار روسیه "پاشا" که از اسب های ترکمن بوده است و از ایران به دربار تزار هدیه شده بود. و جالب تر از همه اسب ترکمن به نام ایکلیپس "Eclipse" که متعلق به لرد چمبرلن عمومی جرج چهارم پادشاه انگلستان بود و به قدری

در مسابقات اسبدوانی در انگلستان گوی رقابت را از سایرین ربود که در آخرین روز مسابقه این اسب، در تاریخ چهارم اکتبر 1770 میلادی هیچ یک از رقبای حاضر به شرکت در مسابقه ای که ایکلیپس در آن حضور داشت نشده و از این رو این اسب به تنهایی دور میدان را دوید و برنده جایزه شناخته شد. و یا نمونه دیگر اسب تخمی « ترکمن آتی » که در سال 1784 ر.م. متولد شده در سال 1791-

1805 ر.م . در آلمان می زیسته و بسیاری از مادبانهای تراکن TRAKEHNEN و مادبانهای ایلخی فریدریش ویلهلم

FRIDRICH, WILHELMS-Gest را بارور کرده است و بالاخره در سال 1806 رم. ژنرال هیلر HILAIRE فرانسوی آن را ربوده و به فرانسه برده است

از قدیمی ترین آثار به جا مانده از اسب ترکمن میتوان تصویر یک اسب ترکمن متعلق به پنج هزار سال پیش را بیان کرد که در یکی از غار های ایران یافت شده و هم اکنون به عنوان نشان انجمن ملی اسب ایران ثبت شده است . اجداد اسبهای ترکمن ابتدا در اصطبل های سلطنتی قوم ماد پرورش می یافته ولی بعداً به نسل خراسان گسترش یافتند . به سبب بی نظیر بودن اسب های ترکمن در سرعت ، استقامت و شجاعت ، از آنها در غارتها و جنگها و گریز ها استفاده می شد.

یکی از با ارزشترین نژاد های اسب ایران ، اسب ترکمن است ، این اسب در منطقه شمال شرقی ایران در حاشیه شرقی دریاچه خزر توسط تراکمه پرورش می یافتند.

قابلیتهای متمایز کننده اسب ترکمن که این نژاد را در مقایسه با سایر اسبهای دنیا متفاوت جلوه می دهد ، توانایی این اسب در جهت شرکت در مسابقات پرش ، سه روزه و حتی استقامت و کسب موفقیتهای چشمگیر در این مسابقات می باشد.

بقایای اسبهای ترکمن به چهار صد سال قبل از میلاد به مدفن کشته شدگان سکایی ها برمیگردد ، که همانند اسب های دهنده امروزی ایران ، باجل و نمد پوشانده می شدند و عقیده بر آن بود که اسب ها پس از مرگ ، همراه خادمین خود به آسمان ها خواهند رفت ، بنابراین اسب های ترکمن همراه با صاحبان و خدمت گزاران خود دفن می شدند.

هم اکنون اسب های ترکمن در ترکمنستان ، جنوب قزاقستان و شمال قفقاز و ایران یافت می شوند . ترکمنها بر حسب شرایط منطقه ای و جغرافیایی به سه طایفه ی اصلی به نام های گوگلان ، یموت و تکه ها تقسیم گشته اند که هر یک دارای زیر شاخه هایی می باشند . نام گذاری تیره های اسب های ترکمن داشتن اسب های گران بهای گوگلانی و جرجانی(گرگانی) به خود می بالید.

شاردن در سیاحت نامه خود می گوید: اسب های ایرانی بهترین و زیباترین اسب های مشرق زمین بوده و از نظر قد ، بلند تر از اسب های سواری انگلیسی است . محل پرورش اسب های ترکمنی که یکی از نژادهای معروف جهان است ترکستان روس و ترکمن صحرای ایران می باشد.

از مهم ترین خصوصیات اسب ترکمن مقاومت به راهپیمایی های طولانی ، تحمل گرما و حرکت بسیار سریع و تند است که طی تاریخ چند هزار ساله خود از لحاظ چابکی و استقامت مورد تحسین ترکمن ها بوده است.

امروزه نژاد آخال تکه به عنوان الگوی اسب های تیپ III پرورش اسب است . اسب های این گروه دارای ارتفاعی حدود 150 تا 160 سانتی متر یا بدن طویل و باریک ، گوش های دراز و گردن طویل می باشند . ما چهار تیپ داریم : دو تیپ کوتاه و دو تیپ بلند که ترکمنی جزء بلند است.

یقیناً اسب ترکمن در به وجود آمدن نژاد ترابرد نقش داشته است. مسلم است که حدود 300 سال پیش نژاد ترابرد از چند اسب معروف دنیا به وجود آمده که یکی از آنها اسبی به نام بایرلی ترک می باشد و شکی نیست که اسب ترکمن است. اسب دیگر به نام دارلی عربین می باشد که از اسب های عرب ناموفق بوده و از خون آخال تکه پدید آمده است.

ولی اسب های ترکمن برای مسابقات با مسافت های طولانی اصلاح نژاد شده اند.

ترکمن ها که از ورزش های سوار کاری فقط اسب دوانی را میدانستند، با سیاست غلط دولت یعنی در یک گروه قرار دادن اسبهای وارداتی برای بالا بردن سرعت اسب های خود از سیلیمی های خارجی در بارور کردن مادیان های خود استفاده کردند. بنابراین بهترین سیلیمی های ترکمن در شهر ها و روستا های ترکمن صحرا زیر ارابه ها و در زمین های کشاورزی به شخم زمین ها و کار در مزرعه مشغول شدند. در نتیجه در سالیان متمادی اسب ترکمن خالص متولد نشد، مگر در روستا هایی که به اسب های خارجی دسترسی نداشتند یا گله هایی که بی سرپرست در کوهها و دشت ها سرگردان شدند.

اصولاً عوامل مختلف محیطی قادر هستند که بر روی اسب تأثیر گذاشته و گاهی شناخت آن را دشوار سازند قبل از آنکه به ذکر برخی از استانداردهای نژادی این اسب بپردازیم لازم است به این عوامل اشاره شود. عوامل مختلفی مانند: تغذیه، آب و هوا، نحوه پرورش، تیمار و نحوه تمرین دادن و آموزش به حیوان بر رشد و نمو پیکر اسب تأثیر فراوان می گذارد که به نظر می رسد دو عامل اساسی تأثیر منفی خود را بر رشد و نمو این حیوان خصوصاً در منطقه ی ترکمن صحرا و جر گلان و نواحی از بجنورد گذاشته اند.

نخست به دلیل اقتصادی نبودن این حیوان در حال حاضر اکثر پرورش دهندگان سنتی این نژاد، توانایی این که جیره ی مکفی در اختیار این حیوان قرار دهند را نداشته اند و متأسفانه این امر با زود به کار گرفته شدن آنها آن هم در سنین نزدیک به بلوغ اثرات مضاعف منفی خود را ایجاد نموده که در نهایتاً منجر به آن می شود که این اسب ها نتوانند پتانسیل ژنتیکی خود را در مورد بسیاری از کاراکتر های ظاهری به ظهور برسانند.

نکته ی دیگر آنکه بر اساس سنت های قدیمی ترکمن ها در پرورش اسب برای آنکه چربی اضافی و مازاد بدن حیوان را بسوزانند با نمد پیچی و به اصطلاح عرقگیری حیوان پوشش چندین لایه را بر روی اسب انداخته و بدن وی را کاملاً می پوشانند که این امر نیز موجب عدم تأمین ویتامین D از طریق تابش نور خورشید به سطح پوست حیوان و در نتیجه عدم جذب کلسیم و متعاقب آن فسفر می شود و این امر نیز در صورتی که این ویتامین و کلسیم و فسفر از طریق جیره و یا به صورت مکمل ها به اسب نرسد موجب کوتاه شدن قد و جثه حیوان می شود.

شاید به همین دلیل تا حدود زیادی برآورد قابلیت های واقعی اسب های ترکمن ایران از ظاهر آنها مشکل باشد. اسب های ترکمن یکی از قدیمی ترین نژاد های دنیاست.

اسب های ترکمن به خاطر داشتن استقامت در برابر شرایط نا مساعد محیطی و نیز شجاع بودنشان معروف هستند. یکی از صفات برجسته ی های ترکمن طولانی بودن عمر باروری این نژاد در مقایسه با سایر نژاد ها می باشد.

شاید در مورد اسب های ترکمن خیلی غیر عادی نیست که حتی پس از بیست سال سن و کشش با مادیان ها بتوانند کره های خوبی تولید کنند.

ویژگی های خاص اسب های ترکمن :

همانگونه که ذکر شد مهمترین ویژگی های این نژاد عبارت است از: سرعت ، قدرت ، استقامت ، فرمانبرداری و شجاعت ، این خصایص در حد کمال در اسب ترکمن جمع شده و این اسب را برای استفاده های مختلف در مسابقات مختلف ورزشی ، جنگ ، مسافرت ، مسابقات زیبایی و حتی در امور کشاورزی مناسب نموده است.

اسب های ترکمن دونده های خوبی برای مسابقات اسب دوانی با مسافت های طولانی هستند و به دلیل برخورداری از مفصل خرگوشی بسیار مناسب به لحاظ وسعت و زاویه در پرش از موانع، خیلی نرم واطاعت پذیرند.

خصوصیات ظاهری اسب ترکمن:

شانه: بلند و شیبدار نسبتاً عضلانی

سر: صورت کشیده، ظریف و استخوانی و معمولاً هیچ گونه تقعری در نیم رخ نداشته و کاملاً مستقیم بوده ، در تعدادی کمی برجستگی مشاهده می شود. سر با زاویه 45 درجه روی گردن قرار گرفته است

کمر و پشت: طویل و کمی فرو رفته

کپل : کم شیب با عرض خوب و خروج دم بالاتر شروع می شود و اغلب دم ها کم مو و بلند و هیچ وقت دم نمی گیرند ، زیر دم یعنی سرین جا دارتر است .

شکم: شکم تازی(در امتداد سینه و در انتهای خلفی اندکی جمع می شود)

جدوگاه: کاملاً برجسته

اندام حرکتی: مستقیم و شاقولی، بلند و موزون با مفاصلی قوی و تاندون های برجسته، معمولاً فاقد موی اضافی در ناحیه ساق و بخولق ، ساق متناسب و خوش ترکیب .

گوش ها: ضمن داشتن ظرافت در مقایسه با سایر نژاد ها مثل اسب های عرب، کمی بلند تر می باشند

چشمان: نسبتاً درشت، و اکثراً فاقد حدقه ی برجسته می باشند

بینی: انتهای بینی و منخرین کاملاً صاف است و گونه ها برجستگی ندارند

گردن: بلند و کشیده با اتصال قوی و مناسب به بدن با زاویه نسبتاً عمود به شانه ها متصل می شوند و فاقد حالت قوسی ناحیه بالای گردن

سینه: نسبتاً باریک (نسبت به جثه حیوان عرض کمی دارد) عمیق ، قوی و متناسب ، دور سینه اسب به طور متوسط 167 سانتیمتر و مادیان به طور متوسط 165 سانتیمتر .

پال و دم: کم مو ولی بلند با تراکم کم، محل اتصال دم به بدن کمی بالا تر از سایر نژاد ها است و به همین دلیل نگه داشتن دم دیده نمی شود

سم: در تیره یموت بر خلاف آخال تکه قوی و مستحکم است ولی به طور کلی در مقایسه با سایر نژادها سم ها ضعیف و شکننده می باشند، سم ها اغلب سفید رنگ و کوچک هستند

رنگ بدن: بیشترین فراوانی رنگ در این نژاد رنگ های کهرطلایی و کرنگ و قره کهر و سمندو نیله می باشند. اسب های سیاه فراوانی کمتری دارند و از این رو رنگ های سیاه و طلایی بدون هر گونه نشان بسیار ارزشمند هستند

قد: در این نژاد قد در ناحیه جدوگاه در نریان ها در حدود 148 تا 154/5 سانتیمتر و برای مادیان ها در حدود 147 تا 152 سانتی متر به طور متوسط می باشند. البته امروزه اسب های آخال تکه انتخاب شده و اصلاح نژاد شده روسی قدبلندتر و حتی تا بیش از 170 سانتی متر هم رسیده اند. البته در کتاب انساب این اسب ها به 3 تیپ به لحاظ قد طبقه بندی شده اند، استاندارد، متوسط و بلند که از ارتفاع بین 152 تا 164 سانتی متر در حد استاندارد می باشد.

فاصله بین زانو و بخلق: به طور متوسط برای اسب 19 سانتیمتر و برای مادیان 18 سانتیمتر است .

برخی از سایر اختصاصات ترکمن:

خلق و خوی: حیوانی است ملایم و با هوش که به خوبی آموزش می بیند.

گروه خونی: در بررسی های به عمل آمده بر روی گروه های خونی اسب ترکمن (آخال تکه) ملاحظه شد است فراوانی آلل های گروه های خونی H و O کمترین و بیشترین فراوانی مربوط به آلل F بوده همچنین عدم وجود آلل M نیز روئت می شود.

روش پرورش و نگهداری اسب ترکمن:

شاید یکی از بهترین روشهای پرورش اسب که در دنیا هنوز هم طرفداران زیادی دارد، طی سالیان متمادی توسط ترکمنها برای رشد و تکثیر این نژاد به کار گرفته شده و هنوز هم بسیار معدود اعمال می شود.

در این روش مادیان های ترکمنی را در فصول مناسب سال به صورت ایلخی در نواحی که مراتع و علفزار های مناسب دارند رها نموده و اجازه می دهند این دام ها در مراتع بیلاقی و قشلاقی آزادانه چرا نمایند، در فصول بهار برای تولید مثل سیلیمی را که از پیش جهت بارور کردن حدود 30 تا 40 مادیان یک گله در نظر گرفته اند برای مدت دو تا سه ماه در بین آنها رها کرده و بدین ترتیب با بدست آمدن درصد بالایی از باروری این مکان فراهم می آید تا سال بعد شاهد زایش مادیان ها باشیم.

معروف ترین پرورش دهندگان و ایلخی داران قدیم اسب ترکمن عبارت بودند از «حاج سید نیاز»، «حیب ایشان»، «حسین جرجانی»، «آرتق قلیچ»، «تاج محمد خوجه»، «سارجه کر»، «حاجی تاتار قلی».

اسب ترکمن یکی از اصیل ترین و زیباترین اسب های دنیا و جزء 7 حلقه اجداد اسب در دنیا می باشد. این اسب در دو گونه یموت و آخال تکه و یک تیره معروف چناران موجود است. این اسب بومی مناطق شمال شرقی ایران و ترکمن صحرا و ترکمنستان است، این اسب در رده ی اسب های خون داغ یا hotblood و در رده ای بالا تر از اسب های خونگرم قرار دارد. این اسب بسیار محتاط و در عین حال نترس و با هوش می باشد. اسب ترکمن یکی از بالاترین زنجیره ها در اصلاح نژاد و پدر بزرگ بسیاری از نژادهای معروف ورزشی در دنیا و دارای خون اصلاح کننده ی بسیار قوی و خود نیز بسیار آموزش پذیر و در عین حال بر عکس اسب های آموزش پذیر خونسرد، دارای قدرت تصمیم گیری بالا و اصلاح اشتباهات سوار خود می باشد و در حقیقت سوارکار برای یک اسب ترکمن آموزش دیده بیشتر نقش یک همفکر را دارد تا یک رئیس و فرماندار.

تیره های اسب ترکمن:

به دلیل وسعت محل پرورش و تفاوت‌های قومی و قبیله‌ای پرورش دهندگان، به مرور زمان تیره‌های مختلفی از اسب‌های ترکمن به وجود آمده است که مسلماً هر یک از این تیره‌ها نسبت به سایرین تفاوت‌های جزئی را از خود نشان می‌دهند، ولی اکثراً از نظر فتوتیپ (phenotype) و کارایی (performace) یکسان هستند.

سه اکوتیپ اصلی اسب ترکمن عبارت‌اند از: یموت، جرگلان (گوگلان) و آخال تکه.

ریتم قلب اسب ترکمن (سکایی):

چگونگی ریتم قلب در تعداد 123 رأس اسب 2 تا 28 ساله ترکمن (سکایی)، به عنوان یکی از اسب‌های اصیل ایرانی با استفاده از اشتقاق‌های استاندارد الکتروکاردیوگرافی به ویژه اشتقاق قاعده‌ای رأسی مورد بررسی قرار گرفت، میانگین تعداد ضربان قلب سایر نژاد‌های شناخته شده است به ویژه تاروبرد، نبود بی‌نظمی سینوسی، درصد بالای پدیده پیشاهنگ الکتریکی سرگردان (30٪) بسیار ناچیز بی‌نظمی‌های قلبی 2/5، از دیگر جنبه‌های ریتم قلب در اسب ترکمن به شمار می‌رود.

پوشش اسب ترکمن:

اسب ترکمن پوششی مخصوص و مفصل دارد که همراه با زیورهای آن به اسب زیبایی می‌بخشد. جل‌های بسیار قشنگی از گلیم و قالیچه می‌بافند و آن را روی نمد بسیار بلند که مخصوص پوشش اسب است می‌اندازد.

* این پوشش عبارت است از:

- درونی‌ترین پوشش اسب را «اچوگی» می‌نامند.

- بعد از اچوگی نمد دیگری به نام «گزرمن» قرار می‌دهند.

- "جل" و «اورتمن» پوشش‌های بعدی را تشکیل می‌دهند.

تمامی این پوشش‌ها را با بندی به نام «قارن باق» (شکم بند) به تنگ‌گاه سینه‌ی اسب وصل می‌کنند.

در زمستان اسب را با نمد سفید و بزرگی می‌پوشانند که به آن «بورامه کچه» می‌گویند.

ترکمن‌ها به اسب نعل نمی‌کوبند چون خاک صحرا نرم است و احتیاجی به نعل ندارد، زین را به ترکمنی «ایه ر» می‌نامند که رکاب «اوزنگ» به آن متصل است، مهار اسب را "اویه ن" می‌نامند.

امروزه نژاد آخال تکه به عنوان الگوی اسب های تیپ 3 پرورش اسب است. اسبهای این گروه دارای ارتفاعی حدود 150 تا 160 سانتی متر با بدن طولیل و باریک گوش های دراز و گردن طولیل می باشند. اسب عرب مخصوص مسابقه ی موناقی شباهت زیادی با اسب آخال تکه دارد.

یقینا اسب ترکمن در به وجود آمدن نژاد تروربرد نقش داشته است. مسلم است که حدود 300 سال پیش نژاد تروربرد از چند اسب معروف دنیا به وجود آمده که یکی از آنها اسبی به اسم بارلی ترک می باشد. و شکی نیست که یک اسب ترکمن است. اسب دیگر به نام دارلی عربین می باشد که از اسب های عرب ناموفق بوده و از خون آخال تکه پدید آمده است.

مسابقات اسب دوانی ترکمن صحرا تا اواخر دوران فعالیت انجمن سلطنتی اسب اغلب با اسب های ترکمن انجام می شد ولی با وارد شدن اسبهای تروربرد برای مسابقات اسب دوانی ایران و متعاقب آن تحولات انقلاب و جنگ تحمیلی اسب های ترکمن رو به انقراض رفتند. اسب های تروربرد به منظور مسابقه برای مسافت های کوتاه اصلاح نژاد شده اند و قادر هستند مسافت های کوتاه را با سرعت های بسیار زیاد طی کنند ولی اسب های ترکمن برای مسابقات با مسافت های طولانی اصلاح نژاد شده اند بنابراین از زمانی که مسابقات اسب دوانی ایران فقط در مسافت های کوتاه برگزار می شود اکثرا اسب های تروربرد پیروز می شوند. ترکمن ها که از ورزش های سوارکاری فقط اسب دوانی را می دانستند برای بالا بردن سرعت اسب های خود از سیلیمی های خارجی در بارور کردن مادیان های خود استفاده کردند. بنابراین بهترین سیلیمی های ترکمن در شهرها و روستاهای ترکمن صحرا زیر ارابه ها و در زمین های کشاورزی به شخم زمین ها و کار در مزرعه مشغول شدند. در نتیجه از سال 1357 به بعد اسب ترکمن خالص متولد نشد مگر در روستاهایی که به اسب های خارجی دسترسی نداشتند یا گله هایی که بی سرپرست در کوهها و دشتهای سرگردان شدند.

از شروع اصلاح نژاد اسب های خارجی در اروپا بیش از چند سده نمی گذرد و از آنجایی که آنها اسب های خود را فقط برای یک منظور خاص به عنوان مثال در مورد تروربرد سرعت بالاتر اصلاح کرده و سایر عوامل را کمتر در نظر گرفته اند بنابراین امروزه اسب های با سرعت بالا ولی بسیار حساس ظریف و تخصصی تولید شده اند که برای نگهداری آنها نیاز به هزینه های بالا، استفاده از متخصصین با تجربه و تجهیزات مدرن است. اسب های تروربرد فقط برای مسابقات اسب دوانی کارایی دارند و در دیگر رشته های ورزشی موفق نمی باشند. این ها اسب هایی با بلوغ زودرس، عمر مفید بسیار کم و درصد باروری بسیار کم هستند. متاسفانه از چند دهه قبل سرعت اسب های تروربرد رو به کاهش نهاد و این معضل ذهن تمام دانشمندان علوم اسب و اسب داری را به خود مشغول کرده است.



اسب ترکمن آخال تکه

منشا اولیه ی اسب های آخال تکه روستای میان کویری به نام آخال واقع در جنوب ترکمنستان است. این منطقه از جنوب شرقی صحرای قره قوم تا دامنه کویت داغ ادامه دارد. به دلیل وضعیت خاص این منطقه دور از هرگونه تاخت و تاز و تهاجم و حتی دور از مقاصد تجاری و بازرگانی قرار گرفته است. بنابراین این انزوا و جدایی روستاهای آخال همراه با غرور خاص مردم قبیله تکه در خالص کردن نژاد منجر به ایجاد قدیمی ترین و خالص ترین خط نژادی گردیده است. قرن ها جنگجویان ترکمن سوار بر اسب های آخال تکه در حداکثر درجه حرارت روز در صحراهای بی آب و علف به تاخت و تاز می پرداختند و این اسب ها همه ی این سختی ها را تحمل می کردند. از آنجایی که فقط یک ماه از سال در صحراهای لم یزرع علوفه ی تازه در دسترس بوده و شبها بسیار سرد و ظهرها بسیار گرم بود بنابراین اهالی قبیله ی تکه روش خاص خود را در پرورش اسب به کار می بردند. به این صورت که میخ چوبی در زمین می کوبیدند و توسط افسار کوتاهی اسب را مهار کرده و توسط جل و نمد تمام بدن اسب را می پوشاندند تا از سرمای شب و گرمای سوزان روز در امان باشند. پرورش اسب های آخال تکه از طریق اجرای محدودیت های غذایی اعمال می شد. برای تغذیه اسبها از جیره های غنی از پروتئین مانند یونجه خشک، پلت چربی گوسفند همراه با جو و کیک خمیر سرخ شده و ذرت استفاده می کردند. این روش نگهداری منجر به این شد که اسب به غذا و آب کم عادت کند نسبت به صاحبان خود اظهار علاقه کند و به افراد ناشناس مشکوک شود. پوشاندن بدن اسبها با پوشش زیاد نه تنها آنها را از تغییرات درجه ی هوا مصون نگه می دارد بلکه باعث درخشندگی پوست موی اسب می شود که چشم را خیره کرده و باعث احساس غرور صاحبان آنها می شود.

اسب آخال تکه به خاطر قدرت تحمل و سرعت بالا اسبی ایده آل در شرایط صحرایی است. در پیشینه ی این اسب رکورد عجیب و باور نکردنی ثبت شده که حاکی از تحمل و مقاومت بیش از حد آن به گرما می باشد. اسب های آخال تکه مسیر اشک آباد تا مسکو با فاصله ی بیش از 4100 کیلومتر را در سال 1935 میلادی در حدود 84 روز طی کرده اند. که 360 کیلومتر از این مسیر حرکت در صحرای سوزان بوده و اسب به آب دسترسی نداشته است. این مسیر سه روزه طی شده و این رکورد هرگز تکرار نشده است.

این اسب دارای ترکیب بدنی متمایز از سایر نژادها ساختار بدنی سبک و زیبا، اندام بلند، کشیده، باریک و لاغر ولی بسیار قدرتمند است. شیب کمر به طرف جلو، شیب کپل به طرف عقب و روی کپل گرد نبوده و به صورت صاف دیده می شود. صورت کشیده، خشک، استخوانی، ظریف، باریک و بلند، نیم رخ صورت صاف یا کمی محدب، چشم ها درشت و براق هستند.

دارای گردن طویل، باریک و عضلانی بوده و از نیم رخ زیر گردن صاف و روی مهره ی سوم گردن شکستگی جزئی دیده می شود. گردن با شیب تند نزدیک به خط عمود روی تنه قرار می گیرد. اندام های حرکتی طویل، نازک با تاندون های قوی، مفاصل قوی و متناسب، بخولق بدون مو و با طول متوسط و نیز دارای شیب تند نزدیک به خط عمود، مفاصل خرگوشی بسیار مناسب برای جهش، قلم اندام های حرکتی کوتاه، گام های نرم و سبک و دارای انعطاف و حرکات آزادانه است. اسب های آخال تکه غالبا دارای سم های نرم و شکننده بوده و غالبا دچار لنگش ناشی از سم می گردند و بدین جهت اسب های آخال تکه برای مسیره های کوهستانی مناسب نیستند.

رنگ بسیار خیره کننده این نژاد رنگ طلایی و مشکی با جلای متالیک است که زیر تابش خورشید درخشندگی خاصی دارد. رنگ های کهر متالیک و به ندرت نیلی یا نقره ای نیز یافت می شود. اغلب آخال تکه ها روی سر تا سر کمر خود یک خط طولی ممتد دارند که نشانگر قدمت نژاد است. خالص ترین و مقاوم ترین اسب های آخال تکه آنهایی هستند که علاوه بر داشتن تمام خصوصیات فنوتیپی و ژنوتیپی ایده آل رنگ بدن مشکی متالیک یا طلایی یک دست داشته باشند. اسب های آخال تکه در کتاب های انساب به سه تیپ طبقه بندی شده اند: اسب هایی با جثه ی استاندارد، متوسط و سنگین که ارتفاعی بین 152 تا 164 سانتی متر دارند.

آخال تکه اسب واقعی بیابان و دشت می باشد. دارای آراستگی، ظرافت، مقاومت و استقامت زیادی است و توانایی و طاقت تحمل هوای گرم را دارد. حرکات این اسبها زیبا دارای ظرافت خاص و چابکی و همراه با گام های بلند و طویل است. توانایی و انعطاف در تغییر جهت در تاخت و تاز و نیز چهار نعل رفتن از دیگر ویژگی های این نژاد می باشد که در مسابقات درسا بسیار مناسب و در مسابقات پرش بسیار عالی است. به علاوه این اسبها برای مسابقات چند منظوره و رالی برای مسافت زیاد بسیار مناسب هستند.

آموزش تکنیک های سوارکاری به اسب های ترکمن نیازمند حوصله و تجربه کافی است و اگر مراحل تربیتی با موفقیت طی شود اسب ترکمن هیچ وقت تعلیمات را فراموش نکرده و نافرمانی نمی کند و تا آخر عمر یک اسب ورزشی موفق خواهد بود.

اسب های آخال تکه بدنی لاغر و باریک داشته و مدت زیادی از شبانه روز را به دویدن، بازی کردن و جنگ های نمایشی با یکدیگر می گذرانند. اگر چند روز از اصطبل بیرون آورده نشوند برای جلوگیری از چاق شدن غذا نمی خورند و به محض خروج از اصطبل نیز با فعالیتهای فیزیکی انرژی اضافی را مصرف می کنند.

با گرم شدن بدن اسب های آخال تکه در اثر تمرینات ورزشی قدرت آنها نیز بیشتر شده تا جایی که بدن آنها تماما غرق در عرق می شود. در این موقع تمایلی به توقف ندارند و دائما می خواهند با تمام قدرت بدوند. سوارکاری در چنین وضعیتی بسیار سخت و دشوار می باشد چون با کشیدن افسار برای توقف اسب نه تنها نمی ایستند بلکه مانند قورباغه به طرف جلو می جهند (اصطلاحا کاپریول می زنند) و با

کشیدن قوی افسار روی دو پا ایستاده و هیچ وقت از دویدن خسته نمی شوند و به همین دلیل این اسبها بهترین نژاد اسب برای مسابقات اسب دوانی در مسافت های طولانی هستند.

سرمایه های ارزشمند نژاد اسب های ورزشی از آمیخته گری های آخال تکه با نژادهای سواری هانور تراکتر و لاتویان به دست آمده است. آخال تکه از متوسط طول عمر و باروری بالایی برخوردار است. تعجب آور نیست که نریان ها پس از بیست سالگی نیز در مسابقات کشش استفاده می شوند. رکورد باروری مربوط به مادبان الان با تولید هفده کره در طی سه سال عمر می باشد و به طور کلی آخال تکه از عمر مفید بالایی برخوردار است. متأسفانه طی سالیان اخیر چند ژن نامطلوب در اسب های آخال تکه ظاهر شده که عمده ترین آنها شامل نهان خایگی دهان طوطی که در آن فک پایین کوتاه تر از فک بالا می باشد. تنگی سینه و نزدیکی بیش از حد اندام های حرکتی جلویی به یکدیگر و متعاقباً انحراف آنها به طرف خارج می باشد.

اسب ترکمن یموت

همانطور که گفته شد مردمان طایفه تکه اسب های ترکمن را برای شرایط زیست محیطی خود اصلاح نژاد کردند. افراد طایفه ی یموت کوچ نشین بوده و نحوه ی سکونت آنها به شکل چادر نشینی و حیات آنها اساساً بر نگهداری و پرورش دام مبتنی بود. با توجه به شرایط این کوچ نشینان که استفاده ی وسیع از مرتع می باشد و نیز بر اساس شرایط زیست محیطی خود اسب های ترکمن را به گونه ای اصلاح نژاد کردند که برای آنها مطلوب بود.

اسب های یموت شباهت زیادی به اسب های آخال تکه دارند. اسب های آخال تکه به دلیل دارا بودن اندامی ظریف و باریک، اندام های حرکتی بلند، سم های کوچک، نرم و شکننده، بدن طویل و کمر ضعیف، برای مسیرهای صعب العبور و کوهستانی، فعالیت های بدنی شدید و حمل و نقل مناسب نمی باشند. بنابراین افراد کوچ نشین طایفه ی یموت، برای تقویت توانایی اسب های خود در کوچ و نقل و انتقال در مسیرهای صعب العبور خون اسب های عرب ایرانی و اسبهای فلات ایران را وارد گله های خود کردند به طوری که در این اسب های ترکمن تاثیر پذیری از اسب های عرب مشهود است.

اسب های یموت از نظر رفتاری شباهت زیادی به اسب های عربی دارند. به راحتی رام و اهلی شده و لجاجت اسب های آخال تکه را ندارند. اگرچه اسب های یموت همانند آخال تکه ها سریع نمی دوند ولی برای مسافت های طولانی توانایی و طاقت بیشتری دارند. اسب های یموت مسافت عشق آباد تا مسکو را پا به پای اسب های آخال تکه طی کرده اند. هم چنین این اسب ها از مقاومت عجیبی برخوردار هستند.

به عنوان مثال وقتی لشکریان ناپلئون به مناطق سردسیر روسیه رسیدند اکثر اسبها از سرمای شدید تلف شدند ولی اسب های معروف ناپلئون به نام جهان پیم (امپراطور) که از اسبهای یموت بود هیچ ضعفی نشان نداد. اسب های یموت برای مسابقات پرش، درساز، اسب دوانی و مسابقات سه روزه مناسب هستند. ترکیب بدنی اسب های یموت شباهت زیادی به اسب های آخال تکه دارد ولی از برخی جهات با اسب های آخال تکه ی روسیه فرق دارند. به عنوان مثال قد اسب های یموت کمی کوتاهتر ولی بدن آنها سنگین تر و کمی پهن تر

است. هم چنین سم های قوی و اسکلت محکم تری دارند. موهای یال، دم و کاکل کمی بیشتر از آخال تکه است. این اسبها مقاومت و استحکام بیشتری دارند در مسیرهای کوهستانی موفق هستند و حرکات قدرتی را بهتر انجام می دهند. اسب های یموت اغلب به رنگ نیله هستند ولی به ندرت رنگ های کهر و کزنگ نیز دیده می شوند. امروزه اسب های یموت فقط در ترکمنستان و ترکمن صحرای ایران یافت می شوند. از آنجا که اکثر خانواده های طایفه ی یموت در منطقه ی ترکمن صحرای ایران زندگی می کنند بنابراین بیشترین تعداد از اسب های ترکمن ایران را اسب های یموت تشکیل می دهند.

در ترکمنستان اسب های یموت در گروههای جدا از اسبهای آخال تکه در مسابقات اسب دوانی شرکت می کنند و در ایران فقط تعداد اندکی از بقایای بهترین اسب های یموت را می توان زیر گاری ها در حال شخم زدن زمین ها در روستاهای دور دست و یا تعداد کمی به صورت گله های وحشی در مناطق شمال شرقی کشور و در روزهای آخر زندگی آنها رویت کرد. اسب های طایفه ی گوکلان برادران اسب های طایفه ی یموت هستند که از هر نظر شباهت زیادی به هم دارند. تنها تفاوت این دو نوع اسب های ترکمن را در رنگ آنها می توان جست و جو کرد. گوکلان ها علاقه خاصی به رنگ های تیره دارند و یموت ها رنگ های روشن را می پسندند.

اسب های ترکمن جرگلانی

نوع دیگری از اسب های ترکمن به نام جرگلانی در منطقه ی جرگلان و روستاهای مجاور واقع در بجنورد تا نواحی شمال شرقی استان خراسان در نزدیکی نوار مرزی ایران-ترکمنستان یافت می شود. از آنجا که سالیان متمادی از این اسبها در بارکشی، حمل و نقل، گاری کشی، کار در زمین های کشاورزی و مسیرهای صعب العبور استفاده می شده بنابراین در اصلاح نژاد این اسبها بیشتر عوامل و معیارهای قدرتی و اطاعت پذیری مد نظر بوده است. به همین دلیل امروزه اسب هایی در منطقه یافت می شوند که از نظر اندام تنومند و نسبتا سنگین و زمخت می باشند در حالیکه خیلی مطیع و سر به راه هستند. این اسبها چابکی و سرعت اسب های ترکمن را ندارند ولی در عوض بسیار تنومند و مطیع هستند بنابراین برای استفاده در رشته های پرش همانند اسب های پرشی موفق کارایی دارند.

اسب ترکمن چنارانی

به طور عمده اسب های چناران برای اولین بار توسط نادرشاه افشار در منطقه ی چناران خراسان به منظور استفاده برای سواره نظام خود برای فتح هندوستان توسعه پیدا کردند.

نادر شاه که در اندیشه ی فتح افغانستان و هندوستان بود برای لشکریان خود نیاز به اسب هایی داشت که خیلی سریع دویده و خسته نشوند. به همین دلیل به فکر استفاده از اسب های آخال تکه افتاد ولی به دلیل اینکه اسب های آخال تکه برای حمل تجهیزات جنگی و سواران مسلح در مسیرهای سنگلاخی و کوهستانی مناسب نبودند بنابراین به فکر استفاده از اسب های عربی افتاد که از استحکام بیشتری برخوردار بودند ولی متاسفانه اسب های عربی هم قد کوتاه هم سرعت کمی دارند پس به فکر آمیختن این دو نژاد با یکدیگر برای تولید

یک اسب ایده آل افتاد. سپس با آمیزش بهترین سیلمی های عرب با مادیان آخال تکه کره هایی با خصوصیات متفاوت حاصل شد. از آنجا که تثبیت صفات مورد نظر در مورد اسب ایده آل مد نظر بود بنابراین اسب های دارای خصوصیات مطلوب تکثیر شدند تا جایی که اسب های ایده آلی پدید آمدند.

اسب های چنارانی از نظر اخلاق و رفتار شباهت زیادی به اسب های عربی دارند و بسیار قانع و سازگار هستند. از نظر تمام عوامل مدیریتی مانند تغذیه، پرستاری و شرایط محیطی قانع هستند. حداقل و حداکثر درجه ی حرارت محیط را تحمل می کنند. لگد نمی زنند و گاز نمی گیرند فقط در مواقعی که تحت فشار روحی شدید باشند برای دفاع از خود لگد می زنند. اسب هایی عاطفی بوده و خیلی زود با سواران خود ارتباط برقرار می کنند. این اسبها در جنگ های نادرشاه از سواران مجروح خود دور نمی شدند حتی در جنگ ها دیده شده که اسب های چنارانی در کنار صاحبان مجروح خود خوابیده و سعی کرده اند آنها را سوار کرده از مهلکه خارج کنند بدون سواران خود میدان را ترک نمی کردند. در هر حال قدرت فراگیری و قدرت سازش با محیط در اسب های چنارانی به مراتب بیشتر از اسب های عربی است.

اسب های چنارانی طی سالیان متمادی و زیر نظر کارشناسان متبحر به وجود آمده اند. برای ایجاد اسب های چنارانی از اسب های سیلمی عربی و مادیان آخال تکه استفاده می شد. اگر جفت گیری معکوس انجام می گرفت به طور مسلم اسب ایده آلی مانند اسب چنارانی پدید نمی آمد. امروزه حاصل آمیزش هر اسب سیلمی عربی با مادیان آخال تکه اسبی چنارانی نخواهد بود بلکه اسب هیبرید عرب ترکمن می باشد. در طول زمان خصوصیات مطلوب در اسب های چنارانی تثبیت شده و به عنوان تیره ای از اسب های ترکمن شده اند. بهترین اسب های چنارانی آنهایی هستند که رنگ مشکی یا کهر یکدست دارند. حواس شش گانه ی اسب های چنارانی خیلی قوی است. این اسب ها بسیار پر خون بوده و ظرفیت حمل اکسیژن در خون آنها بالا است در نتیجه به بهترین وجه ممکن از اکسیژن هوا بهره می برند. به طوری که در فعالیت های ورزشی بازده انرژی بالایی دارند. دستگاه گوارش اسب های چنارانی به بهترین وجه ممکن خوراک مصرفی را هضم و جذب می کنند. به طوری که این اسب ها نسبت به فعالیت ورزشی که انجام می دهند در مقایسه با اسب های دیگر خوراک کمتری مصرف می کنند. مدفوع این اسب ها خشک و متراکم بوده و قطعات آن خیلی کوچکتر از قطعات سرگین دیگر اسب ها است که نشان دهنده کامل بودن هضم و جذب غذا است.

منطقه ی بومی این اسبها چناران خراسان است. این اسبها همه فن حریف و بهترین اسبهای بومی برای ورزش های سوارکاری در قاره ی آسیا می باشد. دولت های غارتگر اروپایی وقتی به اهمیت اسبهای ایرانی پی بردند با اختصاص بودجه های نامحدود شروع به غارت این اسبهای گران بها کرده و در این میان اسبهای چنارانی که از محبوبیت خاصی برخوردار و محدود به منطقه ی شمال شرقی کشور بودند از ایران غارت شدند. یقینا اسب های تروبرد از اسب های ترکمنی و به خصوص اسب های چنارانی به وجود آمده اند. در ترکیب بدنی اسب های تروبرد اروپایی خصوصیتی از این اسب ها نیز دیده می شود که مربوط به تاثیر خون عرب موجود در اسب های برتر به رنگ مشکی یا کهر یکدست است. این مورد نیز گواهی بر نقش اسب های ترکمن در پدید آمدن اسب های دونده اروپایی دارد. اسب های ترکمن

نسبت به دیگر نژادها دیر بالغ شده ولی عمر مفید ورزشی بسیار بالایی دارند. هم چنین از تمام نژادهای دنیا بیشتر عمر می کنند. اسب های همه فن حریف چنارانی برای تمام رشته های ورزش سوارکاری مناسب هستند.



اسبچه خزر

این اسب قدیمی ترین اسب موجود در دنیا است به طوری که اصالت آن به دوران قبل از تاریخ بر می گردد. زیرا استخوان های اجداد آن در کنار استخوان های حیوانات قبل از تاریخ مانند دایناسورها یافت شده است. با تحقیقات انجام شده ثابت گردیده که اسبچه ی خزر جد تمام اسب های موجود در دنیا بوده و حتی اسب های عربی که از قدیمی ترین اسب های دنیا می باشند از اسبچه ی خزر به وجود آمده اند.

شاهان ایران باستان هم چون کورش و داریوش هخامنشی از شهامت و قدرت مانور این نژاد استفاده کرده آنها را به ارابه می بستند و به شکار شیر می رفتند.

سالهای زیادی این نژاد منقرض اعلام شده بود تا اینکه خانم فیروز در سفری در سال 1965 میلادی به سواحل جنوبی دریای خزر در شهرستان آمل داشت متوجه حضور تعدادی از بقایای این نژاد در آن منطقه گردید و از آنجا که این اسبچه ها در حوالی دریای خزر یافت شدند نام کاین یا اسبچه ی خزر به آنها داده شد. از آنجا که اسب های کوتاهتر از 142 سانتی متر در کلاس پونی ها قرار می گیرند در ابتدا به آن کاسپین پونی اطلاق گردید. پونی ها دارای بدن و اندام های قوی هستند ولی اسبچه ی خزر از نظر خصوصیت بدنی هیچ تشابهی با پونی ها نداشت و کاملا شبیه به کلاس اسبها بود بنابراین به آن اسب مینیاتوری دریای خزر اطلاق گردید. اسبچه ی خزر به عنوان الگوی تیپ چهار پرورش اسب است که قاعده ی دم آن بالاتر از حد معمول بوده و نیم رخ صورت مقعر و کمر کمی گود می باشد. این اسب خصوصیات رفتاری و جسمانی بسیار متفاوتی نسبت به سایر تک سمی ها دارد. دارای یک دندان آسیاب اضافی در فک بالا بوده و تفاوت قابل ملاحظه ای در شکل کتف دارد. استخوان آهیانه ی سر به شکل خاصی می باشد استخوان پیشانی گنبدی شکل، سوراخ

منخرین از حالت عمودی کمی پایین تر بوده و استخوان حدقه چشم گشاد، گوش ها کوچک و روی بینی مقعر است. متوسط ضربان قلب 22 ضربه در دقیقه و تعداد تنفس 6 بار در دقیقه می باشد.

این اسب بسیار دلیر بوده و به هیچ وجه در مقابل انسان از اندام های دفاعی خود استفاده نمی کند. امروزه این اسبچه ها برای سواری نوجوانان در تمام رشته های سواری، حمل ارايه ها و انجام حرکات آکروباتیک در سیرک ها به کار می روند.

تعداد اسبچه های خزر موجود در دنیا به 700 راس می رسد که متاسفانه از این تعداد تنها دویست راس آن در ایران موجود است.

اسب کرد

در تاریخ آمده است که از 500 سال قبل از میلاد مسیح در دامنه های سلسله جبال زاگرس در منطقه ای به نام نسا اسب کردی وجود داشته است. با توجه به وضعیت توپوگرافی کردستان که منطقه ای صعب العبور و کوهستانی با دشتهای و تپه های ماهورهای سنگلاخی می باشد بدیهی است قبل از ورود خودرو به منطقه اکثر کارهای روزمره مردم و کارهای سنگین کشاورزی بارکشی و سواری با اسب انجام می شده است.

با توجه به خصوصیات ظاهری و توانایی ها این اسب به تیره های متفاوتی مانند جاف، افشاری، سنجابی و غیره تقسیم می شوند.

اسب کرد دارای سم های سخت و محکم پیشانی عریض، مسطح و برجستگی کمی روی بینی است. انتهای بینی و منخرین ناصاف و برجسته بوده و گوش ها ظریف و خوش حالت می باشند و در مادیان کمی بزرگتر به نظر می رسد. چشم ها درشت و گرد با حدقه ی برجسته گونه ی مشخص و گرد اتصال سر و گردن قوی گردن قوی و حجیم یال پر پشت دم در موقع راه رفتن فواره ای و قوس دار پایین آمده به علت بلندی گردن جدوگاه معمولاً نامشخص کپل پر حجم و قوی قسمت جلویی سینه عریض و عضلانی سینه ی مدور عریض و عمیق می باشد. شکم به صورت استوانه ای مدور در امتداد سینه قرار دارد. اسب کردی از نظر رنگ متنوع است و به رنگهای سیاه، سفید، کمرنگ و کهر دیده می شود.

اسب های فلات ایران

اگرچه اسب های فلات ایران به صورت بومی در همه مناطق ایران یافت می شوند ولی خصوصیات این اسبها بر اساس ویژگی های جغرافیایی مناطق مختلف متفاوت است. به طور کلی می توان گفت که بر اساس مقتضیات جغرافیایی اسب بومی ایران خیلی درشت جثه نیست ولی قدرتمند و بردبار است. این اسب قرن های متمادی برای انجام کارهای سخت مورد استفاده قرار گرفته است. از معروف ترین این اسبها می توان اسب هایی هم چون اسب های قره باغی، لری، قشقایی، بختیاری، دره شویی و هم چنین اسب های طالش را نام برد که خون اسب عرب ایرانی را دارند.

اسب قره باغ

اسب قره باغ یکی از قدیمی ترین اسب های سواری دنیا است که منشا آن آذربایجان و حوالی دو رودخانه ی ارس و کورا می باشد. این نژاد در بهبود و اصلاح نژادهای اسب منطقه و به خصوص ممالک هم جوار نقش بسیار مهمی داشته است و خود از تلاقی اسب های ترکمن ایران و عرب و بومی آذربایجان حاصل شده است. در میان اجداد این اسب نژاد عرب تاثیر فراوانی بر روی آن گذارده به طوری که شباهت های ظاهری زیادی با اسب عرب دارد. اسب قره باغ به زندگی در مناطق کوهستانی عادت کرده شرایط سخت آب و هوایی را به خوبی تحمل می کند تحت تاثیر محیط قرار نگرفته و هیجان زده نمی شود. اسب قره باغ در به وجود آمدن بسیاری از نژادها دخالت داشته و در سطح وسیعی به سایر کشورها صادر شده است. یکی از نقش های اساسی اسب قره باغ دخالت در اصلاح نژاد اسب های لهستان است. اسب قره باغ در آسیا به اندازه ای اهمیت دارد که آن را همانند اسب ترابرد در اروپا قلمداد کرده اند.

از نظر جثه این اسب جز اسبهای ریز جثه بوده ولی اندام کاملاً عالی و جا افتاده ای دارد به طوری که از عضله بندی خوب و اتصالات بدنی بسیار قوی برخوردار است. قد متوسط این حیوان بین 141 تا 143 سانتی متر است. سر این نژاد کوچک ظریف و کم مو با چشمان درشت و هوشیار است. گردن بالاتر قرار گرفته عضله ای بوده و طول آن متوسط است. رنگ غالب این اسب سمنند طلایی و کمرنگ است. در چهار نعل و تاخت سواره نظام توانایی خوبی دارد و می تواند زمین های ناهموار را با بالا نگهداشتن سر خود به خوبی تاخت و تاز کند.

هورس نوبل، دنیای اسب، آموزش نعلبندی اسب، اسب عرب، خرید اسب، فروش اسب، فروش نعل، نعل، نعل اسب، نعل زن، اسب دو خون، اسب خارجی، آموزش سوارکاری، پانسیون اسب، اسب ایران زمین، اسب عرب ایرانی، زایمان اسب، به دنیا آمدن کره اسب، واردات وسایل سوارکاری، وارد کننده وسایل سوارکاری، فروش وسایل سوارکاری، اسب اصیل، اسب عرب کرد، کره مبارک، فروش کره اسب، فروش اسب کره، سایت خرید و فروش اسب، سایت تخصصی خرید و فروش اسب، اسب حیوان نجیبی است، نژادهای اسب، نژاد ترابرد، نژاد عرب، اسب ترکمن، اسب کرد، نژاد مورگان، نژاد سدل برد، نژاد فریزین، نژاد اندلسی، بیماریهای اسب، کشش اسب، مادبون عرب، سیلیمی عرب، نریون عرب، کره عرب، هورس نوبل، سایت خرید و فروش اسب، شرکت هورس نوبل ایرانیان، باشگاه سوارکاری یزد، باشگاه سوارکاری اصفهان، باشگاه سوارکاری احمد آباد مستوفی، باشگاه سوارکاری بنابیه، باشگاه سوارکاری الغدیر، باشگاه سوارکاری شهدا، باشگاه سوارکاری شهدا تهران، باشگاه سوارکاری چیتگر، باشگاه سوارکاری چیتگر تهران، باشگاه سوارکاری نزاجا، تبلیغات رایگان، درج آگهی رایگان، خریدار اسب، نعل بند، نعلبند، نعلبندی اسب، دنیای اسب، آموزش نعلبندی، قیاس کردن سم اسب، دوره های آموزش سوارکاری، فروش اسب ترکمن صحرا پاکزاد، فروش اسب در اصفهان، فروش اسب ترکمن، فروش کره اسب، فروش اسب در تهران، فروش اسب در تبریز، فروش اسب یزد، فروش نعل اسب، وارد کننده نعل اسب، فروش اسب

اسب های آمریکایی

اسب های آمریکایی شامل نژادهای مورگان، کوارتر هورس، سدل برد، استاندارد برد، میسوری فوکس تروتر، تنسی واکینگ هورس، موستانگ و ... می باشد که در اینجا به اختصار توضیح داده خواهند شد.

نژاد مورگان

اسب نژاد مورگان آمریکایی نژادی غیر معمول است چون جد آن یک اسب نر به نام جاستین مورگان می باشد. که به طرز خارق العاده ای کوچک بوده و فقط 142 سانتی متر ارتفاع دارد ولی در رقابت های بارکشی، مسابقات با زین و مالبندی برتری دارد.

جاستین مورگان در سال 1789 میلادی کره ای به نام فیگور به دنیا آورد که بعدها به نام اولین صاحب رکورد دار خود یعنی توماس جاستین مورگان معروف شد. وی صاحب مزرعه ای در ورمونت بود ولی مدارکی در مورد نحوه ی پرورش جاستین مورگان وجود ندارد. منشا این نژاد به احتمال زیاد اسب های تروبرد، عرب، ولش کاب و اجداد اسب های هلندی هستند. این اسب قد و قامت کوچکی داشته و 386 کیلوگرم وزن دارد. این اسب مورگان اسب کاری قوی و قدرتمندی بود و بدون شک برای صاحبان خود به شدت کار کرده است.

این اسب برای شخم زدن، به عنوان اسب مالبندی در جنگل استفاده می شد و در مسابقات حمل هیزم در مقابل رقیبان خود که حتی نصف بار آن را داشته اند هرگز بازنده نبوده است.

اسب نر این نژاد بسیار قوی است و تمام ویژگی های قابل توجه شامل قدرت، سرعت و خلق

و خوی ملایم را به نتایج خود منتقل می کند. سه راس از نریان این اسب تاثیر خاصی بر پرورش نژادهای دیگر داشته اند. این نژاد بنیانگذار اسب های شرم مورگان اسب وودبری مورگان اسب پول راش مورگان است. شرم مورگان یه خاطر اسب های مالبندی عالی شهرت دارد و تاپیر مهمی در نژادهای دیگر در ایلات متحده داشته است. طاقت زیاد اسب وودی مورگان بیشتر مورد نیاز سوارکاران و سواره نظام بود در حالی که اسب پول راش مورگان به خاطر سرعت در یورتمه رفتن شهرت دارد.

اسب های مورگان نیز همانند بسیاری از نژادهای دیگر با اختراع ماشین کاهش یافتند. ولی به خاطر تلاش های افراد متعصب کلوب اسب مورگان که در سال 1909 میلادی تاسیس شد این نژاد بقا یافت. امروزه جمعیت این نژاد رو به افزایش است و در ایلات متحده آمریکا و نیز کلوب های معروف در کانادا، انگلستان، استرالیا، اسپانیا، نیوزلند، آلمان، ایتالیا و سوئیس وجود دارد. مورگان به عنوان اسب نمایشی

نگهداری می شود و هم چنین در زمینه های گوناگون از قبیل کلاس های اسب کاتینگ، اسب استوک و اسب مهاربندی، بخش شکارچی پرنده، نمایش سوارکاری و مرکب و مسابقات کالسکه رانی می تواند رقابت کند.

نژاد کوارتر هورس

همانطور که از نام اسب نژاد کوارتر هورس پیداست در مسابقه ی مسیره های کوتاه برتری دارد. منشا آن به اسب هایی بر می گردد که توسط فاتحان اسپانیا به آمریکا آورده شدند. در طول قرون هفده و هیجده مهاجران انگلیسی در مسیر خود به سمت کشورهای شرقی از اسب های نوع اولیه ی اسپانیایی برای آمیزش با اسب های وارداتی خود استفاده کردند تا اسبی کاری خوب و دارای استعداد های گوناگون و مناسب برای هر نوع سواری، کشت و کار در مزرعه و کار در مالبندی به وجود آوردند. این اسب های پر طاقت و خوش بنیه مورد اعتماد مهاجران قرار گرفتند.

با مهاجرت این اسبها به سمت غرب نیاز عمده به اسب سواری قابل اعتماد، کاری، نترس و ورزیده به وجود آمد. این اسبها به طور ژنتیکی حس سازش پذیری با گاو داشتند و حرکات گاو پرواری را پیش بینی می کردند و با سرعت بسیار زیاد آنها را متوقف کرده و باز می گرداندند.

علاقه روزافزون انگلیسی ها به مسابقه باعث شد تا این اسبهای ممتاز در مسابقات جاده ای زمین های بی درخت و جنگل حاضر شوند. اسب کوارتر کپل بسیار قدرتمندی دارد که به توانایی چهار نعل با حداکثر سرعت را از نقطه ای آغاز می دهد و می تواند مسافت های کوتاه را به سرعت طی کند. در اثر علاقه ی شدید به اسب تروربرد استفاده از اسب کوارتر در مسابقه کمرنگ شد. با پیدایش وسایل نقلیه ی موتوری و کم شدن اهمیت اسبها در مزارع دامداری اسب کوارتر مانند دیگر اسبهای جهان به اسب سوارکاری و تفریحی مبدل شده است.

نژاد سدل برد

اسب نژاد سدل برد که قبلا کنتاکی سدر نامیده می شد اسبی زیبا و ظریف بود که در اوایل قرن نوزده توسط مهاجران در ایالت های جنوبی آمریکای شمالی پرورش یافت. صاحبان مزارع بزرگ جهت ایجاد اسبی مناسب با نژادهای مختلف نظیر اسب نارگانست پیسر و اسب تروربرد آمیزش دادند. هیبرید حاصل از این آمیزش ها اسبی زیبا بود که به راحتی سواری می داد و برای کارهای طولانی مدت مانند بازدید از مزرعه و کالسکه رانی هم مناسب بود. در سال 1891 میلادی گروهی از پرورش دهندگان اسب سواری آمریکایی را تاسیس کردند و مرکز ثبت اسب سدل برد شروع به کار کرد.

خلق و خوی بسیار خوب هوش زیاد و سرعت بالا باعث شده تا این اسب برای اهداف مختلف نظیر کار با گله و احشام به کار رود. این اسب بدون هیچ مشکلی از اسب کاری به تفریحی تبدیل شده و برای رقابت در کلاس های نمایشی در زمین و مالبندی مشکلی ندارد در میدان نمایش این اسبها برای سوارکاری یا اسب یورتمه ای سه یا پنج گامی طبقه بندی می شوند.

اسب های سه گامی، راه رفتن، یورتمه و چهار نعل آهسته یا تاخت را نشان می دهند. به این صورت که راه رفتن کشسان است. یورتمه فعالیت زیادی دارد و چهار نعل آهسته موزون و هموار است. اسب های پنج گام این سه گام را به علاوه ی دو گام دیگر نشان می دهند: طرز گام برداری آرام و راک. گام برداری آهسته گام برداری بلند است و گام برداری چهار ضربه ای به حالت آهسته و محدود انجام می شود. راک طرز گام برداری چهار ضربه ای سریع و خیره کننده است. که در آن پا در فواصل زمانی برابر به زمین ضربه می زند و رها از حرکت یا گام برداری جانبی است. گام برداری جانبی عمل افزایش طول غیر طبیعی پا و بالا نگهداشتن غیر طبیعی دم است که در میدان نمایش اجرا می شود. خارج از میدان نمایش این اسب، اسب سواری خوب و دارای استعداد های گوناگونی است. بنیه ای عالی و پرش خوبی دارد و آموزش آن آسان و سریع است.

نژاد استاندارد برد

اسب نژاد استاندارد برد آمریکایی برای مسابقه مالبندی استفاده می شود و اسب ترابرد انگلیسی برای مسابقات سوارکاری با مانع و کورس بدون مانع می باشد. در طول قرن گذشته یا قبل از آن کشورهایی که در آن مسابقه ی مالبندی رونق داشت برای اصلاح نژاد اسب تروتر از اسب های استاندارد برد استفاده کردند.

کمی عجیب است که پدر و بنیان گذار استاندارد برد اسبی بود که فقط در مسابقه ی چهار نعل شرکت می کرد یعنی اسب ترابرد انگلیسی به نام اسب مسنجر که خاکستری رنگ بوده و ریشه آن به اسب دارلی عربی بر می گردد. این اسب سه فصل در مسابقات کورس بدون مانع شرکت کرد و هشت دور از چهارده دور را برنده شد و در سال 1780 کره ای به دنیا آورد. این نژاد که در ماه می سال 1788 میلادی به قیلادفلیا صادر شد و مدت 20 سال در اصلاح نژاد اسب های آمریکایی استفاده شد. پس از لغو مسابقات در نیویورک عمدتاً مادین اسب ترابرد را با نریان آن آمیزش می دادند. برخی از نوادگان آنها به اسب های مسابقه ای فلت تبدیل شدند. هم چنین انواع اولیه ی اسب های تروتر ممتاز را ایجاد کردند و شهرت جهانی به دست آوردند. نوه ی اول اسب همبلتونین پدر اسب های تروتر و دارای تولید مثل زیاد است. چهار پسر اسب همبلتونین، جورج ویلکز، دیکتاتور، هپی مدیوم و الکشنر می باشند که بنیانگذار تقریباً تمام اسب های مسابقه ای مالبندی امروزه در ایالات متحده هستند.

اسب همبلتونین از مادیان چارلز کنت بود که با اسب مسنجر آمیزش خویشاوندی انجام داد. منشا پدری این اسب نریان بلغاندر از نژاد نورفولک تروتر مشهور یعنی اسب الدشلز بود. علاوه بر خاندان اسب مسنجر دو نژاد موثر دیگر در پرورش اولیه ی اسب استاندارد برد، اسب کلیز و اسب مورگان بود.

دفتر انساب نژاد تروتر در سال 1871 میلادی تاسیس شد. واژه ی استاندارد برد هشت سال قبل از انتشار و تدوین مجموعه ی خصوصیات لازم برای پذیرش اسب در دفتر انساب استفاده شده بود. استاندارد اصلی که این نژاد نام خود را از آن گرفته توانایی پیمودن 1/6 کیلومتر در 2 دقیقه و 30 ثانیه است. استاندارد بردها در یورغه یا در یورتمه مسابقه می دهند. تا دهه های آخر قرن نوزدهم یورتمه روها عامه پسندتر از یورتمه رو های سریع تر بودند ولی امروزه این نژاد زیاد محبوب نیست.

نژاد میسوری فوکس تروتر

هرچند که تا سال 1948 میلادی کتاب اسب های نر تخمی برای نژاد میسوری فوکس تروتر وجود نداشت ولی این نژاد در اوایل قرن نوزدهم به خوبی تکامل پیدا کرد. مهاجران در حین سفر به سمت غرب و در امتداد رود می سی سی پی تعداد زیادی اسب تروبرد را از کنتاکی، تنس و ویرجینیا با خود آوردند. سپس آنها را آمیزش دادند تا اسبی متناسب با شرایط محیطی جدید آنها در منطقه ی گوزرک هیلز میسوری به وجود آورند.

نیاز عمده ی پزشکان، کلانترها، بخش داران و نظایر آنها اسبی بود که بتواند در زمان های طولانی اغلب در مناطق صعب العبور با حداقل خستگی سریع راه برود. پاسخ این نیاز در طرز گام برداری اسب مشهور به فوکس تروتر پیدا شد که در آن اسب با اندام های حرکتی جلویی راه می رود ولی با اندام های حرکتی عقبی یورتمه می رود. فوکس تروتر اندام های حرکتی عقبی خود را با ویژگی عمل ارتعاشی یورتمه ی نرمال پایین می آورد ولی آنها را در امتداد زیر خودش می لغزاند. نتیجه ی این کار گام برداری هموار و راحتی است که در آن اسب بدون خستگی مسافت طولانی را طی می کند. خصوصیات اسب فوکس تروتر در طول سالها آمیزش غیر خویشاوندی با خون اسب های سدل برد و تنسی واکر اصلاح شد و امروزه این نژاد به خاطر بدنی کوچک جمع و جور ماهیچه ای و ثبات قدم های خود شهرت دارد.

نژاد تنسی واکینگ هورس

منشا اسب نژاد اسب تنسی واکینگ هورس به اسب نارگانست پیسر بر می گردد و مانند اسب های سدل برد و میسوری فوکس تروتر به عنوان اسب سوارکاری پرورش یافته است. طرز گام برداری این اسب ها در نژادهای دیگر دیده نمی شود. این اسب که در اصل به نام پلنتیشن واکینگ هورس جنوبی یا تنسی تروتر مشهور بود بسیار ارزشمند برای حمل و نقل کشاورزانی بود که بازدید از مزرعه را انجام می دادند. این اسب در حالت استفاده از زین اسبی راحت سریع و قدرتمند است و خلق و خوی رام و مطیعی دارد.

اسب نر پایه برای این نژاد اسبی به نام بلک الان بود که در سال 1903 وارد تنسی شد. پدر بلک الان از یورتمه روهای سدل برد و مادر آن یک مورگان بود. بلک الان یورغه رو با یورتمه روهای تنسی یا اسب تنسی پیسر آمیزش داده شده تا پیشگامان واکینگ هورس امروزی را به وجود آورد. در سال 1914 آمیزش این اسب با نژاد سدل برد باعث شد تا پرورش دهندگان در تولید خصوصیات بهتر و خالص تر موفق شوند. اسب های واکینگ هورس امروزی که به عنوان نوع نسبتاً قوی تر سدل برد توصیف می شود ترکیبی از نژادهای تروبرد، مورگان، سدل برد و استاندارد برد می باشد. انجمن پرورش دهندگان اسب واکینگ تنسی در سال 1935 در لوینبرگ و تنسی تشکیل شد و در نهایت در سال 1947 واکینگ به عنوان نژاد شناخته شد.

اسب های واکینگ اسب های سوارکاری و دارای استعدادهای گوناگونی هستند. خلق و خوی مهربان آنها را برای سوارکاران تازه کار مناسب می کند. هم چنین این اسبها در میدان نمایش معروف هستند.

نژاد موستانگ

اسب نژاد موستانگ اسب وحشی آمریکای شمالی از نوادگان اسب هایی است که توسط فاتحان قرن شانزدهم به آمریکا آورده شدند. به محض حرکت استعمارگران اسپانیایی به سمت شمال یعنی از مکزیک تا تگزاس امروزی قبایل سرخ پوست با آنها رابطه برقرار کرده و زندگی با اسب ها را برای اولین بار تجربه کردند. در ابتدا سرخ پوستان تمایل به کشتن و خوردن گوشت اسب های گرفته از مهاجران داشتند. ولی بعداً ارزش اسب ها به عنوان وسیله ی حمل و نقل را فهمیده و روش مهار کردن و سوار شدن بر آنها را یاد گرفتند. تا نیمه ی دوم قرن هفدهم برخی قبایل اسبها را از اسپانیایی ها می گرفتند و از آنها برای حمله علیه تازه واردان استفاده می کردند و به این ترتیب اسب های بیشتری به دست آوردند. گسترش و پخش تدریجی اسب ها به قبایل دیگر به وسیله ی تبادل اسبها یا دزدی و نیز حرکت اسب ها به سوی شمال آغاز شد. بسیاری از اسبها پس از رها شدن در طول جنگ بین اسپانیایی ها و سرخ پوستان وحشی شده و به وضع بدی دچار شدند. از اسبهای دیگر آنهایی که مطلوب نبودند یا به استراحت نیاز داشتند احتمالاً رها می شدند. برخی از اسب های اهلی نیز که برای چرا به مراتع فرستاده می شدند دچار سرگردانی و سر در گمی می شدند. به تدریج این اسبها به هم پیوسته و گله های غیر اهلی را تشکیل داده و در مناطق وسیع و دشت های بزرگ تعداد آنها افزایش چشمگیری یافت. تا اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم تعداد اسب های وحشی و در حال چرا در دشتهای حدود 2 میلیون راس برآورده شده است.

نقطه ی عطف اسب موستانگ گسترش تمدن به سمت غرب بود. بسیاری از این اسبها کشته شدند برخی به عنوان اسب های کاری جمع آوری و برخی نیز برای آمیزش استفاده شدند. تعداد زیادی از آنها در جنگ بوئر به عنوان اسبهای تازه نفس سواره نظام استفاده شدند. در طول قرن بیستم همچنان تعداد زیادی از آنها به عنوان غذای خانگی و نیز فروش گوشت کشته می شدند. محدودیت های دولتی در سال 1971 میلادی باعث افزایش ایجاد قانون حفاظت از این اسب های وحشی شد. امروزه نیز با توجه به کاهش قابل توجه این اسبها تعداد

کمی در علفزارها وجود دارند. اسب موستانگ اهلی اغلب اسب سواری خوبی بوده و به علت طاقت زیاد برای سواری های طولانی مناسب است.

اسب های شوروی سابق (نژاد باشکیر)

اسب کوچک نژاد باشکیر متعلق به دامنه های جنوبی کوهستان اورال است و نام خود را از منطقه ی باشکیرسکی یعنی محل نگهداری این گله ها گرفته است. این اسب هم برای یراق بندی و مالبندی و هم برای سواری مناسب است و قرن ها به عنوان اسب کاری و تامین کننده ی گوشت و شیر استفاده شده است. این اسب دارای بدنی چاق و کوتاه و یال و دم ضخیمی است. در فضای آزاد قابلیت تحمل درجه ی حرارت 30 تا 40 درجه سانتی گراد را دارد و قادر است شرایط سرما و یخبندان و کولاک شدید را نیز تحمل کند. برای یافتن خوراک می تواند یک متر برف را بکند. به علاوه به سبب دارا بودن اندام های حرکتی بسیار محکم قادر است بدون نعل بندی کار کند. این اسب بدون شک یکی از نژاد های کاری در بین نژادهای اسب یا پونی جهان است.

نوعی از اسب باشکیر هم در شمال غرب ایالات متحده وجود دارد و این نظریه را تقویت می کند که اجداد این اسبها بر روی خشکی بین آسیا و آفریقای شمالی مهاجرت کرده اند. اسب بر اساس اعتقاد عمومی در عصر یخبندان در شمال قاره ی آمریکا منقرض شده و زمانی که کاشفان اسپانیایی این سرزمین را کشف کردند دوباره پا به عرصه نهاد بنابراین به احتمال زیاد این اسب در همین اواخر از روسیه آورده شده است.

نژاد دن

اسب های نژاد دن را قزاق های دن مشهور کردند. قزاق ها بین سالهای 1812 تا 1814 میلادی به پیشبرد لشگریان مهاجم ناپلئون از روسیه کمک کردند. اسب های قزاق نواده ی اسب های مرد بیابان گرد استپ هستند و جز نژاد های ترکیبی به شمار می آیند. تاثیر اولیه بر روی این اسبها از طریق اسب ناگای از مغولستان اسب قره باغ، اسب ترکمن و اسب عرب ایرانی صورت گرفته است. این اسب در طول قرن نوزدهم با استفاده از اسب های ارلو و تروبرد و نیز آمیزش با اسب های هیبرید عرب در مرکز پرورش اسب در اوکراین به وجود آمده است. تمام آمیزش های مورد استفاده در اصلاح نژاد قدیمی قزاق در ابتدای قرن گذشته متوقف شد و هیچ نژاد بیرونی برای آمیزش با اسبهای این نژاد استفاده نشد. اسب دن همانند اکثر نژادهای روسی در گله هایی در مناطق وسیع استپی پرورش یافته است و از این رو اسبی با قابلیت رشد بالا بوده و نیاز کمی به انسان دارد. این اسب برای نقش اصلی خود به عنوان اسب تازه نفس نظامی ایده آل است و امروزه برای اهداف سوارکاری نیز به کار می رود.

نقص های ژنتیکی متعددی کیفیت گام های وی را محدود می کند ولی ساختار قوی آن را برای سوارکاری طولانی مناسب کرده است.

نژاد بادنی

اسب نژاد بادی نژادی با منشا نسبتاً جدید است که از آمیزش مادیان دن و چرنومور با نریان تروربرد در منطقه ی دوست دار ایجاد شد. هدف اصلی از تولید این اسب تولید اسب تازه نفس ارتش بود که مقاومت و تحمل زیادی داشته باشد. برنامه های دقیق انتخاب اعمال شد و بهترین مادیان با بهترین نریان اسب آنجلو-دن آمیزش داده شدند. مادیان نگهداری شده برای آمیزش خوب تغذیه شده و در طول زمستان در اصطبل نگه داری می شد که کاری غیر معمول در پرورش اسب بومی است. در نتیجه تولید کره های سالم تر را نسبت به حالت بدون مراقبت ویژه تنظیم می کرد. کره اسب های بدست آمده را در سن 2 تا 4 سالگی در مسابقات مورد آزمایش قرار می دهند.

ساختار قدرتمند و ممتاز اسب دن و فعالیت عالی اسب تروربرد سبب شد تا مرکز پرورش اسب ارتش خیلی زود اسبی مناسب با طبیعتی مطیع تولید کند که برای سوارکاری و کار مناسب بود. این اسب که بادی نام گذاری شد در سال 1949 میلادی رسماً به عنوان نژادی خاص معرفی شد.

به محض پایان یافتن نیاز به اسب های تازه نفس در ارتش و گرایش مردم به هر سوارکاری، تفریح و ورزش، اسب تروربرد برای اصلاح بادی اضافه شد و تاثیر اسب تروربرد در ساختار کلی و سبک این اسب کاملاً مشهود است ولی اسب بادی بدن نسبتاً سنگین تری دارد ولی استخوان اندام های حرکتی وی اندکی سبکتر است. امروزه این نژاد به عنوان اسب سوارکاری چند منظوره به خصوص در پرش سوارکاری و سوارکاری با مانع به کار می رود.

نژاد کاباردین

مبدا اسب کاباردین قفقاز شمالی است یعنی جایی که قرن ها اسب با حمل افراد روی صعب العبور ترین مسیرهای کوهستانی سازگاری یافته است. این اسب به قرن شانزدهم بر می گردد و از اسب های قبایل استپی آمیزش یافته با اسب های ترکمن، ایرانی و قره باغی منشا گرفته است. این اسب در اصل نسبتاً کوچک بوده و در گله هایی پرورش یافته که در تابستان روی علفزارهای بلند و در زمستان در دامنه ها چرا می کردند و به گونه ی مناطق کوهستانی تعلق دارد که گونه ای پر طاقت، خوش بنیه و دارای تحمل بسیار زیاد است.

پس از انقلاب صنعتی تعداد اسب های کاباردین به شدت کاهش یافت و در طول دهه ی 1920 میلادی زمانی که برای احیای دوباره ی این نژاد تلاش هایی انجام گرفت نوع بزرگتری از این اسب به وجود آمد که اسبی مناسب برای ارتش و کارهای کشاورزی بود. امروزه مراکز پرورش اسب مالوکاراجوف و مالکین برای تولید بهترین اسب های امروزی تلاش های بسیاری انجام می دهند.

نژاد ترسک

منشا اسب نژاد ترسک مانند اسب کاباردین شمال قفقاز بوده ولی نژادی با منشا جدیدتر است و از سال 1921 میلادی به بعد در مناطق ترسک و استاورپل پرورش یافته است.

منشا اسب ترسک اسب های استرلتز است. این اسب ها از آمیزش اسب های عرب خالص با اسب های ممتاز آنجلو و ارلو حاصل شد. هم چنین از اسب های تروربرد هم استفاده شد ولی نژاد غالب نبود. در نتیجه اسبی با ظاهر اسب عربی به وجود آمد ولی نسبت به نژادهای خالص اندامی بزرگتر داشت. تا دهه ی 1920 میلادی تعداد بسیار کمی از این اسب وجود داشت. تنها چند اسب از این نژاد باقی مانده بود که برای افزایش تعداد آنها به مرکز پرورش اسب ترسک انتقال یافتند. مادیان با نریان عرب خالص و پس از آن مادیان هیبرید حاصل با نریان استرلتز آمیزش داده شدند. پس از سی سال اسب جدیدی به نام اسب ترسک به وجود آمد که ظاهر اسب عربی را به ارث برده بود ولی اندکی بلندتر از اسب عرب بود. در عین حال گام های ظریف و زیبایی اسب عربی را هم داشت. اسب ممتاز ترسک معمولاً به رنگ خاکستری دارای خلق و خوی مهربان و پر انرژی است که این خصوصیات این اسب را به عنوان اسب سیرک و هم چنین اسب ورزشی ممتاز تبدیل کرده است.

نژاد ارلو تروتر

ارلو تروتر یکی از مشهورترین نژاد های اسب تروتر جهان است که این شهرت را با اسب های استاندارد برد و فرانس تروتر سهیم است. احتمالاً این نژاد پیش از پرورش استاندارد برد مشهورترین اسب تروتر بود. ولی امروزه این اسب در خارج از سرزمین بومی خود شهرت کمتری نسبت به دو اسب استاندارد برد و فرانس تروتر دارد با این وجود در مسابقات مالبندی روسی و در برنامه های اصلاح نژاد روس ها نقش مهمی ایفا می کند.

نام ارلو از موسس مرکز پرورش اسب ارلو در نزدیکی مسکو یعنی کنت الکسیس ارلو گرفته شده است. کنت ارلو نریان عربی خاکستری رنگی به نام اسمتانکا را از یونان وارد کرد. علیرغم فعالیت کوتاه مدت مرکز پرورش اسب وی در پیشرفت و پرورش این نژاد محبوب به شدت موثر بود. کره ی نر پولکان که از آمیزش مادیان دانمارکی به وجود آمده بود در سال 1784 میلادی کره ای به نام بارز اول به وجود آورد که پدر اصلی اسب ارلو تروتر است.

این نژاد توسط کنت ارلو و وی آی شیشکین پرورش یافت. این دو شخص مدیران مرکز پرورش اسب در استان رونیز بودند و مرکز پرورش اسب خرنف را پایه گذاری کردند که تعدادی اسب اولیه از مرکز پرورش اسب مسکو در سال 1788 میلادی به آن انتقال یافت.

اسب بارز اول برای آمیزش با مادیان عرب، هلندی و دانمارکی و همین طور هیبرید های وارداتی انگلستان استفاده شد. آمیزش های خویشاوندی گسترده ای در بین اسب های این نژاد انجام شده است. در طول سال های اول قرن نوزدهم این نژاد به خاطر آموزش و مسابقات اصولی یورتمه در روسیه بهبود یافت.

بعدها با ورود اسب استاندارد برد و درخشش این اسب در مسابقات اسب دوانی روس ها اقدام به واردات این اسب از آمریکا کردند تا با اسب ارلو آمیزش دهند. هیبرید های حاصل از این آمیزش راشن تروتر نامیده شدند که سریع تر از ارلو بودند. واردات اسب استاندارد برد در هنگام جنگ جهانی اول متوقف شد ولی امروزه این واردات برای حفظ سرعت راشن تروتر از سر گرفته شده است.

نژاد ولادیمیر هیوی درافت

اسب کلاید سدال در پرورش اسب ولادیمیر هیوی درافت اسب کاری و سنگین وزن استان های ولادیمیر و ایوانت در شمال شرق مسکو نقش مهمی ایفا کرد. در طول سال های اولیه ی قرن گذشته مادیان نژادهای سنگین وزن از انگلستان و فرانسه وارد شدند تا با مادیان محلی منطقه آمیزش کنند و اسب کاری سنگین وزن و خوبی تولید شود. از موثر ترین مادیان های وارداتی می توان اسب های کلاید سدال، لرد جیمز و بردر برند را که در سال 1910 میلادی وارد شدند و همین طور اسب گلن آلبین را نام برد. علاوه بر این اسب ها نریان نژاد شایر به میزان کمتر و احتمالاً تعدادی از اسب های نژاد کلیولند بی، سافوک، آردنیز و پرچرون نیز مورد استفاده قرار گرفتند. آمیزش ها با موفقیت انجام شد و اسب سنگین وزن و قدرتمندی به وجود آمد که به اسب کاری و سنگین ولادیمیر معروف شد و در سال 1946 میلادی به عنوان نژادی خالص شناخته شد.

طبیعت آرام این نژاد مهار آنرا آسان می کند و گام های فعال وی باعث شده تا علیرغم جثه ی عظیم برای کشیدن کالسکه های بزرگ و سه اسبه به کار رود. مزیت دیگر این اسب بلوغ زودرس آن می باشد. ولادیمیر در سه سالگی رشد خوبی کرده و می تواند به عنوان اسب تخمی استفاده شود. نریان این نژاد به خاطر درصد بالای باروری معروف می باشد. از معایب برخی اسب های ولادیمیر پشت نسبتاً بلند و قفسه سینه ی صاف آنها است. ولادیمیر از بزرگترین نژاد های اسب سنگین وزن روسی است. نریان این نژاد حدود 207 سانتی متر ارتفاع و 758 کیلوگرم وزن و مادیان آن فقط کمی کوچکتر بوده و 196 سانتی متر ارتفاع و 685 کیلوگرم وزن دارد.

نژاد لات ویان

اسب نژاد لات ویان اسب یراق بندی قدرتمندی است که شهرت وی به سبب توانایی در کشیدن وزنه است. منشا آن جدید است و به اوایل دهه ی 1920 میلادی یعنی زمان آمیزش مادیان محلی با اسب های آلمانی، انگلیسی و فرانسوی بر می گردد. هدف از این آمیزش ها ایجاد اسب های کاری با قابلیت بالا و دارای قدرت بنیه و گام های فعال بود. دو نوع مجزای اسب لات ویان وجود دارد: نوع

مالبندی سنگین که عمدتاً بر مبنای آمیزش های اسب نژادهای الدنبورگ، نورفولک روداستار و آنجلو نورمن استوار است و نوع سبک تری که برتری اسب هانوورین را دارد.

اسب های لات ویان اسکلت بندی خوب و آزادی حرکت فوق العاده ای دارند. ارتفاع نریان 155 سانتی متر و مادین 153 سانتی متر است. رنگ غالب در این نژاد در نوع سنگین وزن است در حالی که اکثر اسب های سبک وزن به رنگ شاه بلوطی هستند. اسب مالبندی لات ویان در سال 1952 میلادی به عنوان نژاد شناخته شد ولی به دلیل آمیزش با اسب های الدنبورگ و هانوورین تعداد آنها نسبتاً محدود شده است. این نژاد به دلیل خلق و خوی آرام معروف است. اسن خصوصیت به همراه قدرت و انرژی فوق العاده آن را حیوان کاری ممتازی کرده است.

اسب های انگلیسی

نژاد ترورد

زندگی انسان بیش از چهار هزار سال است که به طور خاص با اسب پیوند خورده است و در این مدت هیچ اسبی مانند اسب ترورد وجود نداشته است. اسب ترورد علاوه بر این که یکی از اسب های ممتاز مسابقه ای در جهان می باشد نقش مهمی در اصلاح نژادهای مختلف اسب و پونی های قدیمی و ایجاد نژادهای قدیمی ایفا کرده است.

هنری هشتم در طول قرن شانزدهم یعنی زمانی که میدان مشهور سوارکاری سلطنتی رویال پادوکس را در دربار همپتون بنا کرد برنامه هایی را برای آمیزش این اسبها اجرا کرد. دختر وی یعنی الیزابت اول نیز در استفورد شایر مرکز پرورش اسب دیگری را پایه گذاری کرد. هردو پادشاه اسب هایی را از اسپانیا و ایتالیا وارد کردند تا با گله ی بومی آمیزش کنند. در زمان پادشاهان بعدی مانند جیمز اول، چارلز اول و دوم پرورش اسب و مسابقات جان تازه ای گرفت. تا این که در ابتدای قرن هفدهم در نیومارکت چیترو و انکاستر و لینکن مسابقه های منظمی برگزار شد. بسیاری از اشراف زادگان اسب ها را برای مسابقه پرورش می دادند و برای یافتن اسب های خوب کارگزاری به کشورهای دیگر می فرستادند. اسناد تاریخی به صورت مکرر به اسب های نژاد بارب، عربی، هابی و گالووی اشاره دارند. هابی ایرلندی و گالووی اسکاتلندی اسب های دهنده معروف در آن زمان بودند و اسب ترورد را پایه گذاری کردند. منشا این نژاد ترورد و آمیزش های انجام گرفته هنوز به طور دقیق مشخص نشده است. دلیل این امر تغییر نام اسب ها به سبب تغییر مالکیت آنها بوده و واژه های عربی، بارب و ترک مکرر و به طور نادرستی استفاده شده اند. ولی نکته ی مسلم این است که در طول ربع آخر قرن هفدهم و ربع اول قرن هجدهم انگلیسی ها یا کارگزاران آنها تعدادی نریان شرقی خریداری کرده و آنها را با مادین هیبرید انگلیسی آمیزش دادند و اسب های مسابقه ای بزرگی را به وجود آوردند. یقیناً ساب ترکمن در ایجاد نژاد ترورد نقش مهمی داشته است. آنچه مسلم است نژاد ترورد از چند اسب معروف دنیا به وجود آمده که یکی از آنها اسبی به نام بارلی ترک می باشد و شکی وجود ندارد که یک اسب ترکمن است. نریان

دیگری دارلی عربیین می باشد که از اسب های عرب ناموفق بوده و در اثر آمیزش با اسب آخال تکه پدید آمده است و دیگری اسب گدولفین عربی بود که به عنوان پدران پایه گذار اسب تروربرد شناخته شده اند.

در کتاب افسانه ی سلطان باد که داستان به وجود آمدن اولین اسب تروربرد را ذکر می کند آمده است که یک مادیان سفید ترکمنی به نام رکسانا از ایران مادر اولین تروربرد بوده است. اصولا در زمان هر اسبی با منشا شرقی را عرب می نامیدند لذا در تاریخچه ی اسب های تروربرد از اسب های عربی یاد شده که در اصل اسب های شرقی به خصوص اسب های ترکمنی بوده اند. در پنجم آوریل 1764 میلادی در حالی که خسوف در آسمان انگلستان مشاهده می شد در اصطبل لرد کمبرلاند از یک اسب ترکمن کره ای متولد شد که آن را کلیپس (خسوف) نامیدند. از روزی که کلیپس وارد میداین مسابقه ی انگلستان شد تمام جوایز بزرگ کورس و داریی های مهم لندن را کسب کرد و بیش از پانزده میلیون پوند جایزه برد. این رکورد تا کنون تکرار نشده است. این امر به حدی ترس و وحشت بین سوارکاران انگلیس ایجاد نموده بود که بیشتر سوارکاران از شغل خود و تربیت اسب دست کشیدند.

آخرین نبرد این اسب چهارم اکتبر 1770 میلادی بود. در این روز که یکی از معروف ترین روزهای مسابقه اسب دوانی کشور انگلستان بود رقبای کلیپس تا حدی وحشت زده بودند که هیچ کدام در مسابقه حاضر نشدند و کلیپس به تنهایی دور میدان دویده و برنده ی جایزه شد. از آن پس این اسب را در مسابقات شرکت ندادند و تنها در امر تولید مثل از آن استفاده کردند. پرورش دهندگان آن زمان حاضر بودند برای هر بار تلقیح با کلیپس صد لیره ی انگلیس پرداخت نمایند. به طور کل 420 راس کره از این اسب به وجود آمد و به این ترتیب کلیپس به عنوان یکی از اجداد اسب های دونده کنونی در دنیا گردید.

Bernardini نمونه یک تروربرد تکامل یافته امروزی یک اسب در صورتی جز نژاد تروربرد طبقه بندی می شود که هردو والد آن در دفتر انساب نژاد تروربرد ثبت شده باشند. این اسب بسیار قوی، هوشیار و شجاع است و از آن در موارد مختلف مانند مسابقات اسب سواری، شکار و مسابقات سه روزه استفاده می شود.

نژاد کلوند بی

اسب نژاد کلوند بی از اسب های کهر است که طی قرون وسطی در شمال شرقی انگلستان بیشتر به عنوان اسب کاری به وجود آمده است. در گذشته این اسب به عنوان سواری برای افراد یا فروشندگان مورد استفاده قرار می گرفته و به این دلیل به نام اسب چپمن هم نامیده می شده است. پرورش دهندگان قرن هفدهم چپمن را به عنوان اسب اصلی با تعدادی از نریان های نژاد اندلسی و بارب آمیزش دادند. این اسب ها که در آن زمان برای تولید اسب کالسکه ای خالص و مناسب به آن کشور آورده شده بودند به خاطر گام های فعال، طاقت زیاد و بنیه قوی شهرت داشتند. پس از پرورش در آن منطقه به همان نام یا اسب کلوند نامیده شدند. به محض بازسازی و بهبود جاده ها و ضرورت وجود اسبی سریع تر از اسب کالسکه موجب شد تا نریان هیبرید تروربرد را با مادیان اسب کلوند بی آمیزش دهند. نوع

سبک تر و سریع تر به وجود آمده اسب یورک شایر کوچ نامیده می شد. دفتر انساب و انجمن این اسب در سال 1886 میلادی تاسیس شد. پیدایش حمل و نقل موتوری باعث کاهش اسب های کالسکه در آن منطقه شد و نژاد یورک شایر هم از این قاعده مستثنی نبود.

دفتر انساب این نژاد سرانجام در سال 1936 میلادی یعنی زمانی که این نژاد در معرض انقراض قرار گرفت تعطیل شد. خوشبختانه علیرغم تعداد اندک باقی مانده این اسب از خطر نابودی نجات یافته است. این اسب با اسب تروربرد باعث شد که بهتر از گذشته باشد و به اسب مناسبی برای حمل گاری و شکار تبدیل شود. این اسب همانند والدین خود فعالیت زیادی دارد از شانه آزادانه حرکت کرده و مسافت را به خوبی طی می کند. این نژاد از هنگام آمیزش با تروربرد علاوه بر مناسب بودن برای شکارچیان و گاری رانی به عنوان اسب پرش تراز اول نیز محسوب می شود.

نژاد هاکنی

اسب نژاد هاکنی بومی انگلستان است. این اسب گام های بلندی دارد و به عنوان اسب گاری به خصوص در میدان نمایش در جهان مورد توجه است. اسب هاکنی در اواخر قرن هفدهم و اوایل قرن هجدهم از نواده ی اسب های تروتر انگلیسی یعنی یورک شایر تروتر و نورفوک روداستار منشا گرفت. این اسب ها جد مشترکی به نام اسب اورجینال شلز دارند که در سال 1755 میلادی کره ای به دنیا آورد و به وسیله ی اسب تروربرد بلیز از مادایانی بود که هاکنی با اسب کالسکه توصیف می شد. منشا اسب بلیز اسب فلائینگ چایلد بود. اسب بلیز و اجداد آن به خصوص دو اسب اسکات شلز و درایور تاثیر زیادی در پرورش اسب های تروتر شرق انگلستان داشتند.

نوع پونی هاکنی در طول نیمه دوم قرن هجدهم پرورش یافت و استفاده از کلمه ی پونی هاکنی به طور قطع به اسب هاکنی هیبرید و کوچک اشاره دارد. کریستوفر ویندهام ویلسون پرورش دهنده ی بلند همت شهر وست مورلند بود که سیلوی ذخیره ی خوراک زمستانی اسب های مزرعه را ابداع کرد. هم چنین وی مسئول گسترش و پرورش پونی هاکنی بود. ویلسون از چندین نژاد پونی به خصوص پونی فل و ویلسون استفاده کرده و آنها را با اسب هاکنی خوش قیافه ای به نام سر جورج آمیزش داد. سر جورج در سال 1866 میلادی کره ای به دنیا آورد که ارتفاع آن حدود 142 سانتی متر بود. روش وی برای آمیزش خویشاوندی این اسب با سر جورج او را قادر ساخت تا به هدف خود یعنی پرورش هاکنی با خصوصیات پونی واقعی دست یابد. پرورش دهندگان دیگر هم از وی تبعیت کردند. محدودیت اولیه برای قد پونی ها 144/54 سانتی متر بود ولی بعدها به 142 سانتی متر کاهش یافت. گام های بلندی که هاکنی به سبب آن شهرت دارد تا نیمه ی دوم قرن نوزده یعنی زمان مرسوم شدن استفاده از اسب های زیبا و ظریف در گاری پیشرفت نکرد. این امر تا حدودی ژنتیکی و تا حدودی اکتسابی است و در اثر آموزش افزایش می یابد.

نژاد شایر

اسب نژاد شایر بزرگترین اسب سنگین وزن انگلستان و نتایج اسب جنگی قرون وسطی معروف به اسب گریت است که بعدها نام انگلیش بلک به آن داده شد. این اسب از آمیزش اسب های فلاندر و فریزین وارداتی با نژاد بومی حاصل شد و اولین اسب سواره نظام شد. استفاده از واژه ی بلکز به این اسب های سنگین وزن به فردی به نام الیور گرامول نسبت داده می شود و احتمالاً برای توصیف اسب های فریزین وارداتی استفاده شده که همیشه سیاه رنگ بودند. منطقه ی اصلی پرورش اسب انگلیش بلک منطقه ی باتلاقی و بخش های درون مرزی لیستر شایر، لینکلن شایر، دربی شایر و استافورد شایر بود که این نژاد سرانجام نام خود را از آن مناطق گرفت. اسب های پرورش یافته در فین بزرگتر سنگین تر و تا حدودی درشت تر از اسب های آیر شایر بودند. اسب های دربی شایر و لیستر شایر عمدتاً سیاه و اسب های استافورد شایر اغلب قهوه ای بودند.

در اواخر قرن نوزدهم آمیزش این اسبها شکل قطعی گرفت. در نتیجه اولین دفتر انساب اسبهای این نژاد در سال 1878 میلادی منتشر و انجمن اسبی تحت عنوان انجمن اسب کارت انگلیس تاسیس شد. این نام در سال 1884 میلادی به نام انجمن اسب شایر تغییر یافت و این نژاد از آن زمان به نام اسب شایر معروف شد. به دنبال تاسیس انجمن اسب شایر موفقیت زیادی در گسترش کشاورزی آن زمان و جلب توجه خریداران خارجی کسب شد. اسب های شایر به زودی به سرزمین های دور مانند آمریکای شمالی و جنوبی روسیه و انگلستان صادر و به جز تفکیک ناپذیر زندگی روزمره مردم انگلستان تبدیل شدند. این اسب های بزرگ خصوصیات ویژه ای مانند قدرت، بنیه، استحکام و خلق و خوی خوب داشتند و برای شخم زدن مزرعه، کشیدن الوار و کشیدن واگن های مزرعه، واگن های راه آهن، گاری و درشکه های ذغال سنگ استفاده می شدند. ورود وسایل نقلیه موتوری خسارت های قابل توجهی به این اسبها زد. احیای اسبهای شایر در دهه ی 1960 شروع شد و امروزه این اسبهای ممتاز برای نمایش شخم زدن زمین و کشیدن گاری در مسیرهای کوتاه شهری استفاده می شود.

نژاد سافوک

اسب نژاد سافوک یا سافوک پانچ قدیمی ترین نژاد سنگین وزن جهان بوده و در منطقه ی آنجلین شرقی که از قرن شانزدهم در آن پرورش یافته نام گذاری شده است. در مورد خواستگاه آن اطلاعات کمی موجود است ولی از سال 1506 میلادی مدارکی مبنی بر نوع متفاوت اسب سافوک وجود دارد. نژاد سافوک به عنوان اسب کاری پرورش یافت و بار شانه های بسیار قوی و اندام های حرکتی مناسب خود برای خاک های رسی و بسیار سنگین آنجلیای شرقی بسیار مناسب است. این نژاد منحصر به فرد است و منشا آن به نرپانی به نام کریسپ از یورفورد بر می گردد که از سال 1760 میلادی کره ای به دنیا آورد. این اسب نژادی خالص است زیرا همه ی اسب های سافوک به رنگ شاه بلوطی بوده و بدن سنگین آنها روی اندام های حرکتی نسبتاً کوتاهی قرار دارد.

این اسب علیرغم درشت جثه بودن اقتصادی محسوب می شود چون با خوراک نسبتاً کمی رشد و کار می کند. دارای بلوغ زودرس است مادامی که معمولاً زودتر کره زایی کرده و اغلب حدود 30 سال عمر میکنند. در دو سالگی می تواند کارهای سبک و در سه سالگی کارهای سنگین را انجام دهد. خلق و خوی آرامی دارد و به سبب استحکام و عمر طولانی شهرت یافته است. این خصوصیات اسب سافوک را به یکی از محبوب ترین اسب های کشاورزی و کاری تمام دوران تبدیل کرده و تعجب آور نیست که شهرت آن به خارج از مرزها هم کشیده باشد. سالهای متمادی این اسبها در ایالات متحده وجود داشته اند و تعدادی از اسب های این نژاد برای تولید اسب های نظامی به استرالیا، آفریقا، روسیه و پاکستان صادر شده اند. اسب سافوک نیز مانند اسب شایر با وجود مکانیزه شدن کشاورزی به بقای خود ادامه داد و هنوز هم گاهی برای کار در مزرعه، کشیدن گاری و نمایش ها به خصوص در شرق انگلستان استفاده می شود.

نژاد کلایدسدال

اسب نژاد کلاید سدال اسکاتلندی اسب سنگی وزنی است که در منطقه ای از لانارک شایر به وجود آمده که رود کلاید از آنجا عبور می کند و نام خود را از این منطقه گرفته است. این اسب امروزه بیش از دیگر نژادهای سنگین وزن انگلستان پرورش یافته و در طول نیمه دوم قرن هجدهم یعنی زمان استفاده از نریان فلیمیش برای اصلاح نژاد اسب های کاری و بومی کشاورزان تکامل یافته است. پیش از آن در طول سالهای اول این قرن پرورش دهنده ای به نام پاترسون از لوچ لایوچ شروع به تولید اسبهایی کرد که در کل شبیه اسب کلاید سدال به خصوص از نظر رنگ بودند. منشا بسیاری از نریان اسب کلایدسدال به نریان کلاید سدالی بر می گردد که از مادیانی به نام لمپیت به وجود آمده است. اعتقاد بر این است که لمپیت نواده ی اسب های لوچ لایوچ است.

در طول نیمه دوم قرن نوزده پرورش دهندگان اولیه و دیوید ریدل اعتقاد داشتند که اسب های کلاید سدال و شایر منشا واحدی دارند و هردو را با هم آمیزش دادند.

انجمن اسب کلاید سدال در سال 1877 میلادی تاسیس و اولین دفتر انساب در سال بعد منتشر شد. به دلیل محبوبیت روزافزون این نژاد توجه کشورهای دیگر نیز به آن جلب شد و پس از مدت کوتاهی این اسب صادر شد. اغلب تعداد زیادی از آنها برای کار در مزارع بزرگ گندم در آمریکای شمالی، استرالیا، آمریکای جنوبی و روسیه صادر شدند. بدون شک طبیعت آرام همراه با ظرافت و فعالیت زیاد این اسب آن را به اسبی محبوب برای دوستداران اسب های سنگین وزن در سراسر جهان تبدیل کرد. این اسب قوی و استثنایی است و همیشه بر اندام های حرکتی استوار وی تاکید شده است.

اسب های فرانسوی

نژاد آنجلو عرب

منشا نژاد آنجلو عرب اسب های عرب و ترورد هستند ولی این نژاد بزرگتر از اسب عرب خالص است. این اسب از آمیزش بین نریان ترورد و مادیان عرب یا بالعکس حاصل می شود. هم چنین از آمیزش اسب های ترورد با آنجلو عرب، عرب با آنجلو عرب، یا آنجلو عرب با آنجلو عرب به وجود می آید. با توجه به آمیزش های بالا درصد خون اسب عرب و هم چنین اندازه و ظاهر اسب ها متفاوت است. بزرگترین اسب های نژاد آنجلو عرب از آمیزش بین نریان عرب با مادیان اسب ترورد حاصل می شوند که استقامت و مقاومت در برابر شرایط سخت را از اسب عرب و سرعت و آزادی عمل خود را از اسب ترورد به ارث می برند.

فرانسه از نیمه اول قرن نوزدهم بیشترین اسب آنجلو عرب را تولید کرده است. منشا اسب آنجلو عرب فرانسوی دو نریان شرقی به نام های مسعود عرب و اسلم (که گفته می شود منشا ترکی دارد) بر می گردد. این اسبها از سوریه وارد شدند و در آنجا با سه مادیان ترورد انگلیسی به نام های دیئر، کموس و سلیم آمیزش داده شدند. حاصل این آمیزش ایجاد سه اسب آنجلو عرب به نام های دلفین، کلویس و دانه بود. این اسبها به عنوان اولین اسبهای مسابقه و سواری مورد استفاده قرار گرفتند. امروزه این اسب منشا یکی از اسب های جدید ورزشی به نام اسب سل فرانسوی شده است.

نژاد آری جیوس

اسب نژاد آری جیوس اسبی از دوران عهد باستان است و در کوههای پیرنه در جنوب غرب فرانسه زندگی می کند. این اسب شباهت زیادی به اسب ساترن گائول که در گزارش های سزار از جنگ های گالی توصیف شده است دارد. زیستگاه این اسب دره های بلند رود آریئج است و نام خود را از همان محل گرفته است. با سختترین شرایط کوهستانی آن منطقه بسیار خوب سازگار شده به سرما مقاوم است و گام های محکم و مطمئنی بر میدارد. عبور از راههای پر پیچ و خم و پوشیده از یخ کوهستان برای این اسب راحت است.

این اسب بی نظیر و پر طاقت قرن هاست که به عنوان اسب کاری استفاده می شود هم چنین می تواند به عنوان اسب سواری کوچک عمل کند یا در شیب دار ترین مزارع تپه ای کار کند که هیچ ماشین مدرنی توان کار ندارد.

نژاد نورمن کاب

اسب نژاد نورمن کاب اسب کاری سبکی است که هنوز در مزارع کوچک منطقه ی لامانش در نورماندی وجود دارد. نورماندی سابقه ای طولانی در پرورش اسب دارد به خصوص که اسب مسابقه ی سینت لو جد اسب کاب امروزی در مرکز پرورش اسب لی پین (که به عنوان مرکز پرورش اسب سلطنتی در اواسط قرن هفدهم تاسیس شده بود) پرورش یافت.

این اسب مانند اسب کاب انگلیسی چاق و کوچک است به همین دلیل به این نام معروف شده است و در ابتدای قرن گذشته به عنوان نژاد متفاوتی رشد و گسترش یافت. در آن زمان پرورش دهندگان اسب های هیبرید برای اولین بار بین اسبهای مناسب برای سواری به خصوص مناسب برای ارتش و اسب های خوش بنیه کاری و مناسب برای کارهای سبک تمایز قائل شدند.

اسب نورمن کاب بعدها در گروه نژادهای سنگین قرار گرفت و خصوصا در منطقه ی لامانش به اسب کاری محبوبی تبدیل شد که حتی اسب پرچرون قدرتمند هم نتوانست جایگزین آن شود. در طول سالها به خاطر کارهای سنگین تمایل به سنگین تر شدن در این اسبها وجود داشته تا بتوانند از عهده ی کارها برآیند. این اسب هرچند تنومند و خوش بنیه است ولی قد و قامت عظیم اسب سنگین واقعی را ندارد. همواره پر جنب و جوش و در یورتمه ممتاز بوده و این از خصوصیات اسب های هیبرید است.

نژاد کامارگو

اسب کوچک و پر طاقت کامارگو منشا باستانی دارد و بومی زمین های بایر و آب و هوای بد دلتای رون در جنوب فرانسه است و تا ژانویه سال 1968 میلادی به عنوان یک نژاد شناخته نمی شد. این اسب شباهت بسیاری با اسب های نقاشی های درون غارها که به 15000 سال پیش از میلاد بر می گردد. اسکلت های قدیمی حفاری شده در قرن نوزدهم در منطقه ی سالوتر در جنوب شرق فرانسه می تواند اسکلت های اجداد این نژاد باشد.

در طول اشغال طولانی مدت زمین های باتلاقی این اسب بومی تحت تاثیر خون اسب های آفریقای شمالی قرار گرفت ولی خصوصیات اصلی اسب اولیه به خصوص سر مربعی نسبتا سنگین خود را حفظ کرد. این اسبها با گام های مطمئن خود به عنوان اسب مورد استفاده در گله های گاو نر در آن منطقه پرورش داده شدند. علیرغم اندازه نسبتا کوچک قدرت و شجاعت حمل یک مرد بالغ بر روی خطرناک ترین زمین های مردابی را دارد.

اسب های نژاد کامارگو نیمه وحشی بوده و سالانه برای بررسی جمع آوری می شوند. هرچند عمل نرده کشی مزرعه ها و زهکشی مناطق بزرگ برای کشاورزی در طول سالها نیاز به گله داران را کم کرده این اسبها هنوز جنبه ی اصلی این منطقه هستند. امروزه منطقه ی کامارگو به علت حیات وحش زیاد توریست های بی شماری دارد و این اسبها در منطقه برای تفریح توریست ها استفاده می شوند.

نژاد آردنایز

اسب نژاد آردنایز یکی از متمایزترین اسب های سنگین جهان قدرتمند ولی به طور استثنایی رام و مطیع است. این اسب ریشه ای باستانی دارد و نام خود را از منطقه ی کوهستانی زادگاه خود در مرز فرانسه و بلژیک گرفته است. این اسب بزرگ در اواخر قرن نوزدهم نه تنها به عنوان اسب کاری بلکه برای سواری هم استفاده می شد. در سال 1810 میلادی ابتدا با اسب عرب و سپس با اسبهای تروبرد پرچرون و بولنایز آمیزش داده شد. این تلاش ها جهت اصلاح این نژاد موفقیت آمیز نبود ولی با این وجود به سودمندترین اسب تبدیل شد. در طول انقلاب صنعتی در زمان امپراطوری و به خصوص لشکرکشی روسیه انرژی و بنیه ی اسب آردنایز آن را برای نیروی زمینی مناسب ساخت. در طول جنگ جهانی اول این اسب به عنوان اسب توپخانه بسیار مورد استفاده قرار گرفت.

به دلیل نیاز به نیروی اسب در کشاورزی و انجام کارهای سنگین نوع سنگین وزن این اسب گسترش یافت و امروزه علاوه بر نوع کوچک و قدیمی دو نوع دیگر از این اسب شناخته شده است. نوع بزرگتر که به اسب آتوکسیوز معروف است و اسب بزرگتر و سنگین تر دوند که حاصل آمیزش با اسب بلژین درآوت است و قبلا به نام اسب تریت دوند مشهور بود.

نژاد چوال د سل فرانسیس

فرانسه همیشه در پرورش اسب ورزشی جدید پیشرو بوده و اسب چوال د سل فرانسیس (اسب سدل فرانسوی) یکی از آمیزش های اسب های خون گرم موفق در قرن بیستم بوده است.

واژه ی سل فرانسیس در دسامبر سال 1958 میلادی مورد استفاده قرار گرفت و اولین دفتر انساب مرکز پرورش این اسب در سال 1965 میلادی منتشر شد. فرانسوی ها با سابقه ی طولانی خود در پرورش اسب اساس اسب مدرن را در اوایل قرن نوزدهم بنا نهادند. زمانی که بسیاری از کشورها شروع به واردات تروبرد انگلیسی و نریان هیبرید برای آمیزش با مادیان محلی خود با خلوص کمتر یعنی آنجلو نمودند. در نرماندی دو اسب مهم پرورش یافت اسب یورتمه رو و سریع که پس از اسب تروتر فرانسوی و آنجلو نورمن به وجود آمد.

منشا تعداد زیادی از اسب های امروزی به آنجلو نورمن ها بر می گردد. نحوه ی آمیزش اسب نژاد فرنچ وارم بلاد با آمیزش اسب های کشور همسایه متفاوت بود زیرا سیستم رتبه بندی اسب در فرانسه بسیار مهم است. موفقیت در رقابت از سوی نریان، مادیان و خویشاوندان این اسب ها اساس انتخاب در فرانسه است. این روش به گونه ای است که می توان به وسیله ی آن در دوره ی کوتاهی اسبی بسیار موفق در رقابت ایجاد کرد. این روش مانند اسب تروتر و اسب های انتخابی دارای توانایی بقا در مسابقات ورزشی مدرن می باشند. علاوه بر همه ی این موارد در نمایش پرش نیز موفق هستند یعنی جایی که اسب هایی مانند جاپلپ ، اسب کوئیتو د باسی، اسب آی لایو و اسب گالوبت در اروپا و جهان درخشیده اند.

نژاد فرنچ تروتر

فرانسه، کشوری با سابقه‌ی طولانی در مسابقه‌ی یورتمه در خارج از ایالات متحده است. این کشور اسب‌های هاف برد، نورفوک استار و تروتر را با آمیزش اسب‌های انگلیسی و هیبریدها با مادیان قوی نورمن گسترش داد. این روند در اوایل قرن نوزدهم شروع شد. اولین مسابقات یورتمه در فرانسه، مسابقات چمپ د مارس در پاریس و در سال 1806 میلادی برگزار شد. با افزایش محبوبیت مسابقات، مسیرهای مسابقه‌ای به این منظور ساخته و بازگشایی شد که اولین آن‌ها در دهه‌ی 1830 میلادی در چربورگ بود. به این ترتیب این نژاد رشد کرده و اصلاح نژاد شد. در سال 1861 میلادی فرمان امپراتور بدان رسمیت داد و باعث شکل‌گیری اولین گروه مدیریتی گردید.

آنجلو-نرمن به اسب یورتمه روی ممتازی تبدیل شد و 5گونه‌ی مهم به وجود آورد که شامل فوجسیا،فتان،لاواتر، نرماند و کنکورانت می‌باشند. کنکورانت و نرماند هر دو هیبرید انگلیسی هستند که توسط راتلر به وجود آمده‌اند. تروبرد راتلر به علت تاثیر فراوان بر پرورش اسب یورتمه رو در فرانسه به عنوان پیام بر فرانسوی نامیده می‌شد.

اسب لاواتر از اسب انگلیسی نورفوک رود استار به وجود آمده است فوجسیا که پرقدرت ترین نریان اولیه از لحاظ قوه‌ی جنسی بود در سال 1883 میلادی اولین کره‌ی خود را به دنیا آورد. نزدیک به 655 اسب یورتمه رو را نیز به وجود آورده و بیش از 155 اسب از پسران این اسب برنده‌ی مسابقات مختلف بودند.

در طول سالها از اسب استاندارد برداستفاده شد تا این اسب به اسب سریع تری تبدیل شد ولی در سال 1963 میلادی استفاده از اسب‌های اصلاح نژاد شده‌ی تروتر فرانسوی بر روی اسب‌های غیر فرانسوی ممنوع شد تا این که در سالهای اخیر تعداد بسیار محدودی از آمیزش‌های دقیقاً انتخاب شده‌ی استانداردبرد در آنها انجام می‌گیرد.

فرانسه هرگز مسابقات سوارکاری را کاملاً رها نکرده است. حدود 15 درصد از مسابقات یورتمه‌ی امروزی که در فرانسه نمایش داده می‌شوند با زین هستند و تاثیر مهمی بر جفت‌گیری دارند. به علت آن که یورتمه روهای سوارکاری تحت وزن‌های بسیار سنگین مسابقه می‌دهند پس باید متناسب با آن خوش بنیه و دارای تعادل خوب باشند. این اسب‌های ممتاز نقش مهمی در حفظ استاندارد کلی فرنچ تروترها ایفا کرده‌اند.

نژادپرچرون

اسب نژاد پرچرون ظریف،زیبا و سبک است و از منطقه‌ی لاپارچ در جنوب نرماندی منشا گرفته است. اجداد این اسب‌های عربی بودند که اعراب شمال آفریقا آنها را به اروپا آوردند. اعتقاد بر این است که تاثیر اصلی این اسب بر روی نژادهای دیگر از زمان شکست اعراب شمال آفریقا توسط چارلز مارتل در حدود 732 میلادی شروع شد و تا جنگ صلیبی اول در سال 1099 میلادی ادامه یافت.

بعدها در طول قرن هجدهم نریان عرب برای اصلاح نژاد اسب های پرچرون به مرکز پرورش اسب سلطنتی در لیپین آورده شدند. تاثیر اسب های شرقی تا همین اواخر ادامه یافت و اسب جین لی بلانک و پس از آن نریان عربی به نام گالیپلی از مهم ترین نریان های اولیه بودند. قدرت و شجاعت زیاد، اندام های حرکتی محکم و عمر طولانی اسب پرچرون را به عنوان اسب جنگی و اسب کاری برای کار در مزرعه بسیار محبوب ساخت. این اسب در چهار دهه آخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم هم به عنوان اسب کاری و هم به عنوان اصلاح کننده ی نژادهای سنگین دیگر در سراسر جهان مورد تقاضا بود. پرورش دهندگان فرانسوی تعداد زیادی از اسبهای پرچرون را صادر کردند و اثبات شد که سازگارترین اسب با هر نوع شرایط اقلیمی است. برخی از این اسبها به انگلستان برخی به استرالیا و برخی به آمریکای جنوبی صادر شدند. این نژاد در آمریکای شمالی یعنی منطقه ای که رنگ مشکی بر خاکستری ارجحیت داشت بسیار رایج شد. خریداران آمریکایی هم به اسب سنگین وزن علاقه داشتند و به سبب نیاز آنها به اسب های بزرگ برای کار در راه آهن، آمیزش و پرورش اسبهای بزرگتر رواج یافت. این اسب علاوه بر بزرگی اندازه اسبی بسیار ارزنده است و خصوصیات اجداد خود را حفظ کرده است.

نژاد برتن

اسب نژاد برتن دارای اندام های حرکتی کوتاه و جثه ای بزرگ بوده و بسیار فعال است. حرکات یورتمه ای مخصوص به خود را دارد خصوصیتی که بیانگر وجود خون اسب نورفوک روداستار و اسب عرب در این نژاد است. پرورش دهندگان این اسب در بریتانی همانند دیگر پرورش دهندگان جنوب اروپا از اسب های آورده شده توسط جنگجویان صلیبی به خاورمیانه برای آمیزش با نژاد بومی استفاده کردند. امروزه نیز از آنها برای آمیزش با اسبهای انگلیسی و اسبهای برخی از کشورهای اروپایی استفاده می کنند که مورد اخیر همیشه نتایج موفقیت آمیزی به همراه نداشته است.

در طول قرنها همیشه بیش از یک نوع اسب برتن وجود داشته است. دو نوع اسب شناسایی شده در قرون وسطی سومیتر و روسین بودند. اسب سومیتر نواده ی اسبی بود که عمدتاً در شمال بریتانی پرورش و تولید مثل داشت و برای کار در مزرعه و کشاورزی و هم چنین بارکشی استفاده می شد. نوع بسیار سبکتر این اسب در جنوب و بخش های مرکزی این منطقه یافت شد. اسب سواری محبوبی بود و به خاطر طرز راه رفتن و سواری دادن راحت شهرت داشت.

اگرچه اسب برتن دیگر به عنوان اسب کاری استفاده نمی شود ولی همچنان انواع مختلفی مانند اسب کاری کوچک و بزرگ و نوعی اسب کالسکه مشهور به نام پستیر دارد که جثه ی آن کوچکتر از اسب کاری است. این اسب ساختار سبکتر و گام های محکم خود را مدیون نژاد نورفوک روداستار انگلستان در قرن نوزدهم است.

برتن اسبی با بلوغ زودرس است که در تجارت گوشت فرانسه به دلیل تولید زیاد و کیفیت بالای گوشت به شدت مورد توجه است. این نژاد هم چنان به عنوان اسب کاری ارزشمند است و برخی افراد برتن را برای کار در مزرعه به خصوص در تاکستان ها استفاده می کنند.

نژاد بلنایز

اسب نژاد بولنایز اسبی رام با رفتار ملایم و زیباترین نژاد اسب سنگین وزن است که به زمان رومیان بر می گردد. این اسب بومی شمال غرب فرانسه است و مانند اسب پرچرون به شدت تحت تاثیر اسبهای نژادهای شرقی بوده و تاثیر اسب عرب در این نژاد بیش از یک بار بوده است. این اسب برای اولین بار توسط سپاه روم وارد فرانسه شد و پیش از حمله به انگلستان ساکن سواحل فرانسه بود. سپس جنگجویان صلیبی اسب های شرقی بیشتری را با خود آوردند. دو اشرف زاده ی بزرگ یعنی رابرت کومت د آرتور و یوستاچی کومت د بولان اقدام به وارد کردن اسب های عربی کردند. در طول قرن چهاردهم برای افزایش بنیه و توانایی این اسبها برای انتقال شوالیه ها و نیز سلاح های سنگین آنها با اسبهایی از آلمان آمیزش داده شدند.

واژه ی یلنایز به قرن هفدهم و منطقه ی آمیزش و تولید مثل اصلی آن به مناطق ساحلی شمال فرانسه بر می گردد. متأسفانه تعداد این اسبها در طول جنگ جهانی اول به شدت کاهش یافت که علت آن وقوع جنگ در قلب زادگاه این اسب بود. در طول جنگ جهانی دوم کاهش این نژاد هم چنان ادامه یافت. این دو بحران به همراه صنعتی شدن پس از جنگ جهانی دوم این نژاد را در معرض نابودی قرار داد.

خوشبختانه به علت تلاش های چند فرد متعصب مذهبی و فداکار و جلوگیری از تجارت گوشت این اسب از انقراض آن جلوگیری شد و امروزه برخی از این اسبها در حال کار روی مزارع کوچک دیده می شوند که موثرتر و اقتصادی تر از تراکتورها هستند. علیرغم اندازه و ساختار عظیم این اسب همچنان می توان آثاری از جد نژاد عرب مانند سر کوچک و چشم های بزرگ نافذ و ظاهری زیبا را مشاهده کرد.

اسب های آلمانی و هلندی

نژاد تراکنر

در بین اسبهای خونگرم اسب نژاد تراکنر در ظاهر خیلی شبیه اسب ترابرد است. پرورش هدفمند این اسب جذاب برای سوارکاری ابتدا در سال 1732 میلادی زمانی که فردریک ویلهلم اول مرکز پرورش اسب رویال تراکنر را در منطقه ی بروسیای شرقی امروزی تاسیس کرد شروع شد. تعداد زیادی از اسبهای عرب و ترابرد برای اصلاح اسب های محلی استفاده شدند. این اسب از نوادگان اسب پرهاقت و کوچک نژاد اسویکن است که برای شوالیه های تئوتونیک شناخته شده بودند. اسب اسویکن نواده ی کونیک پونی بود و منشا آن به اسب تاربان اولیه بر می گردد.

در پایان قرن هجدهم تلاش زیادی برای اصلاح اسب تراکنر یا پروسین شرقی مشهور انجام گرفت. این اقدام در مرکز پرورش اسب سلطنتی باعث پیشرفت ناگهانی اسب تراکنر شد. این اسب به عنوان اسب کاری و بعد به عنوان اسب مناسب برای ارتش خیلی زود مورد توجه قرار گرفت.

اسب تراکتر که به دلیل خصوصیات ویژه ی خود یعنی ظرافت و طاقت زیاد مشهور است حدود دو قرن یعنی تا زمان جنگ جهانی دوم بسیار پر طرفدار بود. در طول پاییز و زمستان سال 1944 میلادی برای جلوگیری از افتادن آنها به دست لشکریان روسی در حال یورش به این منطقه اسبهای این نژاد در بیابان رها شدند و در نتیجه تعداد آنها به شدت کاهش یافت. پیش از رها شدن این اسبها 25000 راس اسب در دفتر انساب پرورش اسب پروس شرقی ثبت شده بود. تنها حدود 1200 راس اسب به غرب رفتند و بسیاری از آنها نتوانستند شرایط اقتصادی بسیار بد آلمان پس از جنگ را تحمل کنند.

به طور باور نکردنی به علت تلاش های فداکارانه ی پرورش دهندگان در حفظ دفتر انساب اسب های تراکتر این نژاد اسب از بین نرفت. اسبهای باقی مانده دوباره ردیابی و در آلمان غربی ثبت شدند و به محض از سرگیری تولید مثل و افزایش تعداد آنها این اسبها جایگاه ویژه ای بین اسبهای امروزی پیدا کردند. این اسب به خاطر اسکلت بندی مناسب عملکرد قابل قبول خلق و خوی خوب و مقاومت زیاد هم به عنوان اسب مسابقه و هم اصلاح کننده ی اسب های خون گرم دیگر طرفدار دارد.

نژاد هانورین

جورج دوم عضو شورای انتخاب کنندگان هانور و پادشاه انگلستان با تاسیس مرکز پرورش اسب در منطقه ی سل در سال 1735 میلادی نقش بسیار مهمی در ایجاد اسبهای خون گرم آلمانی ایفا کرد. هدف از ایجاد این نژاد تامین اسبهای با کیفیت بالا و ارزان برای مردم بود در حالی که در آن زمان اسب نژاد هلشتاین و عمدتاً اسبهای اندلسی و نئوپولیتان وجود داشتند. به خاطر واردات بعدی اسب های انگلیسی مانند اسبهای ترابرد هانورین به تدریج کیفیت بهتری پیدا کرد و به اسبی همه فن حریف و مناسب برای کار در زمین های کشاورزی، سواری و استفاده به عنوان اسب باری سبک تبدیل شد.

پیشرفت اسب هانورین در سل مانن تحت تاثیر جنگ قرار گرفت. تا پایان قرن هجدهم این مرکز پرورش اسب بیش از 100 اسب نر داشت ولی در سال 1816 میلادی فقط 30 راس از آن باقی ماند. برای جبران کاهش این اسبها از اسبهای نژادهای برتر به ویژه ترابرد استفاده شد. پس از جنگ جهانی دوم این اسب مجبور شد برای حفظ بقای خود با روش زندگی جدید سازگار شود و خون اسب ترابرد و اسب تراکتر برای ایجاد اسب خون گرم مناسب با نیازهای بازار و اسبی مناسب برای تفریح مورد استفاده قرار گرفت.

اسبهای هانورین امروزی سبک تر و کمی خشن تر از نژاد قدیمی هستند و به خاطر خلق و خوی خوب و تحرک زیاد شهرت دارند. همانند اسبهای خون گرم دیگر آلمانی نریانها تنها در صورتی مجوز می گیرند که از معاینات دامپزشکی لازم بگذرند و پس از گرفتن مجوز باید تستهای سواری را با موفقیت بگذرانند. اسب هانورین از پر طرفدارترین اسبهای ورزشی جهان است. زیرا قدرت و توانایی بالای آن این اسب را برای نمایش سواری و پرش مناسب کرده است.

نژاد هلشتاین

اسب نژاد هلشتاین احتمالاً قدیمی ترین اسب خون گرم آلمانی است که چندین قرن سابقه دارد. در اوایل قرن هفدهم این اسبها در حالی آمیزش داده شدند که در فرانسه، دانمارک و ایتالیا بسیار مورد نیاز بودند. اسب های هلشتاین قدیمی خون آمیخته شامل خون اسبهای آلمان، نیپولیتان، اسپانیا و مناطق شرقی داشتند. این اسبها در طول قرن نوزدهم با اسبهای نژاد یورک شایر کوچ آمیزش داده شدند. این کار هیبت آنها را بزرگتر و ماهیت آنها را بسیار رام کرد. اسبهای هلشتاین به دلیل داشتن بنیه ی قوی به عنوان اسبهای کاری ممتاز و اسبهای تازه نفس ارتش مشهور بودند. مرکز پرورش اسب تراونتال توسط پروس در سال 1867 میلادی در شلزویگ-هلشتاین یعنی زادگاه اسب امروزی هلشتاین تاسیس شد. امروزه این مرکز پرورش اسب مورد استفاده قرار نمی گیرد و پایه ی اولیه ی نژادهای امروزی در الم شورن است. برای به وجود آوردن نژاد اسب مناسب برای نیازهای امروزی در دوره ی پس از جنگ جهانی دوم بیشتر خون اسبهای تروربرد استفاده شد که باعث تولید نوع سبکتری از این اسب به عنوان اسب کاری گردید. اگرچه آمیزش های انجام یافته با اسب تروربرد این اسب را تحریک پذیر تر از نوع قدیمی کرده ولی خلق و خوی خوب این اسب حفظ شده است. شجاعت و هوش اسب هلشتاین آن را برای نمایش سوارکاری در رده های بالا و نمایش پرش در رتبه اول قرار داده است.

اسب هلشتاین مانند مانند دیگر اسب های خون گرم با کیفیت بالا پرورش داده نمی شوند و منطقه ی پرورش و آمیزش این اسب بزرگ و وسیع نیست.

نژاد الدنبرگ

اسب نژاد الدنبرگ سنگین ترین اسب خون گرم آلمان در اصل به عنوان اسب کالسکه در ناحیه ای بین رود وسر و هلند پرورش یافت. این نژاد نام خود را از کنت آنتون کونتر ون الدنبرگ گرفته که در پرورش این اسب نقش موثری را ایفا کرد و نریان ایتالیایی و اسپانیایی را با نژاد بومی آمیزش دادند و در نتیجه اسب بزرگی به ارتفاع 173 سانتی متر با جثه ای نسبتاً سنگین به وجود آوردند. این اسب بر خلاف اکثر اسب های بزرگ بلوغ زودرسی داشت که این ویژگی آن را به عنوان اسب کاری محبوبی مطرح کرد.

این اسبها به عنوان اسبهای کالسکه در عصر حمل و نقل موتوری در اوایل قرن بیستم مورد قبول واقع شدند. در این زمان پرورش دهندگان ضرورت تغییر کارایی اسب الدنبرگ را دریافتند و به تولید اسب کاری برای مزرعه اقدام کردند. در سالیان اخیر پرورش دهندگان این اسبها بیشتر با استفاده از خون تروربرد و برخی دیگر از اسبها مانند سل فرانسیس اسبی تولید کرده اند که به طور قابل ملاحظه ای خالص تر از اجداد خود هستند. هم چنین این اسب در مسابقه های ورزشی بسیار توانمند است و با زین هم خوب فعالیت می کند. اسب الدنبرگ هنوز در مقایسه با اسب های خون گرم دیگر بزرگ است ولی بسیاری از خصوصیات اسب کالسکه نظیر شانه ی راست و قسمت پشتی طویل را از دست داده است. اسب های الدنبرگ به کشورهای بسیاری صادر شده و در ایالات متحده محبوبیت خاصی به دست آورده اند.

نژاد وست فالین

اسب نژاد وست فالین خویشاوندی نزدیکی با اسب هانورین دارد و در منطقه ی نوردین وست فالن در شمال غرب آلمان پرورش داده شده است. مرکز اصلی پرورش این اسب نژاد وارن درف نام دارد و به این خاطر مشهور است که زادگاه اسبهای سواری آلمان بوده و سابقه ی طولانی در پرورش اسب دارد. در اوایل قرن نوزدهم مالکان محلی از نریان پروس شرقی برای اصلاح نژاد مادین خود استفاده کردند در طول سالها آمیزش های متعددی شامل آمیزش اسب های الدنبورگ، هانورین، فریزین، آنجلو نورمن و تروتر انجام گرفت و در نتیجه در این قرن اسب نژاد وست فالن امروزی دارای خون هانورین است ولی هنوز خون هایی وجود دارد که در منطقه ی وست فالیا به طور خاص پرورش می یابند.

نژاد شلزویگ

اسب نژاد شلزویگ اسبی خوش بنیه دارای جثه ی کوچک و سنگین و متعلق به شمالی ترین منطقه ی آلمان یعنی شلزویگ هلشتاین در مرز دانمارک است. این منطقه در زمان های دور بخشی از دانمارک بوده و در نتیجه شباهت زیاد این اسب به اسب سنگین دانمارکی تعجب آور نیست چون خویشاوندی نزدیکی با آن نژاد دارد. این نژاد در طول نیمه ی دوم قرن نوزدهم به عنوان اسب کاری با اندازه ی متوسط پرورش یافت و از خون نژادهای سبکتر شامل اسبهای یورک شایر کوچ و ترورد در سالهای آخر قرن گذشته برای اصلاح نژاد آن استفاده شد اما تاثیر مطلوبی بر این اسب نداشت. این نژاد که به عنوان اسب اتوبوس و تراموا و به خاطر استفاده در مزرعه و کارخانه شهرت داشت در طول جنگ جهانی اول به حیات خود ادامه داد ولی هم تعداد و هم کیفیت این نژاد به شدت کاهش یافت. آمیزش این اسب با اسب های برتن و بلنایز از فرانسه بسیار موفقیت آمیز بود. اسب نژاد شلزویگ پس از جنگ جهانی دوم احیا شد و تعداد زیادی از آنها پرورش یافتند.

نژاد ساوت ژرمن

اسب نژاد ساوت ژرمن سنگین ترین نواده ی اسب نوریکر اتریشی است که در اواخر قرن نوزدهم به باواریا در جنوب آلمان برده شد. پرورش دهندگان در مناطق شمالی باواریا با هدف بهبود و پرورش نواده نژاد اسب بومی خون اسب های هلشتاین، الدنبورگ و کلیولند بی را به این نژاد اضافه کردند. این در حالی بود که پرورش دهندگان در مناطق جنوبی باواریا تنوع فوق العاده ای را از آمیزش اسبهای الدنبورگ، کلایدسدال و بلژین دریافت با این اسب تجربه می کردند. هم چنین پرورش دهندگان آلمانی برای اصلاح نژاد از نوریکر هم استفاده کردند. منشا این اسب که در اصل پینز گوئر نوریکر نامیده می شود استان سالزبورگ است. نوع آلمانی این اسب اسب ساوت ژرمن هیوی هورس نامیده شد و امروزه عمدتاً در باواریا و بادن ورتمبرگ پرورش داده می شود. اگرچه اسب نوریکر اندکی کوتاهتر است ولی هنوز شباهت زیادی به آن دارد.

اسبی قوی، چابک، متناسب و دارای خلق و خوی آرام و مطیع است و در رژه ها و نمایش ها گاهی اوقات به عنوان اسب کاری در مزرعه دیده می شود.

نژاد فریزین

اسب نژاد فریزین یکی از قدیمی ترین اسب های اروپاست و در طول قرن ها بر نژادهای زیادی به خصوص اسب الدنبرگ در آلمان و پونی های فل و دالس در انگلستان تاثیر داشته است. مبدا این نژاد منطقه ی فریزلند در شمال مجارستان است. آثاری از اسب خون سرد باستانی و سنگین وزن در آنجا کشف شده و اعتقاد بر این است که فریزین امروزی نواده ی آن می باشد. نژادهای شرقی که در طول جنگ های صلیبی به مجارستان آورده شدند بر پرورش این اسب اثر داشتند. اسب فریزین دارای استعداد های گوناگون و فعال است و برای کار در زمین های کشاورزی مناسب می باشد ولی به علت توانایی در یورتمه رفتن به عنوان اسب مالبندی و سواری هم مفید است.

در طول قرن نوزدهم زمانی که اسب های یورتمه رو طرفداران زیادی کردند پرورش دهندگان به دنبال اصلاح اسب یورتمه ای گام بلند و فعالی بودند. این کار با آمیزش این اسب با اسبهای تروتر حاصل شد. این آمیزش باعث شد که اسب فریزین ساختار سبک تری پیدا کند و برای کار در مزرعه زیاد مفید نباشد. با آغاز جنگ جهانی اول تعداد فریزین ها به شدت کاهش یافت. در بین دو جنگ این کاهش ادامه داشت تا این که کمبود سوخت در طول جنگ جهانی دوم منجر به احیای دوباره ی این نژاد گردید چون کشاورزان مجدداً برای بارکشی به این اسبها روی آوردند.

در طول نیمه ی دوم قرن نوزدهم دوباره توجه همگان به این نژاد جلب شد و امروزه به عنوان اسب کالسکه و چهر چرخه بسیار محبوب است. این اسب خوش تناسب با رفتار مغرورانه هنگام کشیدن درشکه های قدیمی به طرز فوق العاده ای جذاب به نظر می رسد. این نژاد به خاطر خلق و خوی مهربان شهرت دارد.

نژاد گلدرلند

نژادهای متفاوت و خاص برای تولید اسب گلدرلند استفاده شدند که متعلق به مناطقی به همان نام در مجارستان بودند و در طول قرن نوزدهم پرورش یافتند. مادیان های بومی با نریان های کشورهای انگلیس، فرانسه، آلمان، مجارستان و لهستان آمیزش داده شدند تا نژاد خوبی از اسب دو منظوره به وجود آید. هدف از این آمیزش ها تولید اسب قوی تر و بزرگتری برای کار در مزرعه یا کشیدن کالسکه ی چهار چرخه بود ولی این اسب آنقدر سنگین نیست که برای سواری نتوانست از آن استفاده کرد. اسب نژاد هاکنی در برنامه های آمیزش استفاده شد. فقط اسبهایی در اصلاح این نژاد به کار گرفته شدند که خود را به عنوان کارگران خوب و پر طاقت اثبات کرده بودند. با ورود ماشین آلات صنعتی و نیاز کمتر به اسب هایی برای کار در مزرعه پرورش دهندگان برای کاهش وزن این نژاد آن را با نژاد تروبرد آمیزش دادند.

نوع معمولی اسب درشکه یعنی گلدرلند امروزی با شانیه های عالی و قابلیت بالا به طور موفقیت آمیزی در ورزش گاری رانی استفاده شده و یکی از پایه های اصلی تولید اسب ورزشی مجارستان یعنی داچ وارم بلاد شده است.

نژاد داچ وارم بلاد

تولید اسب بسیار موفق تفریحی و مسابقه ای مجارستان با انتخاب بهترین مادیان اسبهای گلدرلند و گرونینگن و آمیزش آنها با نریان تروربرد شروع شد. نریان های ممتاز تروربرد از تمام نقاط جهان مانند انگلستان، ایرلند، فرانسه و ایالات متحده وارد مجارستان شدند. بسیاری از این اسبها از بهترین اسبهای مسابقه ای بودند. با گذشت زمان پرورش دهندگان هلندی دریافتند نریان هایی که بهترین اسب های خون گرم را به وجود می آوردند خود از اسب مسابقه ای موفقتری به وجود آمده اند. علاوه بر تروربرد از تعدادی نریان تراکتر در سالهای اولیه استفاده شد. بعدها تعدادی مادیان هلشتاین نیز خریداری شدند و در کنار نریان گلدرلند یا گرونینگن قرار گرفتند. سپس اسبهای خون گرم به نژادهایی که پرورش دهندگان هلندی در جست و جوی پرورش آنها بودند مانند اسب هلشتاین و سل فرانسیس در برنامه ی پرورش و آمیزش وارد شدند و تعدادی از اسبهای هانوارین و وست فالن نیز به این نژاد اضافه شد در عین حال در تعداد اسبهای نژادهای گلدرلند و گرونینگن مورد استفاده کاهش تدریجی صورت گرفت. نتیجه ی نهایی این آمیزش ها اسب سواری با خصوصیات هماهنگ و خلق و خوی خوب بود.

پرورش دهندگان هلندی برای تولید اسب های خود از سیستم انتخاب بر اساس عملکرد انفرادی استفاده کردند. در نهایت اسب داچ وارم بلاد نتیجه ی این اقدامات اصلاح نژادی را با به دست آوردن موفقیت ها در سطح بین المللی در رشته هایی مانند نمایش سوارکاری، پرش و درشکه رانی نشان داد. داچ وارم بلاد برای افزایش توان تولید مثل دیگر اسب های خون گرم به خصوص در انگلستان، ایالات متحده، استرالیا و نیوزلند استفاده شده است.

اسب های ایتالیایی و دانمارکی و مجارستانی

نژاد مارمانو

اسبهای نژاد مارمانو در منطقه ی توسکانی پرورش داده شدند و برای سوارکاری مرسوم در منطقه ی باتری یا گاوران مناسب هستند. مسیر ساحلی دریای تایرین که از پیو مبینو تا اربتلو امتداد دارد زمین مرداب قدیمی است که در عهد باستان زهکشی و تخلیه شده بود ولی بعدا به بیابان تبدیل شد. این زمین دوباره در اوایل این قرن زهکشی شد و امروزه این منطقه به صورت علفزار است.

منشا اسبهای مارمانو مشخص نیست ولی احتمالا نواده ی اسبهای ناپلئونی هستند که بر پایه ی خون عرب، بارب و اسپانیایی پایه گذاری شده و در قرن شانزدهم توسط فریکو گریسون معروف شدند. گریسون موسس آکادمی سوارکاری ناپلئونی بود. وی پس از زونفن یونانی به عنوان اولین ارباب سوارکاری کلاسیک به شمار می رود. بعدها تعدادی آمیزش بین اسبها و اسبهای وارداتی انگلستان مانند اسب نورفولک و روداستار انجام گرفت. بنابراین اسبهای معروف به اسب مارمانو، هیبرید هستند. این اسبها به هیچ وجه جز اسبهای زیبا و سریع محسوب نمی شوند ولی کارگران خوبی هستند. دارای قدرت و طاقت زیاد و خلق و خوی آرامی بوده و طبیعت پذیرا و رامی دارند. تغذیه آنها نیز اقتصادی است اثبات شده که این اسبها برای پلیس و ارتش مفید بوده و به حد کافی قوی هستن تا بتوانند به عنوان اسب کاری کارهای سبک را انجام دهند و برای هدایت گله های گاو نیز سودمند است.

نژاد مورگس

منشا اسب نژاد مورگس دشت ارفانو و نواحی تپه ای نزدیک گراوینا است. اسب اولیه ی مورگس حداقل به 500 سال قبل برمی گردد. در طول اواخر قرن پانزدهم و اوایل قرن شانزدهم حاکم بندر مونوپولی که چندسال متعلق به ونیز بود نوع اولیه ی نریان مورگس و چند صد راس مادیان را برای آمیزش نگهداری کرد تا اسبهای تازه نفسی برای سواره نظام فراهم کند. ولی در طول سال ها این نژاد منقرض شد. نوع امروزی این نژاد به دهه ی 1920 میلادی برمیگردد.

این اسب اساسا اسب کاری و سبکی است ولی نسبت به آیریش درافت کیفیت پایین تری دارد و یکدستی و یکپارچگی در این نژاد به چشم نمی خورد. این اسب اسب سواری است. از آمیزش مادیان مورگس با نریان ترورد یا اسبهای خون گرم اسبهای بهتری تولید می شود. نریان های خون گرم نتایج مناسبتری تولید می کنند و گامهای آنها برای سوارکاری خوب و متناسب است.

نژاد ایتالین هیوی درافت

اسب نژاد ایتالین هیوی درافت ممتازترین اسب سنگین وزن ایتالیاست که به عنوان اسب سنگین وزن کشاورزی هم شهرت دارد. این اسب شباهت آشکاری به اسب برتن دارد که تاثیر مهمی روی این اسب گذاشته است. اسب هیوی درافت در منطقه ی فرر در شمال کشور ایتالیا و در طول نیمه ی دوم قرن نوزدهم از آمیزش اسب ناپلئونی با اسب عرب و هاکنی به منظور تولید اسب کاری سبک وزن و فعال منشا گرفت. در دوره های مختلفی برای توپخانه و کشاورزی نیاز به وجود اسب خیلی شدید شد و در نتیجه پرورش دهندگان استفاده از نژادهای دیگر به خصوص اسب بلنایز را شروع کردند. سپس در دهه ی 1920 میلادی نریان های خالص برتن برای ایجاد نژادی از اسب استفاده شدند که امروزه به اسب ایتالین هیوی درافت معروف است.

اسب خوش قیافه و جذاب، چاق، کوتاه و عضلانی ایتالین هیوی درافت به خاطر ساختار و گام های فعال معروف است. این اسب قادر به حفظ سرعت حتی به هنگام کشیدن بارهای سنگین است. اندام های حرکتی بسیار قوی، مفاصل بزرگ و ماهیچه ی مناسبی دارد. هرچند نیاز به این اسب مانند هر جای دیگر کاهش یافته ولی هنوز هم برای کار روی برخی مزارع کوچک و نیز برای تولید گوشت استفاده می شود.

نژاد فردریکس بورگ

مرکز پرورش اسب نژاد فردریکس بورگ توسط کینگ فردریک دوم در سال 1560 میلادی یعنی پس از فردریک بورگ تاسیس شد که وی به عنوان پرورش دهنده ی اسب های ممتاز برای درباریان اروپایی مشهور بود. حاصل آمیزش اسب فردریکس بورگ از مرکز پرورش اسب اسپانیا با خویشاوند نزدیک اسپانیایی خود اسب هایی ظریف، زیبا و پر انرژی بودند. این اسب هم به عنوان اسب سوارکاری برای کار در مرکز تربیت اسب و نیز برای رژه سواره نظام مناسب بود. اسب فردریکس بورگ با نریان شرقی و انگلیسی آمیزش داده شد و سپس

هیبریدهای حاصل در اروپا گسترش یافتند. به دلیل صادرات این اسب از دانمارک تعداد آن بسیار کاهش یافت. در نتیجه در نیمه ی اول قرن نوزدهم این اسب جای خود را به اسب نژاد ترورد داد. سرانجام در سال 1871 میلادی این نژاد رو به انقراض رفت ولی خوشبختانه از بین نرفت. برای جلوگیری از انقراض این اسب پرورش دهندگان خصوصی اقدام به پرورش این اسب کردند. در آن زمان این اسب بیشتر به عنوان اسب بارکش سبک استفاده میشد. امروزه این اسب در دانمارک تنها برای تولید مثل استفاده می شود و با وجود نژادهای جدید مانند اسب دنیش وارم بلاد که از نریان لهستانی، آلمانی و سوئدی با مادیان فردریکس بورگ به وجود آمده دیگر به عنوان اسب مسابقه مورد استفاده قرار نمی گیرد.

نژاد ژوتلند

اسب نژاد ژوتلند یک اسب سنگین دانمارکی است که به غیر از پهن شدگی قسمت پایین اندام های حرکتی شباهت زیادی به نژاد انگلیسی سافوک پانچ دارد. این شباهت زیاد هم تعجب آور نیست چون اسب ژوتلند امروزی به شدت تحت تاثیر نژاد سافوک که از طریق نریان انگلیسی اوپینهم ال ایکس تو بوده است. تاریخچه ی این نژاد خاص به زمانی بسیار دور بر می گردد. اسب های سنگین وزن که پیش از قرن دوازدهم برای اهداف جنگی بسیار مورد نیاز بودند با اسب ژوتلند پنینسولا آمیزش داده شدند و این اسب را برای شوالیه های قرون وسطی ایده آل ساختند به احتمال زیاد منشا اسب ژوتلند اسبهای کلیولند بی و یورک شایر کوچ بوده و بدون شک اسب سافوک در رنگ شاه بلوطی این اسب تاثیر داشته است. با پیشرفت صنعت تعداد این اسبهای جذاب کم شده ولی هنوز تعداد زیادی از آنها در نمایش های کاری رانی در شهرها و گاهی اوقات برای کار در مزارع دیده می شوند.

نژاد دنیش وارم بلاد

اسب دنیش وارم بلاد یکی از اسبهای مخصوص ورزش های سوارکاری مدرن به خصوص رشته های نمایش سوارکاری، نمایش پرش و مسابقات سه روزه است.

دانمارکی ها سابقه طولانی به عنوان پرورش دهندگان اسب دارند. اولین مرکز پرورش اسب آنها در قرن چهاردهم تاسیس شد. هرچند بازار اسب در آن زمان تغییرات فراوانی داشت ولی بسیاری از کشورها دریافتند که نژادهای بومی و خویشاوندان آنها یعنی اسپاتد ناب استراب دیگر به عنوان اسبهای مسابقه ای واجد شرایط لازم نیستند. برای جبران این نقص برنامه ی پرورشی در سال 1962 میلادی پایه گذاری شد تا نوع جدیدی از اسب سوارکاری دانمارکی تولید شود. برای این کار نریان های انتخابی که عمدتاً از نژادهای سوئدی، هانورین، هلستاین و لهستانی بودند با مادیان های محلی آمیزش داده شدند تا خصوصیات اسبها را بهبود بخشند. معیارهای دقیقی برای انتخاب نریان و مادیان استفاده شد تا تضمین کند که فقط بهترین ها حق ورود به دفتر انساب را دارند. برنامه ی آمیزش موفقیت آمیز بود و اسب حاصل اسبی ممتاز، متناسب و دارای گام های عالی بود. این اسب شجاعت را با خلق و خوی خوب ترکیب کرده و نمایش سوارکاری جذابی اجرا می کند.

نژاد فوربوزو

مجارستان ها مدتها از شهرت جهانی به عنوان کشور پرورش دهنده ی اسب و به عنوان تولید کننده ی سوارکاران عالی برخوردار بوده است. مزرعه ی مشهور پرورش اسب مزوهگایز در سال 1786 میلادی توسط امپراتور جوزف دوم تاسیس شد و به عنوان یکی از مراکز مهم پرورش اسب اروپا به کار خود ادامه داد. یکی از مهم ترین نژاد های پرورش یافته در این مرکز اسب فوربوزو بود که عمدتا از آمیزش اسب ترورد با مادیان مجارستانی تولید شد. در این مزرعه بیشتر از نریان ترورد انگلیسی و فوربوزو استفاده می شد و در نتیجه اسب مزوهگایز در سال 1841 میلادی و اسب انگلیسی دیگری به نام نورث استار به دست آمدند. اسب نورث استار در طول دهه ی 1850 میلادی به کشور انگلستان وارد شد. اسب مزوهگایز در اثر استفاده از این دو نژاد اسب های کاری و سنگین وزن سواری را تولید کرد. اسب نورث استار پدر اسب موفق مسابقه های یراق بندی و مالبندی بود. وی نواده ی واکسی و نوه ی اسب اکلیپس بزرگ بود. گفته می شود که منشا آن به اسب نورفوک استار بر می گردد. این امر موفقیت او را در مالبندی و یراق بندی توجیه می کند. در پایان قرن نوزدهم اسب نورث استار و فوربوزو با یکدیگر آمیزش داده شده و پس از آن به نیروی غالب و برتری تبدیل شد.

نژاد نانیوس

اسب نژاد نانیوس اندام ورزیده ای مانند اسب فویوزوی تکامل یافته دارد و در مزرعه ی مرکز پرورش اسب مزوهگایز که توسط امپراطور جوزف دوم تاسیس شد نگهداری می شود. بنیانگذار این نژاد اسب آنجلو نورمنی به نام اسب نانیوس سنیور بود. این اسب در سال 1810 میلادی اولین کره ی خود را به دنیا آورد در سال 1814 میلادی در فرانسه مورد استقبال اتریشی ها قرار گرفت و در سال 1816 میلادی در مزوهگایز مستقر شد. گفته می شود این اسب از نریان هیبرید انگلیسی و مادیان نورمن می باشد و به یقین اسب نورفوک روداستار در آن موثر بوده است. این نژاد اسب جذابی نبود و هیچ جایزه ای به خاطر فنوتیپ خود دریافت نکرد ولی در طول 16 سال حضور در دفتر انساب به پدر بسیار موفقی تبدیل شد. این اسب با مادیان نژادهای مختلف مانند عرب، لیبزانز، اسپانیایی و ترکیه ای و همین طور مجارستانی آمیزش داده شد و اسب های مناسبی تولید کرد. بهترین اسبهای تولیدی دوباره با وی آمیزش داده شدند. در این میان تیپ مجزایی پدید آمد که به اسب نانیوس شهرت یافت.

در طول دهه ی 1860 میلادی با استفاده از اسب ترورد هر دو نوع متفاوت از اسب ها پرورش یافت. نوع اول اسبی بزرگ، کاری و متناسب با کار سبک کشاورزی و نوع دوم اسبی کوچکتر و مناسب برای سواری بود. هر دو نوع اسب گام های فعال و خلق و خوی آرامی داشتند. امروزه همانطور که نیاز به اسب های مزرعه از بین رفته نوع بزرگتری از اسب نانیوس به وجود آمده که عمدتا برای سواری استفاده می شود مهارتی که در آن سوارکاران مجارستانی خیره هستند.

نژاد هانگرین هاف برد

در گذشته ی مجارستانی ها اقدام به پرورش اسبهایی با جثه ی کوچکتر می کردند. از دهه ی 1960 میلادی همزمان با این روند به پرورش و تولید اسبهای تفریحی و ورزشی روی آوردند. آنها برای تولید اسبهای متناسب با نیازهای روز اسبهای هانورین و هلشتاین برای آمیزش با اسبهای فوربوزو و گیلدران استفاده کردند. اسب گیلدران از هر جهت مانند اسب آنجلو عرب مجارستانی است و منشا آن به نریان عربی به نام گیلدران سنیور بر می گردد که در سال 1816 میلادی به مجارستان وارد شد. پسر اسب گیلدران یعنی گیلدران دوم با استفاده از یک مادبان اسپانیایی اصلاح و پایه گذار نژادی شد که نام آن را به همراه دارد. برای اصلاح این نژاد در ابتدا از مادبان های مختلفی استفاده شد ولی بعدها از نژاد ترابرد و سرانجام از اسب عرب استفاده شد. این آمیزش ها منجر به تولید اسبی مناسب برای چهار نعل گردید. این نژاد مهم در مرکز اصلی پرورش اسب مجارستان اسب هانگرین برد نامیده شد و در داری انگلستان در سال 1876 میلادی برنده شد.

هیبریدهای مجارستانی در ورزش گاری رانی بین المللی فور- این- هند موقعیت ویژه ای به دست آوردند جایی که نه تنها برای گاری ران های ماهر قدیمی بلکه برای چند ملت اروپایی دیگر به خصوص سوئیس و انگلستان هم مسابقه داده اند.

نژاد شاگیا

اسب نژاد شاگیا اسب عربی اصلاح شده در مجارستان و نواده ی نریانی به همان نام است. اسب شاگیا اسب اصلاح نژاد شده ی سوری بود که در سال 1830 میلادی کره ای به دنیا آورد و حدود شش سال بعد به مرکز پرورش اسب مجارستان در شهر بابلنا وارد شد. این اسب برای آمیزش با مادبان ممتاز استفاده شد ولی علیرغم این آمیزش ها نتایج حاصله به طور متمایزی شبیه اسب های شرقی شد. با به کار گیری روش آمیزش خویشاوندی اسب بابلنا نوع متفاوتی از اسب عربی را به وجود آورد که تا به حال دیده نشده بود.

اسب شاگیا نسبتا بلندتر و دارای جثه ای بزرگتر از اسب های عرب دیگر است ولی ظاهر کلی آن یعنی صورت زیبا، چشمان درشت، قسمت پشتی کوتاه و دم خوش تناسب آن دارای تمام خصوصیات اسب عرب خالص است. این نژاد با ترکیب خصوصیتی مانند قدرت، تحمل زیاد و زیبایی و ظرافت به عنوان اسب سواری پرورش داده شد. این اسبها امروزه برای اهداف سواری و تفریحی پرورش یافته است و به تعدادی از کشورها صادر می شوند.

دیگر نژادهای اسب

نژاد اندلسی

منشا اسب نژاد اندلسی ناحیه ی گرمسیر جنوب اسپانیا در نزدیکی آفریقای شمالی است. اسبهای بومی اسپانیا در زمان ورود سپاه اسلام به این کشور به پونی اولیه ی سورانی که هنوز هم در پرتغال یافت می شوند شباهت داشتند.

احتمالا این اسبها با اسبهای بارب متعلق به مسلمانان آمیزش های بسیاری انجام داده اند. در سال 1492 میلادی توجه کشور اسپانیا به جهان غرب و اسبهای آنجا معطوف شد. اسبهای اسپانیایی که فاتحان اسپانیایی در قرن 16 به آمریکا بردند برای اصلاح نژادهای جدید بسیار مطلوب بودند. اسب اسپانیایی در اروپا به اسب دلخواه پادشاهان و اربابان بزرگ سوارکاری مانند ویلیام کاوندیش و دوک نیوکاسل تبدیل شد. دوک نیوکاسل در قرن هفدهم نوشت اگر این اسب درست انتخاب شود بهترین و زیباترین اسب در جهان خواهد بود.

این اسب بسیار شجاع، مطیع و آرام است و در یورتمه، چهار نعل و تاخت و گام بسیار محکم و قوی عمل می کند. بسیار متواضع و دوست داشتنی و مناسب برای پادشاهان در نتیجه ی آمیزش این اسب با اسب تروربرد اسب پونی خوبی برای بازی چوگان ایجاد شد که سرعت لازم برای بازی های جدید را از اسب تروربرد گرفته بود.

نژاد پروین پاسو

پاسو (به معنی قدم) نژاد دیگری است که منشا آن اسبهای بارب و اندلسی است و توسط اسپانیایی ها به آمریکای جنوبی آورده شده است. اولین اسبها در سال 1532 میلادی توسط فرانسیسکو پیتز به پرو آورده شدند.

تصور می شود که طرز گام برداری جانبی در اسب نژاد پرووین پاسو میراثی از اسب جنت اسپانیایی است که این اسب نیز خویشاوند اسب تروتر قدیمی انگلستان می باشد. صفت حرکت جانبی در طول سالها حفظ شده و این اسب معمولا حرکت جانبی را به چهار نعل آهسته ترجیح می دهد. حرکت اسب پاسو با هر نژاد دیگری متفاوت است. در اسبهای دیگر اندام های حرکتی جلویی اسب به محض حرکت به بیرون قوس دارند ولی این اسب با اندام های حرکتی عقبی گام های بلند و صافی بر می دارد. این ترکیب جریان حرکت اندام های حرکتی جلو و قدرت کشیدن اندام های حرکتی عقبی اسب را هموار می کند. گفته می شود که این اسب قادر است با سرعت 24 کیلومتر در ساعت بدود و در مناطق صعب العبور به مدت طولانی و بدون خستگی گام برداری جانبی را حفظ کند.

این اسب کوچک جثه چاق و کوتاه به خاطر گام های استوار و توانایی رشد با جیره ی غذایی اندک و طبیعت مهربان خود شهرت دارد. این خصوصیات آن را برای مزارع بزرگ و مسافت های طولانی مناسب کرده است.

چگونه اسب را انتخاب کنیم



اسب‌هایی که اشکال اندام و یا اخلاقی دارند:

در چندین سال گذشته تولید اسب پیشرفت شایانی کرده است. اسب‌های ورزشی امروزه از کمیت قابل توجهی برخوردارند. علیرغم این نکات باید بدانیم که هیچ اسبی کامل نیست. همه آرزوی داشتن اسبی کامل داریم، ولی پیدا کردن آن چندان هم ساده نیست. هنر تربیت اسب پی بردن به توانایی‌های بالقوه اسب و پرورش آن تا حد ممکن است. باید بدانیم که چگونه و تا چه اندازه‌ای می‌توانیم به نقائص اخلاقی و اندامی اسب پی ببریم. این آگاهی نیاز به تجربه‌ای گران و کار کردن سال‌های متمادی با اسب‌های مختلف دارد.

باید بدانیم که تربیت هر اسب با اسب دیگر متفاوت و دارای راز و رمز خاصی است. ولی چهارچوب کلی آن همین اصول اولیه تربیت اسب است که درباره‌اش بحث کردیم. به هر حال روش‌هایی وجود دارند که درباره نحوه کار با اسب‌هایی که خوش اخلاق نیستند و نقصی در اندامشان وجود دارد، بحث می‌کنند. معنی این بحث این نیست که مبانی اصول اولیه نادیده گرفته می‌شوند بلکه علیرغم مشکلات، فقط ممکن است این اصول جابه‌جا شوند.

بد اخلاقی :

اسب با خصوصیات اخلاقی و اندام خاصی خود به دنیا می‌آید. با استفاده از اصول صحیح آموزش و محیط سالم می‌تواند اسب را برای سواری دادن به کار کشید. از طرف دیگر چنانچه روش آموزش و نگهداری غلط در پیش گرفته شود، نتیجه عکس آنچه گفته شد خواهد

بود. اصلاح مشکلات طبیعی اسب مشکل است. تجربه ثابت کرده است که علیرغم صرف وقت و تلاش مضاعف چنانچه موفقیتی مناسب به وجود آید مشکل نهفته خودنمایی خواهد کرد.

اسب عصبی :

این گونه اسبها در روبرو شدن با موقعیت‌های غیرمعمول از قبیل صدای غریب، و حرکت‌های سریع و یا پرچم رم می‌کنند: این گونه اسبها در اثر کار دقیق و نگهداری صحیح و حوصله آرام می‌شوند. اگر اسب در حرکت عصبی است و یا از اشیاء روی زمین رم می‌کند، کار بسیار مشکل خواهد شد. تجربه من نشان داده که این گونه اسبها هرگز کاملاً آرامش پیدا نمی‌کنند. مربی فقط باید محدودیت‌ها را در نظر بگیرد و برعکس حساسیت‌های زیادی و یا عصبیت‌های خاصی می‌تواند مورد استفاده قرار بگیرد. خود من ترجیح می‌دهم با اسبی سرحال، اگر چه کمی عصبی و نگران کار کنم تا اسبی تنبل. اسب عصبی برای سوارکاری با حوصله بدون حرکت اضافه و آرام روی اسب، هدیه‌ای آسمانی است. چنین اسبی کمترین اثرها را نیاز دارد و سوار هم که آرامش خود را روز او حفظ می‌کند و زمانی می‌رسد که اسب اثر ساق را پذیرفته و به جلو رانده می‌شود. در این بازی برنده سوارکار با حوصله است ولی سوار کار بی‌حوصله هیچ‌گاه نباید اسب عصبی سوار شود.

اسب تنبل :

اسب تنبل سوار را به جنون می‌کشد. در ابتدا می‌بایست پی‌برد که اسب ذاتاً تنبل است یا این که دلالتی باعث این تنبلی است. به عنوان مثال، ممکن است اسب به آمادگی مطلوب نرسیده باشد. مثلاً چاق یا لاغر باشد، بیمار بوده و یا اثرهای سوار را نمی‌فهمد. بهتر است اسب تنبل را همراه با اسبی چالاک به صحرا ببریم. اگر او همچنان میل به حرکت نداشت، سوار اثرها را قوی‌تر کند. و در موقع مناسب او ضربات مقطع و شدید شلاق را به کار خواهد گرفت و اگر اسب به جلو پرید باید او را نوازش کرد. این تمرین باید تا آن جا که تکرار شود تا اسب منظور سوار را دریافته به سادگی به اثرها جواب دهد. مهم این است که سوار اسب را به حرکت به جلو وادار کند. او می‌بایست این فشارها را به مرور کاهش دهد تا اسب را نسبت به آنها بی‌تفاوت نشود.

اسب کله شق :

این گونه اسبی قادر به تحرک و اعمال قدرت است و مایل نیست آنها را در خدمت سوار کار بی‌تفاوت بگذارد. و نکته این جاست که اسب پی‌برد سوار آنقدرها خبره و مصمم نیست. اسب به سرعت به این موضوع پی‌برده و سردست می‌زند و مشکل بتوان این حرکت را از سرش انداخت. برای حل این مشکل سواری مورد نیاز است که به زین چسبیده و بدون این که اسب اجازه نافرمانی بدهد او را به جلو هدایت کند. به محض اطاعت اسب سوار باید او را نوازش کرده و اطمینان اسب را جلب کند. به محض این که سوار احساس کند اسب

می‌خواهد رم کند و یا سردست بزند، باید یکی از دست‌جلوها را کشیده و مانع حرکت او شود و دقت کند که حرکت طولانی نباشد، چه ممکن است اسب روی سوارکار بغلتد.

نامتناسب بودن اندام :

امروزه اسب‌هایی که دارای مشکلاتی در اندام هستند به ندرت برای فروش به عنوان اسب ورزشی ارائه می‌شوند. اگر این عدم تناسب فقط مربوط به ضعف دست و پاها و مفاصل باشد، با مراقبت و پیگیری و حفاظت می‌توان این نقاط ضعیف آنها را همراه با پرورش سایر اندام‌ها پروراند. البته گفتن این مطلب بسیار ساده و عمل آن بسیار مشکل است.

نامتناسب بودن گردن :

امروزه این اسب‌ها کمتر برای فروش ارائه می‌شوند. اگر علاوه بر نامتناسب بودن گردن فک پایین هم سنگین و بزرگ باشد، احتمال درست کردن چنین اسبی خیلی ضعیف است. بزرگی و سنگینی فک پایین به اسب اجازه نمی‌دهد به آبخوری شود. چرا که استخوان بزرگ فک پایین روی گردن فشار آورده و اجازه فعالیت را از آن می‌گیرد. من پیشنهاد می‌کنم با چنین اسبی کار نشود.

بعضی از اشکالات گردن مثل شکستگی از مهره سوم ناشی از دست‌های خشن سوارکار است، به هنگام تربیت اسب جوان یا اسبی که در اثر بدسواری خراب شده است، باید پیرو همان اصولی بود که اسب از عقب به جلو درست می‌شود، نه این که روی سر و گردن او فشار آورده و آنها را از کار بیاندازیم.

اسب‌هایی که دارای گردن قوی ماندنی هستند معمولاً برقرار تماس با دهان آنها مشکل است. برای تربیت این گونه اسب‌ها باید تلاشی مضاعف داشت و برنامه آموزشی طولانی مدت و سخت از جهت سوارکار - برای آنها در نظر گرفت. و اگر قصد داشته باشیم آنها را زود به بهره‌برداری برسانیم موجب شکستن گردن از مهره سوم می‌شویم. وقتی که اسب سرو گردن خود را جلو و پایین کشیده به دنبال آبخوری می‌رود می‌توان آموزش او را ادامه داد. اگر از اسبی با این خصوصیات خیلی زود بخواهیم سرو گردن را افزاشته کند، عضلات ناحیه جدوگاه او لقا تر شده و دیگر اصلاح نمی‌شود.

این نوع گردن انعطاف‌پذیر است می‌تواند آن را جمع کرد و یا به طرفین انحناء داد که باعث جابجائی گردن شده و شانه خارج را به طرف خارج متمایل می‌کند. راندن این گونه اسب‌ها به جلو بسیار مهم است. اگر اسب آبخوری را قبول نمی‌کند، آبخوری کلفت‌تری استفاده کنید. در حرکت روی قوس‌ها اثرهای دست و وزن و پای خارج قوی‌تر باشند. برای ریشه‌کنی این نقیصه باید عضلات زیرین گردن را قوی کرد و با راندن اسب به جلو و واداشتن او برای کشیدن سرو و گردن به جلو و پایین این امر میسر است.

گردن گوزنی :

عضلات زیرین این گونه گردن بسیار بزرگ هستند. برای اسبی این چنین کشیدن گردن بسیار مشکل است. باید عضلات زیرین گردن را آب کرده و عضلات بالائی را پرورش دهیم و می‌توان اسب را با بغل بندهایی که پایین‌تر بسته شده‌اند و یا تعلیمی ثابت که سر او را پایین نگه می‌دارد سوار شد. این گونه اسبها کمر منقبض دارند. کار روی کاوالتی و پرشهای ژیمناستیکی برای نرم کردن کمر آنها بسیار مفیداند.

شکل غلط کمر :

اسب‌هایی که طول کمر آنها - کوتاه یا بلند - غلط است همواره از آن دسته‌ای نیستند که برای کار مشکل داشته باشند. اسب‌هایی که کمر آنها بلند است معمولاً خوش سواری هستند. اگر عضلات کمر آنها بین جدوگاه و تهی‌گاه به خوبی پروراند شده باشند، مشکلی برای کار نخواهند داشت و برعکس کمر بلند و نرم مزیتی است برای تربیت او. به هر حال اگر کمر آنقدر بلند باشد که پاها نتوانند خود را به مرکز ثقل برسانند، طول گام‌ها کوتاه شده و این گونه اسبها برای درساژ مناسب نیستند، ولی برای پرش و سه روزه مناسب‌ترند، چرا که در صورت ارتکاب اشتباهی، از کمر خود به عنوان ستونی متعال کننده کمک می‌گیرند. باید به هنگام شروع آموزش چنین اسبی در نظر داشت که، کمر بلند را نمی‌توان با آموزش کوتاه کرد، فقط می‌توان با نیم توقف و حرکت‌های انتقالی متوالی در تمرین‌ها شلنگ‌های او را کشیده‌تر کرد.

کمر کوتاه :

بدیهی است که پای این گونه اسب‌ها به راحتی به زیرآمده و تجمع آنها ساده‌تر است. از طرف دیگر آنها همواره با مشکل کمر مواجه‌اند. کمر کوتاه نیازمند گردن بلند است تا به نرمش آن کمک کند. اگر طول گردن اسب بلند نباشد در عمل مشکل بتوان پاهای اسب را به زیر کشید. این گونه اسب‌ها خوش سواری نیستند. اسب‌های کمر کوتاه فقط زمانی به حداکثر توان ورزشی می‌رسند که سوار توجه خاصی به تمرین‌های به جلو و پایین کشنده مبذول کرده و دست‌های بسیار نرمی داشته باشد.

اسبی که عقبش بلندتر از جلوست :

از آن جا که اسب‌های جوان هنوز به کاملترین مرحله رشد نرسیده‌اند، معمولاً عقبشان بلندتر از جلویشان است و در نتیجه وزن روی دستهایشان می‌افتد. اگر پس از رشد کامل این نقیصه برطرف نشود این چنین اسبی برای درساژ مناسب نیست. برای پرش نمی‌توان آن را نقص به حساب آورد، چرا که اسب‌های «هالاوآلا» «برنده مدال‌های المپیک شده‌اند.

در تمرین‌ها نباید از این اسبها خواسته شود که در زمان طولانی با سر پایین و کشیده حرکت کنند، حتی در زمان استراحت هم باید برای حفظ تعادل سرو گردن را کمی بالاتر بگیرند.

کپل‌های افتاد یا بزرگ کپل :

زاویه مفاصل خرگوشی این گونه اسب‌ها حاده است و نمی‌توان آنها را آنقدر پرورش داد که قوی شده و نهایت فعالیت را داشته باشند. آنها مناسب پرش نیستند و برای درساژ هم باید با احتیاط به طرف آنها رفت. این چنین اسب‌هایی، پاهای خود را به راحتی به زیر می‌کشند ولی فشار مضاعفی روی کمر خود وارد می‌کنند که مشکل زاست. آنها را همواره باید با قدرت و حداقل تجمع به جلو حرکت داد.

نقص در پاها :

آموزش این اسب‌ها محتاطانه است. سوار کار باید چگونگی کار با این اسب‌ها را دقیقاً برنامه‌ریزی کرده باشد. هر دو نقیصه به یکسان فشار بیش از اندازه بر روی مفاصل خرگوشی وارد می‌کنند.

هر دو گونه باید تمرین‌های تجمعی محدود داشته باشند. تجربه به من نشان داده که با اسب مفصل گاوی می‌توان بیشتر کار کرد، چرا که فرسایش این نوع مفاصل کمتر از بقیه انواع مفاصل خرگوشی هستند.

با تمرین‌های روی دو محور و شانه به داخل می‌توان تعادل برقرار کرد، اما مشکل بتوان به درجاتی از موفقیت اطمینان داشت. در جایی که می‌توان با اسب سالم کار کرد، بهتر است از کار کردن یا خریدن اسب‌هایی که مشکل اندامی و اخلاقی دارند بپرهیزیم.

استانداردهای محل نگهداری اسب



محل نگهداری اسب :

اصطبل از آنجائی که اسب بیشتر اوقات شبانه روز را در اصطبل بسر می برد محل نگهداری او باید دارای شرایط زیر باشد :

-آفتابگیر باشد ، تا هم خود اسب و هم محیط اطراف او در معرض تابش نور خورشید بوده و در معرض امراض ناشی از عدم تابش نور قرار نگیرد. اسب بطور مداوم خود را تخلیه میکند و محیطی مناسب برای رشد و نمو میکروبها بوجود می آورد و میکروب امراضی از قبیل کزاز در محیط آلوده اصطبل بدون نور آفتاب ، براحتی زندگی می کنند.

-دارای فضای کافی بوده تا اسب براحتی در آن گردش کرده و بخوابد و بلند شود . اسبها در صورت احساس امنیت و داشتن فضای کافی براحتی می خوابند

-حرارت ثابتی داشته باشد

-دیوارهای آن از مصالحی ساخته شده باشد که در اثر سایش اندامهای اسب با آنها ، او را زخمی نکند

-آخورها و کف آن قابل شستشو باشد و هر چند روز یکبار بخصوص آخورها ، تمیز شوند . بستر نرم و پوشیده از کلش یا خاک اره باشد تا براحتی قابل حمل و نقل بوده و هر چند روز یکبار تعویض شوند

-درب و یا دربها به اندازه کافی فضا برای ورود و خروج اسب داشته باشند

-حصارهای بین اتاقکها طوری تعبیه شوند که اسبها براحتی یکدیگر را دیده و از مصاحبت با یکدیگر لذت ببرند

مزرعه ، پادوک یا مرتع: اسبها باید مدتی آزادانه در مرتع ، مزرعه ، پادوکها رها باشند . گذشته از علف که غذای طبیعی اسب است ، وقت گذرانی در محوطه باز به او آرامش می دهد . بعضی از اسبها به طور دائم آزاد هستند و برخی به تناوب ، هفته ای یا ماهی را آزادانه سر می کنند . اسبهای درون اصطبلی که تمام مدت هم زیر فشار کار هستند معمولا تعطیلات خود را در محوطه آزاد می گذرانند . مهم نیست اسب چه مدت آزاد باشد ، مهم این است که اطمینان داشته باشیم حصار محوطه ای که در آن رها شده ایمن است .

آنچه را که باید در فضای آزاد مد نظر داشت ، قبل از آنکه اسب را رها کنیم نکاتی زیر است :

حصار اسب :

دو نکته اساسی در رابطه با حصار وجود دارد ، اول اینکه به اسب آسیب نرساند ، دوم امکان فرار نداشته باشد . حصاری که به درستی تعبیه نشده است ، اسب را به مخاطره انداخته ، به او آسیب هم می زند . هر حصار نا امنی ممکن است باعث شود تا اسب با پریدن از روی آن ، شکستن آن یا فشار و پائین کشیدن آن ، فرار کند .

حصارهایی که پایه های عمودی و اتصال های افقی چوبی دارند .

این نوع حصارها گرانترین و بهترین نوع حصار محسوب می شوند . در این نوع حصارها دو یا سه نرده روی دو پایه نصب می شوند . این نوع حصارها پس از نصب باید به درستی نگهداری شده و هر پایه یا نرده شکسته بلافاصله ترمیم و یا جایگزین شود . چوب های این نوع حصار باید ایزوله شوند تا در مقابل هوا و جویدن اسب مقاومت کنند .

پایه های چوبی و سیم :

هزینه این نوع حصارها کمتر است . ممکن است ردیف بالا را نرده چوبی استفاده کرد و یا سه یا چهار ردیف سیم از روی هر پایه عبور داد . سیم ها باید به خوبی کشیده شده و روی هر یک از پایه ها محکم شوند . ارتفاع سیم ردیف زیرین از زمین در حدود 45 سانتیمتر است تا

اسب نتواند دست و پای خود را از زیر رد کرده و گیر بیفتد. اگر ارتفاع سیم زیرین بیش از حد باشد، ممکن است اسب سر خود را هم از زیر آن رد کند.

حصار های الکتریکی :

این نوع حصارها بیشتر برای تفکیک استفاده می شود و زمانی کاربرد دارد که اسب از وجود آن آگاه بوده و به عملکرد آن پی ببرد. در این نوع حصارها احتمال خطر برای انسان و بخصوص اطفال وجود دارد. بهترین روش نمایان کردن چشم انداز آنست که در فواصلی علامتی از پارچه یا پلاستیک به آن وصل می کنند.

درختچه :

این نوع حصار باید به اندازه کافی انبوه باشد تا امکان فرار را از اسب بگیرد و در عین حال باید در تعبیه درختچه هائی استفاده کرد که سمی نبوده و تیغ و خار آنها اسب را به خطر نیاندازد. از این نوع حصارها بعنوان سرپناه هم می توان استفاده کرد.

دیوار :

عرض و ارتفاع این دیوارها باید طوری باشد که هم جلوی پریدن اسب از روی آنها را گرفته و هم در اثر لگد زدن نریزد.

حصارهای نامناسب عبارتند از :



حصارهای توری

این نوع حصارها اسب را ترغیب می کنند که دست یا پای خود را داخل آن فرو کرده و گیر بیفتد.

ویا حصارهایی که پایه های نرده مانند نوک تیز دارند و نرده های آن هم سیمی است ، سرهای نوک تیز پایه های این نوع حصارها اسب را زخمی میکنند .

سیم خاردار

از این نوع حصارها در اغلب مراتع استفاده می شود . اگر اسب خود را برای خاراندن به خارهای این سیم بمالد زخمی می شود . اگر از این نوع حصار استفاده کردید باید از استحکام سیم ها بطور دائم اطمینان داشته باشید. سیم ها باید محکم و کاملا کشیده شده باشند . اگر سیم از جای خود رها و آزاد شود ، به دو ردست و پای اسب پیچیده و آن را به شدت زخمی می کند. اطراف خارجی حصار هم باید بطور دائم مراقبت شود تا علوفه در دسترس اسب به هنگام کشیدن سرش به بیرون برای چریدن آنها سمی نبوده و آسیب رسان هم نیستند. هر نوع نارسائی در حصار باید به فوریت برطرف شود.

دروازه

دروازه باید به اندازه کافی عریض باشد تا اسب ها و خودروها به راحتی از آن عبور کنند و همواره در شرایط مناسب باشد تا در استفاده از آن به زحمت نیفتیم . دروازه باید طوری تعبیه شود که انسانها به عبور از روی آن تشویق نشوند . اینگونه دروازه ها گاهی از لولا و یا از جا در رفته غیر قابل استفاده می شوند . چفت ها باید بالا و پائین تعبیه شود تا در لنگر نیاندازد.

موقعیت قرار گرفتن درب ورودی برای دسترسی بسیار اهمیت دارد. درب ورودی که رو به جاده ای پر رفت و آمد تعبیه شده چندان قابل توجه نیست. برای عبور و مرور اسبها ایجاد خطر کرده و دزدی اسب را هم ساده تر می کند.

دسترسی به درب ورودی باید راحت، ساده و دارای امنیت کافی باشد.

تغذیه اسب

اسبی که تشنه و یا گرسنه است و یا بد تغذیه می شود هیچگاه به درستی سواری نمی دهد. غذا باید دارای دو خاصیت عمده باشد، حرارت بدن اسب را ثابت نگهدارد و انرژی لازم را برای زنده ماندن در درجه اول و سپس کارهای اضافه خواسته شده او را تامین نماید.

غذا باید متناسب با کار و سن و وزن اسب بوده و تامین کننده نیازهای رشد و انرژی او باشد. (برای اسبی با متوسط 10 سال سن و 160 سانتی متر قد و 400 کیلو وزن که در روز بین دو تا چهار ساعت کار می کند 4 کیلو خوراک و 4 کیلو جو کافی است. آب تمیز و بهداشتی همواره باید در دسترس اسب باشد. مگر به هنگام خستگی زیاد و یا عرق دار بودن بدن.

آب 60٪ وزن بدن را تشکیل می دهد و عامل جذب غذاست، 78 تا 82 درصد از خون را تشکیل می دهد. حرارت بدن را تنظیم و به دفع مواد زاید کمک می کند معده اسب نسبت به جثه او کوچک بوده و به تعدد دفعات غذا به مقدار کم به او فرصت هضم آسان و راحت تر را می دهد.

غذا باید حاوی مواد ازته، چربی، مواد هیدرو کربنه، مواد معدنی و ویتامین ها باشد. که انواع صیفی (یونجه، شبدر، ذرت) غلات (جو، چاودار) و میوه ها تامین کننده نیازهای حیاتی اسب می باشند.

پر خوری و یا کم خوری هر دو زیان آور هستند.

نکاتی در مورد تغذیه اسبهای که در مرتع و یا پادوک هستند :

اسبهای که در طول فصول سرد در مرتع به سر می برند باید تغذیه اضافی داشته باشند . گله عادت دارد در اطراف دروازه ها و هر جایی که خوراک باشد تجمع کند که این خود موردی است برای جنگ و دعوا.

برای به حداقل رساندن این موارد باید به نکات ایمنی زیر توجه داشت :

-به تعداد اسبها باید ظروف خوراک تعبیه شود که بهتر است یک ظرف هم اضافه باشد تا از سرشاخ شدن آنها با یکدیگر جلوگیری کند.

-ظروف خوراک هرچه بیشتر از هم فاصله داشته باشند.

-بسته های علوفه هم تا حد ممکن از یک دیگر دور باشند.

-تعداد بسته های علوفه بیشتر از تعداد اسبها باشد.

-تغذیه یکی دو اسب در داخل گله ایمن تر است تا آنها را جدا کرده و در محل دیگری تغذیه کنیم.

-هرگز با ظرفی مملو از خوراک میان گله اسبها نروید.

-علوفه های سمی متنوعی وجود دارند که خوردنش برای اسب کشنده است و می بایست هرگونه گیاه سمی در اسرع وقت از مرتع و

اطراف حصارها تا آنجا که ممکن است جمع آوری و نابود شود.

-اگر مدیریت نگهداری و مراقبت مزرعه ، پادوک و یا مرتع قابل قبول باشد ، محیطی امن آرام و ساکت برای آرامش و چرای اسبها آماده

کرده اید.

یکی از قسمت های مهم اسب دم آن است

بالا و پایین رفتن دم اسب در واقع شبیه به بالا و پایین رفتن سوزن روی صفحه یک دستگاه هیجان سنج است. دم بالا به معنای هوشیاری

– فعالیت و سرشاری است. دمی که به پایین افتاده، می تواند حاکی از خواب آلودگی، خستگی مفرط . درد، ترس شدید یا تسلیم و اطاعت

باشد.

بالا و پایین رفتن دم اسب در واقع شبیه به بالا و پایین رفتن سوزن روی صفحه یک دستگاه هیجان سنج است. دم بالا به معنای هوشیاری - فعالیت و سرشاری است. دم که به پایین افتاده، می تواند حاکی از خواب آلودگی، خستگی مفرط، درد، ترس شدید یا تسلیم و اطاعت باشد.

علت این امر این است که هر چه که اسب به سرعت خود در پیشروی می افزاید مجموعه عضلانی ضد قوه ثقلش بیشتر به فعالیت در می آید. این عضلات در بالا جستن و پیش رفتن به او کمک می کنند و بالا رفتن دم هم جزئی از کل این فعل و انفعالات است. هنگامی که اسب از سرعت خود می کاهد و یا به اصطلاح ترمز می کند، عکس این ماجرا اتفاق می افتد و دم به طرف پایین فشرده می شود. این ارتباطات قدیمی «پاشو، برو» و «بشین، صبر کن» به صورت استعاره گرفته شده اند تا علائم ویژه ای را برای زبان بدن اسب فراهم سازند یک اسب ممکن است دمش را صرفاً به عنوان یک علامت بالا و پایین ببرد بدون اینکه حتی بدنش را تکان دهد.

برای مثال یک اسب جوان سرکش ممکن است به اسب دیگر نزدیک شود و با پرتاب کردن دمش به طرف بالا روی پشتش تا حد امکان آمادگی خود را برای بازی نشان دهد. در واقع به هنگام آغاز بازی خمیدگی دم به طرف بالا و پشت تا این درجه شدت می یابد که دم گاهی کاملاً بر روی پشت خم می شود. این علامت دعوت برای بازی، بلافاصله توسط اسب جوان مقابل، درک شده و بازی به سرعت آغاز می گردد. نکته اصلی در اینجا این است که در لحظه دم بالا گرفتن اسبی که بازی را پیشنهاد می کند، حتماً در حال سرعت گرفتن نبوده است و حتی ممکن است که به حالت استراحت و ایستایی بوده باشد. در اینجا اصطلاح «پاشو، برو» به زبان اسبی مبدل شده به «پاشو با هم بریم» و حرکت دیگر در اثر سرعت گیری نیست بلکه نمادی از آن است. در واقع این حرکت به معنای درخواستی برای سرعت گیری است: «بزن بریم با هم بازی کنیم». در یک طریق مشابه دم ممکن است توسط اسبی که در حال ایستایی است برای گفتن اینکه، «من خسته و بی حالم، تسلیم تو هستم، رئیس تویی» به طرف پایین بیفتد. در حالت ترس شدید از یک اسب دیگر، یک اسب ممکن است حتی دمش را کاملاً به قسمت میان دو کپش بچسباند. درست شبیه به یک سگ که گاه دمش را میان دو پایش می برد. اگر یک اسب بسیار پرخاشگر یا عصبی باشد، یک علامت دیگر سفت شدن قسمت تحتانی دم به گونه ای است که بیش از اوقات معمول از پشت اسب بیرون می زند، درست مثل یک میله پشمالو.

در تماسهای جنسی دم نریان و مادیان هر دو به خاطر هیجان آن لحظه به طرف بالا نگاه داشته می شود ولی یک اختلاف کوچک وجود دارد و آن این است که دم مادیان به عنوان ک دعوت جنسی کمی به طرف جانبی و درعین حال به طرف بالا نگاه داشته می شود.

علاوه بر علائم بالا و پایین دم، حرکات سریع شلاقی در جهات نیز وجود دارد. منشاء اینگونه حرکات ناراحتی و حساسیت حیوان است که در اثر حشرات و سایر جانوران فوری به وجود آمده است. در اینگونه موارد دم در واقع به منزله یک مگس کش به کار می رود ولی زبان بدن اسب این عمل اجدادی را برای استفاده در برخوردهای اجتماعی غرض گرفته است. اسبی که مضطرب، مستاصل یا گیج است ممکن است دمش را به این طرف و آن طرف تکان دهد اول به صورت جانبی بعد عمودی و سپس به صورت نیم دایره که به این وسیله ناراحتی

خو رانشان می دهد . در این حال در واقع مگسی وجود ندارد که او را بیازارد و این ناراحتی او بیشتر روانی است تا جسمانی. در مسابقات درساژ اینگونه دم تکان دادن که آن را اصطلاحاً مقاومت گویند می تواند منجر به از دست دادن نمره شود.

به عبارت دیگر این امر به منزله علامتی است که اسب در پوستش راحت نیست و بنابر این به خوبی توسط سوار کارش آماده نشده است یا اینکه نمی خواهد از اثرات سوارکارش پیروی کند.

وقتی که اسب به طور خاصی عصبانی است ممکن است این حالت خود را با زیاد کردن قدرت حرکت شلاقی دم بیان کند، به طوریکه ضربه ها آنقدر قوی می شوند که موهای دم مثل شلاق در هوا صوت کشیده و اگر با پوست انسان برخورد کنند، می توانند موجب جراحت شوند. ضمناً در این حالت ممکن است که اسب دمش را به طرف بالا برده و بعد به صورت یک کشیده به پایین بزند. رفته رفته که اسب عصبانی تر می شود علائمی از این قبیل اغلب مبشر یک لگد وحشیانه هستند. در بعضی از کشورها استفاده غیر قانونی از شلاقهایی که می توانند شک الکتریکی وارد آورند موجب یک واکنش شدید دم می شود. وقتی با اینگونه شلاقها ضربه ای به اسب وارد می آورند حیوان قائده دمش را سفت کرده، دمش را به صورت یک دایره سریع می چرخاند بعد آن را در هوا بلند کرده و محکم بر روی کپل فرود می آورد.

تمام این اعمال در فاصله یک ثانیه انجام می گیرد ولی علامت گویایی است از اینکه یک عمل غیر قانونی به حیوان وارد شده است.

یک نوع تقلب عجیب و غریب هم در مورد اسبهای بلند گام "Tennessee Walker" کشف شده است که ممکن است دم اینگونه اسبها که غالباً مورد انواع خشونت قرار می گیرند قطع شده و یک دم مصنوعی روی سمبه آن قرار داده شود، صرفاً به این خاطر که قیافه شاد و پر تحرک به آنها داده شود. گاهی اوقات به جای این کار یک قطعه زنجفیل در مقعد اسب بیچاره فرو می کنند تا همین حالت به صورت مصنوعی در او ایجاد شود.

تعیین سن اسب ها از روی دندان ها

سن یک اسب را می توان از روی نیمرخ یا قطع عمودی تمام دندانها و ویژگی های اختصاصی دندانهای ثنایا تعیین کرد.

اسب دارای یک ردیف دندان ثنایا در فک بالا و پایین خود است. 4 دندان وسط 2 دندان در بالا و 2 دندان در پایین ثنایای مرکزی نام دارند. 4 دندان بعدی که هر یک در طرف ثنایای مرکزی قرار دارند ثنایای میانی نامیده می شوند و 4 دندان آخری ثنایای گوشه نام دارند. و پهلوی ثنای میانی قرار گرفته اند. 4 دندان انیاب یا دندان نیش در سن 5 سالگی در فاصله بین دو دندان در تمام اسبهای نر و برخی اسبهای ماده ظاهر می شود. دو دندان انیاب در فک بالا و دو دندان دیگر در فک پایین قرار دارند.

حالات مختلف گوشهای اسب

سن یک اسب را می توان از روی نیمرخ یا قطع عمودی تمام دندانها و ویژگی های اختصاصی دندانهای ثنایا تعیین کرد.

اسب دارای یک ردیف دندان ثنایا در فک بالا و پایین خود است. 4 دندان وسط 2 دندان در بالا و 2 دندان در پایین ثنایای مرکزی نام دارند. 4 دندان بعدی که هر یک در طرف ثنایای مرکزی قرار دارند ثنایای میانی نامیده می شوند و 4 دندان آخری ثنایای گوشه نام دارند. و پهلوی ثنای میانی قرار گرفته اند. 4 دندان انیاب یا دندان نیش در سن 5 سالگی در فاصله بین دو دندان در تمام اسبهای نر و برخی اسبهای ماده ظاهر می شود. دو دندان انیاب در فک بالا و دو دندان دیگر در فک پایین قرار دارند.

نکاتی در مورد کار کردن با اسب

جان لیون می گوید: "اول ایمنی سوارکار، بعد ایمنی اسب، بعد هم بقیه مسائل."

چه بخواهید برای اولین بار با اسبی کار کنید و چه بخواهید فقط پشت نرده ها بایستید و تماشا کنید، باید نکاتی اساسی را بدانید تا بتوانید از خطرات و اتفاقات احتمالی جلوگیری کنید.

حتی آرام ترین اسبها و کوچکترین پونی ها هم اگر بترسند یا وحشت کنند می توانند به شما آسیب برسانند.

توصیه هایی که در اینجا ارائه می شود می تواند به شما کمک کند تا در هنگام کار با اسبها لگد نخورید، پایتان زیر سم اسب له نشود، اسب شما را گاز نگیرد، از اسب تنه نخورید یا اسب از دستتان در نرود. اگر تازه کار باشید، ممکن است سختتان باشد که همه این توصیه ها را به خاطر بسپارید. اما کم کم همه اینها جزء عادتهایتان می شود؛ درست مثل نگاه کردن به هر دو طرف خیابان وقتی می خواهید از آن رد شوید.

اسب به عنوان یک حیوان آزاد، توانایی واکنش سریع و فرار از خطرات را دارد که برای زنده ماندن او در طبیعت وحش نقش حیاتی دارد. این غریزه در حیوانات اهلی همچنان قدرتمند باقی می ماند. بنابراین انتظار واکنش های این چینی را داشته باشید.

- برای نزدیک شدن به اسب همیشه باید از جلو و یا زاویه 14 درجه نزدیک آن شد و آن را نوازش کرد اگر مجبورید از پشت به اسب نزدیک شوید با سوت زدن و صداکردن اسب آن را متوجه خود کنید در غیر اینصورت ممکن است اسب به شما لگد بزند. بهترین مکان برای نوازش کردن اسب شانه و پیشانی اوست، به هنگام نوازش کردن پیشانی اسب هیچگاه دست خود را زیر چشم اسب نگه ندارید زیرا این کار اسب را عصبانی کرده و ممکن است شما را گاز بگیرد. هیچگاه با دویدن و یا فریاد زدن نزدیک آن نشوید، همیشه با آرامش کامل به اسب نزدیک شده و با صدای آهسته با او صحبت کنید.

- توی زمین: آرام و ساکت باشید. حرکات ناگهانی ممکن است باعث شود اسب بپرد (به سمت پهلو) یا لگد بزند.

- بی خطر ترین روش برای راه بردن اسب، استفاده از افسار و طناب است. هیچ وقت انگشتان را در بندها، حلقه ها و یا دهنه اسب قلاب نکنید. اگر اسب خودش را کنار بکشد، ممکن است انگشت شما در آن گیر کند و آسیب ببیند یا دستتان طوری گیر کند که اسب شما را با خودش بکشد.

- هیچ وقت درست پشت اسب نایستید. اگر می خواهید دم اسب را تمیز کنید، یک طرف اسب بایستید و آرام دم اسب را بگیرید.

- وقتی دارید سم های اسب را تمیز می کنید یا برایش بانداژ پا می بندید، به صورت چمباته یا روی زانو ننشینید. طوری خم شوید که اگر اسب خواست حرکت کند بتوانید فوری از سر راه او کنار بروید.

- به هیچ وجه بند لنج، طناب دهنه یا افسار اسب را دور دست یا هر جای دیگر از بدنتان گره نزنید. اگر اسبتان خودش را کنار بکشد، ممکن است شما را هم با خودش بکشد.

- همیشه با سطل یا ظرف به اسب غذا بدهید. اسبها ممکن است خیلی زود برای خوردن غذا حریص شوند و انگشت شما را با هویج اشتباه بگیرند.

- کفش های محکم یا چکمه های سوارکاری بپوشید تا اگر اسب اشتباهی روی پای شما رفت، پایتان آسیب نبیند. هیچ وقت در باشگاه سوارکاری صندل یا کفش های نازک پایتان نکنید.

- وقتی طناب اسب را به جایی گره می زنید از گره آسان استفاده کنید تا اگر اسبتان ترسید و خودش را محکم کشید، زود باز شود. احساس در بند بودن باعث می شود اسب آنچنان وحشت کند که به خودش یا شما آسیب بزند.

- بی خطر ترین موقعیت برای ایستادن کنار اسبتان، نزدیک شانه های اسب است، جایی که بتوانید همدیگر را ببینید، در غیر این صورت بیشتر از سه متر از او فاصله بگیرید.

- موقعی که دارید اسب را تیمار می کنید، زین او را می بندید یا اصطبل را تمیز می کنید، اسب را ببندید. اسبی که رها باشد می تواند باعث خرابی شود. و هیچ وقت اسبتان را بسته ترک نکنید و قبل از رفتن بازش کنید.
- وقتی دارید با اسب از در خارج می شوید، مطمئن باشید که در کاملاً باز است و اسب در موقع خروج به خودش آسیب نمی زند. باز بودن در ممکن است باعث رم کردن اسب شود و در نتیجه اسب شما را هل بدهد یا به شما لگد بزند.

آیا اسب تان را درست لنج کرده اید؟

لنج کردن اسب به شما این امکان را می دهد که تنوعی در کار با اسب ایجاد کنید. از آنجا که لنج کردن اسب را می توان سواری با "کنترل از راه دور" دانست، لنج کردن بخشی مکمل در روند تربیت اسب به شمار می رود.

شما می توانید در هنگام لنج کردن اسب حرکت او را از چند متری به خوبی مشاهده و بررسی نمایید. روش های متعددی برای لنج کردن اسب وجود دارد که هر یک دارای مزایا و معایب مخصوص به خود است، اما هدف نهایی در همه آنها تربیت اسبی راضی، سخت کوش و مطیع خواهد بود.

تربیت اسب در حین لنج کردن بر اساس اصول تربیت اسب از زیر زین (غیر سوار بر زین) صورت می گیرد. با این حال شما باید نحوه ی لنج کردن را یاد بگیرید، درست مثل زمانی که شیوه ی سواری را یاد گرفتید. هنگامی که به لنج کردن اسب مشغولید باید یک مربی مجرب از بیرون دایره شما را تحت نظارت داشته باشد. لنج کردن تنها با تجربه ی عملی قابل یادگیری است، و بهتر است با اسب های مختلف تمرین شود و اشتباهات احتمالی به مرور اصلاح گردد.

تجهیزات مناسب

لنج کردن اسب نیز درست مانند سواری نیاز به تجهیزات و وسایل مناسب دارد، و داشتن آمادگی قبلی برای موفقیت در کار لنج اسب حائز اهمیت است.

بند لنج

طول بند لنج باید حداقل 8.50 متر باشد، به طوری که بتوانید اسب را در یک دایره بزرگ لنج کنید. لنج کردن در دایره های کوتاه باعث می شود به پاهای اسب فشار بیاید.

جنس بند لنج بهتر است از کتان (نخی) باشد، و لبه های تیز نداشته باشد. بند لنج های کشسان همانقدر برای لنج کردن نامناسبند که دست جلو های لاستیکی برای سوارکاری.

در یک سمت بند لنج یک بند ایمنی قرار دارد که همواره در دست بین دو انگشت میانی و اشاره نگه داشته می شود؛ بدین صورت اگر اسب فرار کند کنترلش را از دست نمی دهید.

به انتهای دیگر بند لنج، یک قلاب بدون پیچش متصل است.

استفاده از بند لنج

برای جمع کردن بند لنج، آن را در دستتان به صورت حلقه هایی که به تدریج کوچکتر و کوچکتر می شوند جمع می کنید و نگه دارید. شلاق را نیز باید به خوبی در زیر بازوی خود جمع کرده و با انگشت شست آن را نگه دارید، به طوری که نوک آن روی زمین کشیده نشود.

برای باز کردن بند لنج به ترتیب حلقه ها را به همان جهتی که جمعشان کردید باز کنید. در غیر این صورت بند لنج در دستتان پر از پیچ و گره خواهد شد.

بند لنج را باید طوری در دست بگیرید که انگشت شست آن را نگه دارد و موقع باز کردن از روی انگشت اشاره آزاد شود. با این روش، بهتر از حالتی که بند لنج مثل دست جلو در هنگام سواری در دست نگه داشته شده است، می توانید در هنگام تغییر دادن دایره لنج آن را در دست نگه دارید.

بازو، که بند لنج روی آن قرار دارد، به صورت هماهنگ با نحوه لنج کردن حرکت می کند. در هنگام لنج کردن باید دستتان نرم باشد، و درست مثل زمانی که سواری می کنید با انعطاف و نرمی حرکت کند. بیش از حد خشک و محکم گرفتن دستها در هنگام لنج می تواند مشکلات زیادی ایجاد نماید!

بند لنج به حلقه داخلی دهنه (آب خوری) اسب قلاب می شود. بهتر است لنج کردن با طناب مخصوص لنج انجام شود تا فشار روی کل دهنه وارد آید و نه فقط روی قسمت داخلی، و علاوه بر این در هنگام لنج کردن اسبهای جوان که معمولاً بند را به سمت بیرون می کشند، مانع کج شدن دهنه شود. بدین صورت می توانید تقریباً تمامی اسب ها را به طور صحیح لنج کنید. همه ی گزینه های دیگر صرفاً برای اصلاح موقت مورد استفاده قرار می گیرد.

اگر صرفاً بخواهید اسب را بدون دست جلو هدایت کنید بهتر است بند لنج را از حلقه داخلی دهنه عبور داده و وارد حلقه بیرونی کنید. به این صورت اگر اسب به یک سمت بپرد دهنه در دهان اسب کشیده نمی شود.

آموزش موانع صحرائی در مانژ تمرین باشگاه

اگر امکانات و موانع مسابقات صحرائی در اختیار سوارکاری نباشد، بدان معنا نیست که با اینگونه موانع نا آشنا بوده و فقط در روز مسابقه با آنها روبرو شود. در رخدادهای یک روزه و یا سه روزه مرحله صحرائی یکی از مهمترین و پایه ای ترین قسمت از مراحل آموزشی اسب و سوار تلقی می شود.

در سایر بخشهای آموزشی، شما می توانید کار زمینی و یا تکنیکهای پرش را به اسب و سوار بیاموزید اما به راحتی قادر نخواهید بود که شجاعت و اعتماد بنفس را که لازمه یک مسابقه صحرائی است به آنها بیاموزید.

اگر اسب شما هنگام نزدیک شدن به خندق و یا گودال آب، عصبی، وحشت زده و دستپاچه می شود، هیچگاه نمی توانید رویای موفقیت در یک مسابقه صحرائی را در ذهن خود بیورانید و به آن خوش بین باشید.

برای رسیدن به این هدف باید با مجموعه ای از تمرینهای منظم و اصولی اسبی تربیت کرد، بدور از دغدغه و وحشت با گامهایی متوازن و آهنگین و پاسخگو به اثرهای سوارکار. در این هنگام است که از او بعنوان یک شریک واقعی در روز مسابقه می توان نام برد.

David Green می گوید از تمرینها و آموزشهای زیر (که جزئیات آنها در زیر آمده است) برای تربیت و آموزش اسبهای جوان و حتی اسبهای با تجربه ای چون Chatsby که در سال 1995 در مسابقات Saumur و 'FaihallCCI پیروز شده اند، استفاده کرده و شاهد موفقیت این روش در آنها بوده است.

در این تمرینها بعضی از موانع خاص که معمولاً در مسابقات صحرائی برای اسب و سوار ایجاد اشکال می کنند را دسته بندی و آنها را در محیطی کاملاً آشنا یعنی مانژ باشگاه آماده می کنیم تا از این طریق بتوان هدف اصلی از این تمرینها را که همان ایجاد اعتماد بنفس و شجاعت در اسب و سوار است فراهم آید.

مراحل آموزش عبور از مانع پیکانی

برای عبور از مانع پیکانی زیر می بایست با گام چهار نعل کوتاه، زنده و مستقیم به مانع نزدیک شد، اسب می بایست کاملاً در اختیار سوار باشد (مابین ساقهای سوار با دستانی نرم وهوشیار).

اسب طبیعتاً هنگام نزدیک شدن به چنین مانع باریکی دچار هراس می شود، در این لحظه اسب چاره ای جز اعتماد به سوار ندارد و پس از پرشی موفقیت آمیز می آموزد، باید به سوارکار خود اعتماد کند و می فهمد که بعد از مانع در مکانی امن فرود آمده و مشکلی در کمینش نیست.

در مرحله اول این آموزش، از داخل مانع پرش انجام شد یعنی وارونه مانع را طی کردیم که با نزدیک شدن به نوک پیکان فضای داخلی در حال کاهش است و نهایتاً اسب به نقطه پرش می رسد. هدف اصلی از این تمرین برای اسب ایجاد اعتماد به خود و سوار است. حال وقت آن است که از نوک پیکان عبور کنیم برای عبور، اضلاع پیکان را تا می توانیم باز کرده و یک تیر راهنما (اوستا) روی زمین قرار می دهیم این تیر به اسب این امکان را می دهد تا یک راستای افقی در پای مانع برای خود متصور شود. بعد از مرحله فوق با حذف تیر راهنما زمان اصلی عبور از مانع فرا می رسد در این مرحله پس از پرشی موفقیت آمیز به نتیجه نهائی که همان ایجاد خودباوری در اسب و ایجاد اعتماد متقابل است می رسیم.

از مانع فوق می توان برای آموزش عبور از گوشه ها نیز استفاده کرد برای انجام این مرحله از همان شلنگ و آهنک حرکت تمرین اول استفاده می کنیم (چهار نعل جمع و زنده ، مستقیم بودن و ...) اما در این تمرین به تحرک بیشتری احتیاج است (زمانی که دهانه مانع بازتر می شود).

در این مرحله از آموزش، ابتدا تمرین را با عرض کم شروع می کنیم این تمرین تداعی کننده عبور از مانع مضاعف برای اسب است و می تواند از آموخته های قبلی خود استفاده کند.

وقتی که اسب و سوار به اعتماد بنفس کافی رسیدند اندک اندک دهانه مانع را بازتر می کنیم .

لازم به ذکر است که هنگام تمرین احتیاجی نیست موانع را با دهانه خیلی باز تعبیه کنیم زیرا هدف اصلی از این آموزش ایجاد اعتماد بنفس و اعتماد متقابل در اسب و سوار است.

با اجرا و تمرین با اینگونه موانع در مانژ، از خطرات احتمالی در زمان آموزش که ممکن است حاصل اشتباه اسب و یا سوار در هنگام تمرین با موانع ثابت صحرایی باشد به میزان چشمگیری کاسته می شود.

تمرین اسب در فضای آزاد

اگر از نظر محوطه محصور کلاس در موقعیتی باشید که بتوانید اسب را به طور آزاد وبدون تسمه از روی کوالتی عبور دهید، آدم خوش بختی هستید زیرا این روش مورد پسند بسیاری از مربیان و سوارکارانی است که به تعلیم اسب مشغولند می باشند. این روش برای اسب بسیار لذت بخش است و خیلی زود به آنچه که از او می خواهید پی می برد.

در این مرحله سوارکار باید تصمیم بگیرد که تمرینها تا کی باید انجام شود. آنهایی که وقت دارند و میتوانند همه روز با اسب کار کنند مختارند که این تمرین را از هشت تا چهارده روز ادامه دهند. علاوه بر این چند بار هم سواره روی کاوالتی کار کنید (برای توضیح بیشتر به ضمیمه کتاب مراجعه شود) کسانی که نمی توانند همه روزه با اسب تمرین داشته باشند میبایست هر چند گاه یکبار با کاوالتی تمرین کنند ولی حداکثر استفاده از تمرینات منظم و پیگیر نصیب اسب می شود. اگرچه هیچ پیشرفت قالبی و از پیش گفته ای تضمین نمی شود ولی استفاده از کاوالتی پیشنهاد می شود. با این توضیح که این تمرینات به تنهایی نمیتواند ضامن دست یابی به یک روش واسلوب منظم تدریس باشد. اسب هایی که برای هر یک از رشته های خاص این هنر در نظر گرفته می شوند باید آموزش خاص آن رشته را ببینند و مثلاً اسب هایی که برای مسابقات سه روزه المپیک تعلیم می بینند به قدرت خاص شرکت در مسابقات صحرایی نیازمندند ولی از طریق کار منظم روی کاوالتی، آماده نگه داشته می شوند من خودم در این کار موفق بوده ام. من به تمرینات خودم سه یا چهار هفته کار با کاوالتی را افزوده ام و زمان تمرین را به بین پنجاه تا هفتاد دقیقه رسانده ام.

مرحله اول: آرام کردن با دست جلوی آزاد

مطابق آنچه در شکل نشان داده شده در گوشه های محوطه محصور کلاس علامت گذاری کرده و بدون بغل بند ولی با زین و آبخوری اسب رارها کنید تا چهار نعل برود. این کار باعث می شود بیش از حد لازم نیرو صرف نکرده و درعین حال عضلات و مفاصلش نرم شود. فراموش نکنید محیطی که برای این کار در نظر می گیرید حتماً محصور باشد، زیرا در محیط باز هدایت اسب مشکل است و اسب خود را به زحمت می اندازد.

مدت ده دقیقه برای این تمرین کافی است و پس از آن با صدا اسب را آرام کرده او را بگیرد.

مرحله دوم: بستن پهلو افسار و تعلیمی ثابت

اگر تمرین مرحله اول رضایت بخش باشد، تمرینات با بغل بند ادامه پیدا می کند و طرز بستن و تنظیم آن باید طوری باشد که اسب بتواند به راحتی سروگردن را کشیده و پایین بیاندازد و به پشت خود حالت کمانی بدهد، پس نباید خیلی بلند و یا خیلی کوتاه باشد که اسب بتواند به آنها تکیه کند (اندازه مناسب در شکل شماره 4 نشان داده شده) از آنجا که حرکت روی خط مستقیم است پس باید بغل بندها در هر دو طرف به یک اندازه باشد و زمانی که عضلات گردن اسب نرم شد و سر را پایین انداخت میتوان تعلیم ثابت را اضافه کرد (شکل 5) این وسیله از عادت های بد اسب (تکان دادن های بی موقع سروگردن روی کاوالتی) جلوگیری کرده و به اسب هایی که سر را به حالت صحیح نگه نمی دارند کمک می کند تا حالت دلخواه را پیدا کنند. اسب را دوباره رها کنید تا به حالت یورتمه و یا چهار نعل در مسیر تعیین شده

حرکت کند. پس از مدتی اسب به راحتی خود را با محیط و وسائل اضافی وفق داده و شلنگ خود را تنظیم می کند و خیلی ها پس از 5 دقیقه به راحتی روی خط کناری و در مسیر تعیین شده حرکت می کنند و بعضی ها هم برای هماهنگ کردن خود به زمان بیشتری احتیاج دارند و برای عده ای هم مربی به دستیار نیاز دارد.

هرچه مربی و دستیار او نرمش و حوصله بیشتر به خرج بدهند، اسب سریعتر مطیع خواهد شد و در این فرصت میتوان روی شخصیت و هوش اسب مطالعه کرد که آیا میل به آموختن دارد؟ سرعت فراگیری چقدر است، یا سرسختی کرده و با خواسته های شما مخالفت می کند. در اینجا خود مربی هم مورد آزمایش قرار می گیرد زیرا مربی ها باید به خاطر داشته باشند که برای موفقیت در تمام رشته های سواری حوصله و زمان نقش اساسی را عهده دار هستند و شالوده هر موفقیتی را پی ریزی می کنند. من خودم شاهد بوده ام که خیلی از اسبها در مدت کوتاهی به محیط تمرین خود می گیرند و رسیدن به این حالت شروع مرحله سوم را اعلام می کند که کار روی کاوالتی با سوارکار می باشد.

مرحله سوم: یورتمه روی کاوالتی

در صورتیکه اسب شما جوان است پیشنهاد می کنم که تمرین را با یک کاوالتی شروع کرده و به تدریج تا چهار افزایش دهید و البته خیلی ها از دو کاوالتی هم برای شروع استفاده می کنند ولی اغلب اسبها آنها را یکی فرض کرده و تلاش می کنند با پرش از روی هر دو عبور کنند.

در هر صورت اگر کار را با دو کاوالتی شروع می کنید در ابتدا فاصله باید دوبرابر یعنی دویست و شصت سانتیمتر باشد. در تمرینات با گام یورتمه باید از سه یا چهار کاوالتی استفاده کرد پس بهتر است خود را کمی زودتر به این مرحله برسانید. اسبهای با تجربه تر می توانند کار را با چهار کاوالتی هم شروع کنند و در تمام موارد از حداقل ارتفاع استفاده می شود (پانزده تا بیست سانتیمتر) من پیشنهاد می کنم که حداکثر از چهار کاوالتی استفاده شود زیرا، احتمال دارد اسب به هیجان آمده و این تصور برایش پیش بیاید که تمرین خارج از حد ظرفیت اوست.

یورتمه بهترین گام برای شروع تمرینات است زیرا، در حالت قدم بغل بند از تحرک ایجاد شده در قسمت عقب اسب جلوگیری می کند و زنده و پرتحرک نگاه داشتن اسب درگام قدم در این مرحله کمی مشکل است و در تمرین کردن بدون بغل بند هم، چون عضلات پشت به کار گرفته نمی شوند آنچنان مفید نخواهد بود.

در مرحله شروع نگزارید اسب چهار نعل برود زیرا بیهوده نیرو مصرف می کند، فواصل مناسب در بین کاوالتی بین صدوسی سانتیمتر تا صدوپنجاه سانتیمتر می باشد و برای شروع فاصله صدوسی سانتیمتر مناسب است، ولی سوارکار موظف است در طول تمرینات فاصله ای که مناسب جثه و تحرک اسب باشد پیدا کرده و همواره از آن استفاده کند. ولی ارتفاع در همان حداقل که از پانزده تا بیست سانتیمتر باشد می ماند تا عضلات اسب بیش از حد کوفته نشوند. در حالیکه تمرین این مرحله را تکمیل کرده‌اید به اسب اجازه بدهید روی هر یک از دستها که مایل است روی کاوالتی حرکت کند (معمولاً اسبها دست چپ را ترجیح می دهند) و اگر فکر کنید که اسب با میل خود روی کاوالتی می‌رود، زیاد منطقی نیستید زیرا، اغلب به هیجان آمده و به چهار نعل می افتد و با حداکثر سرعت ممکن سعی می کند تا، از روی کاوالتی پرش کند. اما این حرکت آنقدرها هم که به نظر می رسد خطرناک نیست. اگر اسب را به حال خود بگذارید خودش بتدریج به یورتمه می افتد. وظیفه سوار ایجاد رابطه از طریق صدا و آرام کردن اسب در کمال متانت است. اسب چون در محیط بسته ای حرکت می کند نمی تواند از حرکت روی کاوالتی طفره برود و اجباراً در مسیر خود از آنها عبور می میکند.

اگر اسب شما از قبل با کاوالتی آشنا است کار را از همان ابتدا با یورتمه شروع کنید و تنظیم حرکت یورتمه از وظائف سوارکار است. اغلب اسبها بعد از مراحل اولیه تمرین کسل خواهند شد و سوار می بایست با کمک صدا و شلاق بلند او را وادار به تحرک بیشتر کند و به اسب اجازه ندهد فواصل بین کاوالتی را با بیش از یک شلنگ طی کند. اسبی که حساس است به راندن احتیاج ندارد ولی هستند اسبهایی که دائماً باید رانده شوند. آنها همانند انسانها با یکدیگر تفاوت دارند. اگر سواری از هوش معمولی برخوردار باشد پس از مدت کمی قادر است با اسب خود رابطه برقرار کند و سوارانی که از این موهبت (برقراری رابطه با اسب) محروم بوده‌اند می توانند از این فرصتها بیشترین بهره برداری را کرده و به کسب تجربه پردازند.

مرحله چهارم: افزایش فواصل بین کاوالتی

قبل از اینکه این تمرین را روی کاوالتی شروع کنید (این تمرین بدون سوار است) فواصل بین آنها را چند سانتیمتری باید افزود (این افزایش باید متناسب با جثه اسب باشد).

اسب را وادارید تا در قسمت دیگر کلاس که کاوالتی ندارد با تحرک بیشتر یورتمه برود و سپس با کاهش حرکات شلاق تحرک را کم کنید تا یورتمه به حالت معمولی برگردد، تلاش کنید که در مراحل تمرین وقفه ای پیش نیامده و تمرین گسسته نشود و اسب را روی کاوالتی هدایت کنید، اسب گامها را می کشد و با تحرک بیشتری حرکت می کند. فواصل نباید از صدوپنجاه سانتیمتر تجاوز کند مگر در صورتیکه بخواهید اسب یک شلنگ اضافی در میان کاوالتی بردارد.

مدت تمرین

زمان تمرین باید متناسب با جثه و وضعیت جسمانی اسب تنظیم شود، زیرا هرچه زمان تمرین افزایش یابد فعالیت اعضاء بدن بیشتر می شود و من معتقدم ده دقیقه زمان برای این تمرین کافی است. هر سوارکاری می تواند اسب خود را زیر نظر گرفته و با ارزیابی وضعیت کلی او به زمان مناسب دست پیدا کند. توجه اصلی روی شادابی و سرزندگی اسب متمرکز می شود و مشهودات عینی که ملاک این حالات هستند، حرکات گوش، وضعیت دم و حالت تنفس اسب است که از روی وضعیت هر یک از اینها میتوان به درجه شادابی و یا خستگی اسب پی برد، عرق زدگی اگر زیاد نباشد نمی تواند دلیلی بر خستگی باشد. ذوق و اشتیاق سوار خیلی زود او را قادر به قضاوت و ارزیابی در این موارد خواهد کرد. سوارکار بطور دائم حالات جدیدی در اسب خود کشف کرده و پس از مدتی به راحتی می تواند حدس بزند که چه موقع اسب خسته شده و یا تلاش می کند حرکت را انجام دهد. شک اسب در اجرای حرکت دلیل بر شروع خستگی است بخصوص که شلنگ های او جهندگی خود را از دست بدهند. در صورت اجرای صحیح هر حرکت نوازش و صدای مهربان باعث خوشحالی او خواهد شد. اگر اسب هر حرکت را پشت حرکت دیگر به درستی انجام داد اجازه بدهید قدم برود و دست عوض کنید ولی کار را قطع نکنید و او را از مسیر کوالیتی خارج نکنید چون بیشتر اسبها اگر فرصت پیدا کنند از زیر بار تمرین شانه خالی می کنند.

بعد از اینکه ده تا بیست دقیقه تمرین های گرم کردن شامل تمرین با بغل بتد با حداکثر فشار و ده دقیقه کار با گام معمولی و 5 تا 10 دقیقه کار با گام کشیده داشتید زمان تمرین بسر می رسد زین و برگ را برداشته اسب را می گردانید تا کاملاً خشک شود و اگر حالت تنفس او عادی بود به اصطبل برمی گردانید تا استراحت کند.

تغییرات آب و هوا

تغییرات آب و هوا بر رفتار اسب تاثیر می گذارد وقتی که اسب وزش باد را احساس ر یک روز بادی را دارید، دم اسب را در جهت باد قرار داده تا سینه او سرما نخورد).

در روزهای گرم و آفتابی اسب ممکن است خواب آلود و بی حال باشد. اگر به هنگام سواری اسب تنبلی کرد با نیچ کردن و فشار ساق پا او را به جلو برانید اگر باز هم اطاعت نکرد آنگاه او را با ضربه شلاق تنبیه کنید. (فقط یک بار)

اسب ها معمولاً در روزهای سرد شاداب تر از هر زمان دیگری هستند به ویژه وقتی از یک مکان گرم در یک روز سرد به هوای آزاد بیایند احساس چابکی و میل به جست و خیز زیادی دارند. سعی کنید انرژی اسبها را در یک روز سرد به درستی هدایت کنید، یورتمه رفتن کشیده بهترین روش برای تمرین آنهاست. البته برای آنها راحت تر است که به جای یورتمه جست و خیز کنند.

سعی کنید رفتار اسب را در شرایطی خاص درک کرده و به خاطر بسپارید، داشتن چنین مواردی به هر دوی شما در حل مشکلات کمک کرده و سواری لذت بخشی را برای هر دوی شما تضمین می کند.

نحوه غذا دادن به اسب

برای غذا دادن به اسب (قند، هویج و سیب) آنها را روی کف دست خود گذاشته و انگشتان دست را کاملاً باز کنید زیرا اگر انگشت شما خمیده باشید ممکن است اسب آن را هنگام گرفتن خوراکی گاز بگیرد.

هیجان اسب

هر بار که اسب شما اسب‌های دیگری را که در حال دویدن هستند ببیند ممکن است هیجان زده شود و او هم شروع به دویدن کند در اینصورت با سوت زدن و کشیدن دست‌جلو او را به آرامش دعوت کنید. اسب حیوانی نسبتاً ترسو است، وقتی چیز عجیب و یا جدیدی می‌بیند سعی می‌کند به سرعت از آن دور شود، برای آرام کردن و کنترل کردن در چنین مواقعی آماده باشید.

چگونگی رفتار با اسب

برای نزدیک شدن به اسب همیشه باید از جلو و یا زاویه 14 درجه نزدیک آن شد و آن را نوازش کرد اگر مجبورید از پشت به اسب نزدیک شوید با سوت زدن و صدا کردن اسب آن را متوجه خود کنید در غیر اینصورت ممکن است اسب به شما لگد بزند. بهترین مکان برای نوازش کردن اسب شانه و پیشانی اوست، به هنگام نوازش کردن پیشانی اسب هیچگاه دست خود را زیر چشم اسب نگه ندارید زیرا این کار اسب را عصبانی کرده و ممکن است شما را گاز بگیرد. هیچگاه با دویدن و یا فریاد زدن نزدیک آن نشوید، همیشه با آرامش کامل به اسب نزدیک شده و با صدای آهسته با او صحبت کنید.

اسبها خوراکیهایی مانند: هویج، سیب و قند را بسیار دوست دارند، برای تشویق و آرام کردن اسب می‌توانید به او خوراکی بدهید، هنگامی که غذا در دهان اسب است چیزی را به او ندهید زیرا این کار جویدن را برای او دشوار می‌کند.

نحوه رم کردن اسب‌ها

اسب در اثر دیدن جسم‌ها یا شنیدن صداهای تهدید کننده از جا می‌پرد و شروع به پرش و الاکلنگ می‌کند در این موقع مطمئن شوید که به شیوه مناسبی در زین نشسته‌اید. اگر اسب بترسد از جا می‌پرد و حرکت سریعی کرده و با یک قوس شما را به پرت می‌کند در این صورت بهترین کار برای جلوگیری از پرت شدن از روی اسب این است که دستتان خود را به دور گردن اسب قلاب کرده و سر خود را کنار گردن قرار دهید و پاهایتان را محکم به زین بچسبانید تا هنگامی که اسب آرام شود.

به هنگام سواری به فاصله دو اسب از اسب جلویی خود فاصله داشته باشید تا مشکلی برای شما و اسبتان به وجود نیاید. هیچگاه اجازه ندهید که سر اسبتان نزدیک سر اسب دیگری شود زیرا در اینصورت اسبها شروع به خرناس کشیدن و سردست زدن می کنند و خطری جدی شما اسبتان را تهدید می کند.

بیماری های اسب و راه درمان آن

1 - بیماریهای پوستی

این بیماریها عبارتند از: آبسه، هماتوم ها، شپش، ملانوما، تب لجن، ادم، اورریج، باران سوختگی، کچلی، سویت ایچ، زگیل و انواع زخم ها که در زیر تعدادی از آنها توضیح داده می شوند

آبسه

آبسه تجمع می چرکی است. در آبسه های پوستی در لایه زیرین پوست چرک تجمع می کند آبسه ها با تجمع چرک موجب تورم می شوند. اگر آبسه بر روی سطح نرمی از بدن مانند عضله قرار داشته باشند این تورم قابل رویت نیست و بر عکس اگر آبسه بر روی ناحیه سفت بدن مانند استخوان قرار داشته باشد هرگونه تورمی ایجاد برآمدگی می کند. ناحیه آبسه هنگام لمس گرم است. این گرما به علت خون رسانی شدید به ناحیه ملتهب است.

آبسه در واقع سطحی از پوست را با کنار زدن لایه ها و جدا کردن آنها از هم منحل می کند. به طور دقیق یک آبسه حاوی مایعی است که اصطلاحاً به آن چرک می گوئیم. قسمتی از این چرک شامل مایع میان بافتی، بخشی از آن شامل گلبول های سفید مرده به خصوص نوتروفیل ها و قسمتی حاوی باکتری های زنده و مرده است. تشکیل آبسه به این صورت اتفاق می افتد که باکتری هایی که در جریان خون در حال گردشند در یک ناحیه خاص ساکن می شوند و در آنجا تکثیر یافته و به واسطه آن لایه پوست شکسته شده و باکتری ها راهی برای عبور از خلال زخم پیدا می کنند. نوتروفیل ها به ناحیه تکثیر باکتری جذب می شوند و موجب واکنش های التهابی و آزاد شدن مایع می گردند. آبسه در مراحل ابتدایی تشکیل سفت است و به تدریج با تجمع چرک نرم تر می شود. سپس یک ناحیه از پوست روی آن شروع به نازک شدن کرده و در نتیجه چرک از این نقطه به صورت انفجاری خارج می شود.

درمان

همیشه بهتر است که چرک خارج شود. پس ما باید تدابیری برای باز شدن آبسه به سطح پوست بیندیشیم. تحریک پوست با گرما روش موثری در این زمینه است. برای این منظور می توان از بانداژی که به آب گرم آغشته شده است بر روی تمام ناحیه آبسه استفاده کرد. این عمل ظرف مدت 10 الی 15 دقیقه منجر به کاهش درد اسب می شود. اگر مبادرت به خارج کردن چرک توسط نیشتر زدن با اسکاپیل

می کنید مرطوب بودن پوست بسیار سودمند است. هنگامی که آبرسه در حال خشک شدن است با ضماذگذاری می توان به خروج چرک کمک نمود. تجویز آنتی بیوتیک در کشتن باکتری ها به سیستم ایمنی اسب کمک می کند. چرک حاوی باکتری های آلوده و مرده است. چرک موجود در یک آبرسه می تواند زخم های دیگر را هم آلوده سازد. اگر قرار است مقدار زیادی از چرک تخلیه شود باید پوست زیر آبرسه را با وازلین بپوشانید. هرچیز که با چرک در تماس است باید ضد عفونی شود حتی ناحیه ای از اصطبل که آلوده به چرک می شود.

شپش

شپش ها انگل های ریزی هستند که در سطح خارجی و داخلی پوست زندگی می کنند. آنها با چشم غیر مسلح قابل رویتند اما اغلب به واسطه پوشش ضخیم اسب و رنگ تیره آنها که با پوست تیره اسب با هم آمیخته شده قادر به دیدنشان نیستیم. گردن ناحیه ای است که بیش از قسمتهای دیگر گرفتار می شود. شپش ها سرتاسر سال با اسب ها زندگی می کنند ولی ما تنها در ماههای سرد زمستان علائم حضور آنها را متوجه می شویم زیرا در این زمان پوشش اسب به دلیل سرمای هوا ضخیم تر می شود و در نتیجه شپش ها فعالتر می شوند.

درمان

در این شرایط باید اسب را با شامپوی حاوی پیپرونیل بوتوکسید و پایروتروم شست و شو داد. داروی ضد کرم و آیورمکتین هم قادر به کشتن شپش ها هستند. کلیه لوازم اسب آلوده نیز باید به طور همزمان با همان شامپویی که اسب را شست و شو می دهند شسته شوند. این انگل نمی تواند به مدت طولانی به دور از بدن اسب در اصطبل زندگی کند بنابراین لوازم و وسایل اصطبل برای اسب های دیگر خطر آلودگی ندارد.

باران سوختگی

این عوارض به دنبال بارش های طولانی مدت ایجاد می شود و به تدریج با خشک شدن شرایط آب و هوایی برطرف می گردند. باران سوختگی عفونتی مربوط به سطح بالایی بدن اسب است که عامل آن همان باکتری درمانوفیلوس عامل تب لجن می باشد. در این عارضه نواحی ریزش مو در پوست خیلی کوچک است و آثار زخم تنها محدود به تعداد کمی از موها می شود. باران سوختگی در شرایط گرم و مرطوب ایجاد می شود و نواحی آلوده با جریان عرق یا باران گسترش می یابند.

درمان

اسب را باید با شامپوی آنتی سبتیک شست و شو داد. کار دیگری که از اهمیت کمتری برخوردار است شست و شو با محلول سولفات مس است پس از شامپو کردن باید پوست را خشک کرد. سه روز بعد کل این فرآیند باید تکرار شود.

کچلی

این عارضه جلدی بر خلاف نامش هیچ ارتباطی با کرم و هیچ شباهتی به حلقه ندارد بلکه یک عفونت قارچی پوست و مو است. در این بیماری قسمت های کوچک فاقد مو می شود که پوسته پوسته اند ولی التهاب و سوزش ندارند. علت از دست رفتن موها سست شدن آنهاست و ساییدگی و اصطکاک نقشی در ایجاد آن ندارند. کچلی می تواند به راحتی از یک اسب به اسب دیگر سرایت کند و حتی می تواند از میخی که اسب آلوده با آن در تماس بوده به اسب دیگر منتقل شود.

درمان

باید اسب آلوده را از اسب های دیگر جدا کرد و او را با ماده ضد عفونی کننده شست و شو داد. خود اصطبل و کلیه سطوح زیر آن نظیر سطوح چربی باید استریل شوند. باید 7 روز از داروی ضد قارچ گریزئوفولین خوراکی استفاده شود. البته نباید از این دارو در مادبان های باردار استفاده نمود. قبلا تصور بر این بود که قارچ کچلی توسط نور آفتاب و یا گیاه از بین می رود ولی این طور نیست بلکه کچلی خود به خود بعد از سه ماه درمان می شود.

زگیل

افتراق بین زگیل های کوچک که در اسب های جوان اغلب در اطراف صورت ظاهر می شوند با تومورهای زگیل مانند بسیار بزرگی که در کل بدن ایجاد می شوند حائز اهمیت است. این تومورها سارکوئید نامیده می شوند که اغلب بر روی پوست نواحی پایینی داخل پاها ظاهر می گردند. این تومورها بسیار بزرگ می شوند و به دلیل مجروح و ساییده شدن ناحیه مربوطه شان التیام آنها با شکست مواجه می گردد. ناحیه مجروح که به شکل توده ترشخی در می آید ممکن است عفونت نماید و ناحیه را ملتهب کند.

درمان

زگیل های کوچک احتیاج به هیچ گونه توجه و رسیدگی ندارند مگر آنکه به تعداد بسیار زیادی در یک نقطه تجمع کنند و بدین صورت احتمال انتقال آن از حیوانی به حیوان دیگر وجود دارد. این زگیل های کوچک اغلب پس از گذشت مدت زمانی خود به خود از بین می روند. سارکوئیدها برعکس زگیل ها از بین نمی روند و تمایل به بزرگ شدن دارند. اگر اسب ضایعه سارکوئید گردنی مشخصی داشته باشد می توان یک نخ را محکم اطراف آن بست که این عمل موجب افتادن و از بین رفتن تومور می شود. پمادهای زگیل انسانی روی ساکوئیدهای کوچک و پهن موثرند. رادیوتراپی جراحی توسط سرما و تزریق واکسن ب.ث.ژ درمان های بسیار موفقی برای سارکوئیدها محسوب می شوند.

2 - بیماریهای دستگاه تنفسی

این بیماریها عبارتند از: بیماری انسداد مزمن ریوی، هرپس ویروسی اسبی تیپ یک، خونریزی ریوی متعاقب تمرین، آنفولانزا، فلج حنجره، کرم ریه و بیماری استرانگل که در زیر تعدادی از آنها توضیح داده می شود.

بیماری انسداد مزمن ریوی

این انسداد می تواند در مسیر ورودی هوا و برونشیهها با انقباض اسپاسم عضلات دیواره های آنها همراه باشد. به این حالت تنگی برونش می گویند. انسداد هم چنین می تواند به واسطه تجمع موکوس غلیظ ایجاد شود که این موکوس توسط کیسه های هوایی ملتهب تشکیل می گردد. عامل ایجاد کننده انسداد ریوی مزمن حساسیت بالا نسبت به اسپوره های قارچ است که از راه تنفس از یونجه و گاه به دستگاه تنفسی حیوان راه پیدا کند.

اولین علامت بیماری انسداد مزمن ریوی ترشح بینی است که هنگام تغذیه و در ساعات اول صبح قابل توجه است. بسیاری از مالکان اسب نسبت به این علامت دائمی توجهی نشان نمی دهند و فکر می کنند که طبیعی است. هرچه تعداد برونشیول های تنگ شده بیشتر باشد فعالیت های ورزشی اسب کاهش می یابد ولی همین علامت هم توجه مالک را جلب نمی کند مگر آنکه اسب او قبلا بسیار فعال بوده و فعالیتش در این وضعیت شدیداً کاهش پیدا کند. علامتی که در نهایت برای اکثر مالکان زنگ خطر است. افزایش سرفه می باشد به خصوص هنگامی که مهتر در اصطبل حرکت می کند و یا هنگامی که اسب از زمین بلند می شود این سرفه موجب کندی شدن موکوس غلیظ مسدود کننده مجاری هوا می شود.

درمان

اغلب اسبها با ماندن در چراگاه به حالت طبیعی خود بر می گردند. اگر این امر میسر نبود در صورت امکان باید مدت زمان حضور اسب در اصطبل را کاهش داد. رژیم هوای پاک می تواند تکمیل کننده درمان باشد. هیچگاه نباید زیر این اسب کاه باشد. برای کف اصطبل باید از کاغذ پاره، کود گیاهی و یا تراشه های چوب خشک و تمیز استفاده کرد. محیط گرم و مرطوب احتمال آلودگی قارچی را بالا می برد. در ابتدا باید اصطبل را از گرد و غبار پاک کرد. هوای اصطبل باید تمام مدت به نحو عالی تهویه گردد. درب سقف اصطبل هرگز نباید بسته باشد. نکته دیگر آنکه اصطبل نباید در مجاورت کاه و یونجه باشد چون امکان انتقال آنها توسط باد به اصطبل زیاد است.

رژیم هوای پاک

- 1- کف اصطبل باید عاری از همه چیز باشد.
- 2- تمامی دیوارها و سقف اصطبل باید جارو برقی کشیده شود.
- 3- اصطبل را باید از جریان هوای اصطبل مجاور حفظ کرد.
- 4- از درست کار کردن وسیله تهویه ای هوا مطمئن شوید.

5- برای کف اصطبل از براده چوب، کود گیاهی و یا تکه های کاغذ استفاده کنید.

6- کف اصطبل را تمیز و خشک نگهدارید.

داروهای موثری برای درمان انسداد ریوی مزمن وجود دارد. کلن بوتترول خوراکی تاثیر خوبی در کاستن انقباض برونش دارد. مصرف این دارو همراه رژیم هوای پاک در بهبود بیماری اسب بسیار موثر است. در اسب هایی که فاقد علائم می باشند می توان از اسپری سدیم کروموجلکات به منظور جلوگیری از رها شدن هیستامین و مواد دیگر در ریه استفاده کرد. با این اسپری می توان خطر آلودگی به قارچ را در گاه و یونجه از بین برد.

آنفولانزا

در اسبها دو نوع ویروس آنفولانزای شایع وجود دارد که عبارتند از سویه پراک تیپ 1 و سویه میامی تیپ 2. آنفولانزای اسبی یک بیماری تنفسی بسیار جدی است که به خصوص در کره ها می تواند منجر به مرگ شود. اسبهای درگیر ترشح بینی دارند و به تناوب سرفه می کنند که این سرفه ها اغلب مرطوب هستند. ظاهر این اسبها کاملا بیمار و تب دار به نظر می رسند. اگر قبل از بهبود کامل به اسب فشار زیادی وارد آید عضلات قلب ممکن است در اثر عفونت برای همیشه ضعیف شود.

درمان

آنفولانزای اسبی بسیار نادر است. زیرا واکسن های بسیار موثری برای پیشگیری آن وجود دارد که دارای ایمنی خوبی هستند. واکسیناسیون در اسبهای مسابقه ای بسیار حائز اهمیت است. حداقل میزان واکسیناسیون قابل قبول دو تزریق به فواصل 21 تا 91 روز است و اولین یادآوری باید بین 150 الی 210 روز بعد از تزریق اولیه انجام شود و بعد موعده یادآوری سالانه است. هیچ راهی برای کشتن ویروس های آنفولانزا وجود ندارد. اسب پس از ابتلا به عفونت باید مدت 6 هفته در استراحت کامل باشد تا از بروز مشکلات قلبی جلوگیری شود.

فلج حنجره

این فلج می تواند ناقص یا کامل باشد. در این عارضه عصب راجعه حنجره که عصب دهنده عضلات است و از طریق حنجره راه هوا را با کنار کشیدن طناب های صوتی باز می کند فلج می شود. اغلب اوقات عصب سمت چپی دستخوش این عارضه می گردد و در هنگام

تمرینات پر تکاپو این عصب دیگر قادر به کنار کشیدن طناب صوتی نخواهد بود. آشفته‌گی هوایی قابل توجهی اطراف تار صوتی فلج شده پدید می‌آید که موجب افزایش صدای خس خس اس هنگام فعالیت شدید می‌شود.

درمان

اگر اسب در اثر فلج حنجره دچار صدای خرناس شود ولی باز هم هنوز قادر به انجام فعالیت‌های ورزشی باشد و هیچ وضعی از سیستم تنفسی خود نشان ندهد توجه خاصی لازم نیست. سالهای متمادی درمان فلج حنجره را عمل جراحی هابدی می‌دانستند و با این کار کیسه پرده ای را از پشت تار صوتی بر می‌داشتند. این عمل در برخی موارد منجر به کاهش صدا می‌شود. اگر فلج حنجره روی فعالیت اسب تاثیر قابل توجهی داشت می‌توان از عمل تای بک که یکی از روش‌های انتخابی درمان است استفاده کرد. در این عمل طناب صوتی را به دیواره کناری می‌دوزند و با این کار راه عبور هوا افزایش می‌یابد.

بیماری استرانگل

استرانگل عفونتی مربوط به غدد لنفاوی اطراف حنجره و زیر فک است. این عارضه توسط باکتری استرپتوکوکوس اکوئی ایجاد می‌گردد. دمای بدن اسب آلوده در این بیماری بالا رفته و ترشحات فراوان و بدبو از بینی خارج می‌شود. غدد لنفاوی اطراف زاویه فک فوق العاده برآمده می‌شوند و امکان ترکیدن آنها وجود دارد که در این صورت چرک غلیظی از آن خارج می‌گردد. اسب ممکن است در تنفس دچار مشکل شود. این بیماری اکثراً اسبهای جوان را آلوده می‌کند.

درمان

چرکی از بینی و آبسه‌های ترکیده خارج می‌شود بسیار بیماری‌زا است. رعایت جدی اصول بهداشتی در مورد پوشش و لوازم اسب اساس پیشگیری از شیوع باکتری به دیگر اسب‌ها است. در اوج بیماری درمان آنتی‌بیوتیکی بسیار موثر می‌باشد. کمپرس آب گرم به سرباز کردن آبسه کمک می‌کند. با سرباز کردن آبسه‌ها وضعیت اسب به طور قابل توجهی بهبود می‌یابد.

3 - بیماریهای دستگاه گردش خون

بیماریهای دستگاه گردش خون عبارتند از: آنمی، دهیدراسیون، تورم گره‌های لنفاوی و مرمر قلبی و آریتمی که در زیر تعدادی از آنها توضیح داده می‌شود.

کم خونی یا آنمی

آنمی عارضه‌ای است که در اثر کمبود هموگلوبین در خون ایجاد می‌شود. رنگ قرمز خون به واسطه رنگدانه هموگلوبین است که نقش حمل‌کننده اکسیژن در گردش عمومی خون را نیز دارد. هموگلوبین در گلبول‌های قرمز خون است. کمبود هموگلوبین موجب کمبود

اکسیژن در بافت ها می گردد. با این پیشامد تمام سیستم های بدن تحت تاثیر قرار می گیرد و آنطور که شایسته است عمل نمی کنند. اسب مبتلا به آنمی کسل و بی حس است و در طول تمرینات خیلی سریع خسته می شود و از نفس می افتد. آنمی می تواند به دنبال یک جراحی و یا از دست دادن سلولهای خونی ایجاد شود و یا ممکن است به واسطه بیماریهای مزمن خونی ایجاد شود. کمبود آهن در اسب شایع نیست زیرا اسب به طرق مختلف آهن مورد نیاز خود را از طریق چریدن دریافت می کند. سطوح هموگلوبین می تواند قبل از آن که تغییر رنگ در این بافتها ایجاد شود بسیار پایین آمده باشد ولی با آزمایش خون نه تنها تعداد گلبول های قرمز بلکه میزان هموگلوبین موجود در هر سلول را می توان اندازه گیری نمود.

درمان

اگر تعداد گلبول های قرمز پایین باشد و هیچ دلیل مشخصی برای از دست دادن خون اسب رویت نشود اسب ممکن است نقصی در تولید گلبولهای قرمز داشته باشد اسید فولیک شایع ترین عامل این مسئله در اسب های اصطبل است. با تجویز اسید فولیک به مقدار 500 میلی گرم در روز تولید گلبولهای قرمز را ندارند و علاوه بر اینها باید آیورمکتین به اسب خوراند تا اگر لارو کرمی در بدن اوست از بین برود. زیرا کرم ها خود سبب از دست رفتن خون حیوان می شود.

دهیدراسیون

دهیدراسیون وضعیتی است که در آن بدن به میزان بسیار خطرناکی مایعاتش را از دست داده است به حدی که دیگر نمی تواند کمبود آن را جبران کند. به طور کامل بدن حاوی 60 درصد آب است. یون های مختلفی مانند سدیم، کلسیم، کلرید،... یا غلظت حیاتی در این مایع حل شده اند. هنگامی که دهیدراسیون به حد خطرناکی رسید اگر پوست گردن و شانه اسب را نیشگون بگیریم تعداد زیادی چروک بر می دارد. اگر اسب بیش از 5 درصد خون خود را به صورت مایعات از دست بدهد این چین ها و چروکها پس از رها کردن نیشگون باقی می ماند. دهیدراسیون ممکن است هنگام تعریق و از طریق از دست دادن آب و الکترولیت ها صورت گیرد. این عمل در فعالیت های شدید می تواند پاسخی به نیاز بدن به خنک شدن از طریق عرق باشد اسهال هم همین می تواند موجب دهیدراسیون شود.

درمان

در این عارضه آب و الکترولیت های از دست رفته باید جایگزین شوند. اگر شما فقط آب به اسب بنوشانید این آب بلافاصله دفع می شود زیرا در گردش خون الکترولیت های محلول کافی برای نگه داشتن آن وجود ندارد. به همین ترتیب خوراندن الکترولیت به تنهایی هم بی تاثیر است چون در کنار آن مایعات هم باید به اندازه کافی به اسب داد. مخلوط های الکترولیتی آماده در بازار وجود دارند که هنگام استفاده آن را در آب حل می کنند.

تورم گره های لنفاوی

این سیستم به موازات عروق خونی عمل می کند با این تفاوت که در آن به جای خون مایعی بافتی جریان دارد که وارد گردش خون عمومی می شود. فشار مایع درون عروق لنفی آنقدر کم است که ما به زحمت آن را تشخیص می دهیم. اگر عروق لنفاوی در اثر بدم افتادن عوامل عفونی در غدد لنفاوی مجاور مسدود گردند این فشار برای ما قابل لمس می گردد. ادم در اثر فشار مایعی است که از دیواره های لنفاتیک به بافت های بدن تراوش می شود. بدین صورت ناحیه ای که لنفاتیک هایش فعال شده اند باد کرده و متورم می شود. در این بیمار اگر با انگشت فشار محکمی روی ناحیه متورم بیاوریم و بعد انگشت را برداریم آن ناحیه فرو رفته باقی می ماند. به این عارضه لنفانژیتیس می گوئیم بیشترین نواحی بدن که دچار لنفانژیتیس می گردند پایین پاها به خصوص پاهای عقبی است.

درمان

تا حد امکان باید به اسب تمرینات سبک و آرام داد تا دوباره گردش عمومی برقرار شود. کمپرس سرد از تجمع مایعات بیشتر جلوگیری می کند و هرگونه التهابی را در گره های لنفاوی کاهش می دهد. داروهای دیورتیک باعث جمع آوری آب اضافی و دفع آن به صورت ادرار می گردند و بدین صورت به کاهش ادم کمک می کنند.

4 - بیماریهای دستگاه عصبی

این بیماریها عبارتند از: آسیبهای چشمی، بیماری علف، تکان دادن سر، التهاب متناوب چشم، کزاز، سندرم وبلر که در زیر تعدادی از آنها توضیح داده می شود.

بیماری علف

در شکل مزمن بیماری اولین چیزی که صاحب اسب متوجه آن می شود امتناع اسب از تغذیه است. به تدریج عضلات سرتا سر بدن به خصوص گردن و شانه ها دچار انقباض و گرفتگی می شوند. در این حالت اسب ممکن است نسبت به بلع بی تمایل باشد که ابتدا این حالت در مورد غذا ایجاد می شود ولی بعدها اسب نسبت به آب هم دچار این حالت می شود. در این مرحله اسب حالت افسرده دارد و سر خود را روی آخور قرار می دهد که به دلیل درد زیاد می باشد. ممکن است ترشح سبزی از بینی اش خارج شود و در نتیجه اسب می میرد. عامل اصلی این بیماری عارضه ای عصبی است. گانگلیون عصبی یا مراکز کنترل اعصاب موثر بر لوله گوارش تخریب می شوند و موجب فلج بخش هایی می گردند که توسط این اعصاب عصب دهی می گردد. در آزمایشات پس از مرگ متوجه می شویم که عملکرد تمام دستگاه گوارش متوقف شده است. ترشح سبز رنگی که از بینی خارج می شود در واقع محتویات معده است که از معده بازگشته و تا مری بالا می آید.

درمان

بیماری علف اغلب کشنده است. اگر سیزاپراید موجب بازگشت حرکات روده ای نشد دیگر امیدی به بهبودی نیست. برای نجات اسب خیلی سریع باید بیماری را تشخیص داد و اگر عارضه ای از حد درمان گذشته باشد در صورت نیاز حیوان را به طریقه انسانی معدوم می کنند تا رنج نبرد.

کزاز

کزاز یک بیماری باکتریایی می باشد که توسط باکتری کلوستریدیوم تتانی ایجاد می شود ولی علائم تخریب کننده به واسطه رها شدن توکسین در جریان خون است. باکتری از طریق یک زخم پوستی و یا از راه یک خراش در دیواره روده ای وارد خون می شود و به دلیل آنکه این باکتری در تراکم کم اکسیژن تکثیر می یابد پس زخم های عمیق خطر بیشتری دارند. اسب مبتلا به کزاز را می توان از روی حرکتش شناخت. عضلات کل بدن به طور غیر قابل کنترلی دچار انقباض می شوند. اسب مبتلا تحریک بسیار شدید نسبت به صدا و حرکت های ناگهانی نشان می دهد. به تدریج اسب قادر به ایستادن نخواهد بود و مرگ در اثر درگیر شدن عضلات تنفسی رخ می دهد.

درمان

تمام اسبها را باید حداقل هر دو سال یک بار بر علیه کزاز واکسینه نمود. برای تحریک سیستم ایمنی بر علیه این بیماری باید واکسن کزاز را که به تتانوس توکسوئید معروف است دوبار متوالی تزریق نمود. هر زخمی که اسب برداشت هر چند کوچک باید آنتی توکسین تتانوس به او تزریق کرد.

5 - بیماریهای دستگاه گوارشی

این بیماریها عبارتند از: انسداد حاد مری، مشکلات دندان، انباشتگی چرک در سینوس پیشانی، تجمع مواد در دستگاه گوارش، لامینیت، مسمومیت، دفع نشدن مکونیوم، کولیک اسپاسمودیک، کرم های انگلی و دندان گرگی که در زیر تعدادی از آنها توضیح داده می شود.

تورم تیغک های سم اسب یا لامینیت

لامینیت حاد در اثر تجمع زیاد کربوهیدراتها در معده ایجاد می گردد. در واقع لنگش هر 4 دست و پا است و از این حیث منحصر به فرد می باشد. اما هر 4 دست و پا به یک درجه درگیر نیستند چون اندام های حرکتی قدامی اغلب نسبت به اندام های حرکتی خلفی متحمل وزن بیشتر اسب هستند پس درد آنها بیشتر است. این اسب با گام های کوتاه قدم بر می دارد و طرز گام برداشتنش مانند گربه ای است که روی یک سقف نازک و داغ راه می رود. در موارد حاد اسب تمایل به راه رفتن ندارد و به حالت ایستاده وزن خود را روی پاشنه می اندازد و قسمت پشت و جلوی بدنش را به آهستگی جهت جابه جایی وزن جا به جا می کند.

معاینه پای اسب در این حالت مشکل است زیرا اسب قادر به تحمل وزن خود روی 3 اندام حرکتی دیگرش نیست. گاهی پای اسب گرم است ولی همیشه این گونه نیست. این گرما آنطور که گمان می رود در اثر افزایش جریان خون به سمت پا نیست. این گرما به خاطر آن است که خون خیلی آهسته در آن جریان می یابد و بدین شکل مدت بیشتری زمان دارد تا حرارت خون را منتقل کند. به دنبال لامینیت ممکن است تغییرات مزمنی ایجاد گردد. با عکس رادیولوژی می توان مشاهده کرد که آیا استخوان بند آخر انگشت شروع به چرخش کرده یا خیر. تکرار حملات لامینیت موجب می شود محل اتصال پوست به قسمت بالایی سم که لایه شاخی را تغذیه می کند حلقوی شود و عملکردش مختل گردد.

درمان

در حملات ملایم لامینیت به منظور کمک به طبیعی شدن فشار خون که بهترین راه برای نرمال شدن جریان خون در پا است از داروهای ضد درد نظیر فنیل بوتازون و استیل پرومازین استفاده می شود. ارزش غذایی جیره غذایی باید به سرعت کاهش داده شود پس برخی غذاها را به منظور سرعت بخشیدن به عبور کربوهیدراتها از روده تجویز می کنند. اسب در این مدت باید در اصطبلش در حالت استراحت باشد. در برخی موارد بخش بزرگی از دیواره جلویی سم را به منظور حفظ مشکل طبیعی سم می تراشند و برای جبران هرگونه چرخشی در بند آخر انگشت زاویه پا را تغییر می دهند. پاشیدن آب سرد توسط شلنگ به پای اسب و یا ایستادن او در یک جریان آب تاثیر خوبی بر روی جریان خون می گذارد. داروهای نظیر ایزوکسوپرین و کلن بوترول جریان خون را در پا افزایش داده و وضعیت را بهبود می بخشد.

مسمومیت

دو نوع گیاه سمی شایع وجود دارد که تمامی اسبدارها باید آنها را بشناسند. تشخیص درخت سرخدار که درخت فراوانی هم نیست بسیار مهم است زیرا بسیار سمی است. علامت مسمومیت با این درخت در واقع مرگ است. اسبانی که حتی مقدار کمی از برگهای این درخت را می خورند بلافاصله می میرند. مرگ حیوان آنقدر سریع اتفاق می افتد که حتی ممکن است مقداری از برگها هنوز در دهان اسب باشند. از اینرو هیچ درمانی برای آن وجود ندارد و اسبدار نمی تواند هیچ کاری بکند جز آن که مطمئن شود که اسبش هیچ گونه دسترسی به درخت سرخدار ندارد. مسمومیت با گیاه زلف پیر فرآیند بسیار کندی دارد زیرا آلکالوئید سمی ایجاد کننده مسمومیت در واقع یک سم مرکب است. اسب مسموم ممکن است در طول هفته ها یا ماهها وزن خود را از دست بدهد.

درمان

تمام قسمت های گیاه سرخدار سمی هستند شما نباید متکی به این باشید که اسبستان به دلیل مزه تلخ آن آنها نمی خورد زیرا ممکن است به واسطه اینکه در آن مقطع زمانی از سال برگهای این گیاه سبزتر از بقیه برگها است. در این حالت تا هنگامی که تمام گیاهان مرده را از چراگاه پاک نکرده اید مطلقاً نگذارید اسبستان در آنجا چرا کند. با دست بیرون کشیدن این گیاهان روش مناسبی برای کنترل یک پادوک

کوچک است زیرا با این کار ریشه یا گل گیاه از خاک خارج می شود. از مزارع حاوی سرخدار هیچگاه نباید برای کشت علوفه استفاده نمود. کار زیادی برای اسب مبتلا نمی توان انجام داد به خصوص هنگامی که آزمایش خون بیانگر تخریب قابل توجه کبد است.

6 - بیماریهای دستگاه حرکتی

این بیماریها عبارتند از: آرتريت، ازوتوریا، مشکلات کمر، میخچه، شکستگی، بیماری ناویکولار، سوراخ شدن کف پا، ترک سم، درد قلم پا، اسپاوین، استخوانچه های اضافی، مشکلات مفصل زانو، کشیده شدن تاندون، ورم مفصل ساق پای اسب، آماس چرکی پای اسب و آماس میچ که در زیر تعدادی از آنها توضیح داده می شوند.

آرتريت يا بیماری مفصل دژ انراتیو

آرتريت به معنای التهاب مفصل است و دلالت بر یک تخریب دائمی در مفصل دارد که برای اسب بسیار دردناک است. بیماریهای ناویکولار و زواید استخوانی بخولق که موجب لنگی می شود هم چنین تورم استخوان پای اسب همگی مثال های از آرتريت هستند که منحصر به اندام های پایینی اسب می شوند. کلیه مفصل های بدن امکان بروز آرتريت را به صورت نهفته دارند. این عارضه در اغلب موارد به علت از بین رفتن یا پاره شدن سطح مفصل به وجود می آید و به همین سبب آرتريت در اسب هایی که فعالیت شدید ورزشی دارند و یا در اسبهای مسن رایج تر است. در بیماری آرتريت علاوه بر دردناک بودن عضو مفاصل گرفتار اغلب در اثر افزایش مقدار مایع مفصلی متورم می گردند.

درمان

هر مفصلی که بیش از یکی دو روز دردناک باشد باید از نظر آرتريت بررسی گردد. عکس برداری توسط اشعه ایکس بهترین روش تشخیصی است.

اولین و مهم ترین بخش درمان استراحت است. داروهای ضد التهاب نظیر فنیل بوتازون، فلونیکسن یا مکلوپنایمیک اسید، آرتريت را التیام نمی دهند بلکه فقط درد را از بین می برند. از این داروها برای اسب هایی که مجبور به ادامه تمرینات هستند استفاده می شود. اخیرا به این نتیجه رسیده اند که عامل اکثر دردها التهاب غضروف مفصل است نه تغییرات استخوانی که در این حالت موجب غیر موثر شدن خاصیت لغزشی مایع مفصلی می گردد.

ازوتوریا

علائم کلینیکی آن بسیار ساده است ولی شناخت عامل آن کار بسیار مشکلی می باشد. در ازوتوریای حاد اسب در حین تمرین دچار کوفتگی می شود. عضلات پهن پشت و قسمت 1/4 عقبی حیوان سفت و دردناک می گردند. اگر اسب را مجبور به ادامه تمرین کنند وضعیت اسب بدتر می شود تا جایی که دیگر به هیچ عنوان قادر به حرکت نخواهد بود. در این حالت ممکن است بخوابد و دیگر قادر به ایستادن روی پاهایش نباشد.

قبل از معاینه توسط دامپزشک می توان با مشاهده عرق کردن زیاد و بسیار سریع تر از انتظار اسب در حین تمرینات به وجود عارضه پی برد. اسب حرکات یورتمه بلند و چهار نعل را انجام می دهد ولی نه به آن نحوی که از او انتظار می رود و خیلی سنگین تر از حد انتظار تنفس می کند. ازوتوریا در واقع به شکل یک خستگی غیر طبیعی خود را نشان می دهد. در ازوتوریا هم چنین در اثر تجمع مقادیر زیاد اسید لاکتیک و خاصیت اسیدیته آن تخریب عضلانی صورت می گیرد. این تخریب عضلانی را می توان به طریق اندازه گیری سطوح آنزیم های خارج شده از سلولهای تخریبی در خون اندازه گیری کرد. این عارضه در اسبی که به علت تمرینات زیاد تغذیه اضافه می شود رخ می دهد و در این شرایط کربوهیدرات مازاد به صورت نشاسته و گلیکوژن در عضلات ذخیره می شود. اگر به اسب هایی که ازوتوریا دارند استراحت داده و جیره غذایی شان را کم کنند می توانند تا حدودی فاکتورهای مزاحم تشدید کننده را کاهش دهند.

درمان

اگر اسب دچار ازوتوریا شده دیگر او را راه نبرید و اگر برای برگشت به اصطبل فاصله زیادی باید ببینید یک وقفه موقتی داشته باشید. در ازوتوریای حاد نباید اجازه داد که اسب دراز بکشد زیرا هنگام برخاستن به نیروی زیادی نیاز دارد که تامین این نیرو وضعیت اسب را بدتر می کند. مواد حاصل از تخریب عضلات موجب مسدود شدن کلیه ها می شود و بدین ترتیب اسب را باید وادار به نوشیدن و ادرار کردن نمود تا این مواد شسته و خارج گردند. داروهای دیورتیک هم به شست و شوی کلیه ها و دفع این مواد کمک می کنند. البته تزریق درون سیاهرگی سرم هم همین کار را انجام می دهد. مصرف ویتامین E و سلنیوم پس از ابتلا به ازوتوریا سرعت بهبود عضلات را تسریع می کند. به خصوص تجویز الکترولیت ها برای مستحکم کردن دیواره عضلانی تاثیر به سزایی دارد. مصرف یک اونس نمک در روز برای هر اسبی که در معرض خطر ابتلا به عارضه است موثر می باشد.

میخچه

میخچه ناحیه ایست از قسمت تحتانی کف پا با پاشنه نعل که دچار کوفتگی شده است. کوفتگی در اثر تلفیق نعل نامناسب با وزنی است که به جای مرکز به پشت پا وارد می شود. میخچه ها غالبا در پاهای جلویی و در بخش داخلی پاشنه پا ایجاد می شوند. زیرا این ناحیه بیشتر تحت تاثیر فشار وزن است. پای اسب هنگام لمس سرد است و به دلیل آن که ناحیه با نعل پوشانده شده هیچ علامت قابل تشخیصی مشاهده نمی شود. اگر به آن بخش از پا ابزار معاینه سم فشار وارد آوریم موجب درد می شود و مطمئن ترین راه تشخیص برداشتن نعل و دیدن زیر آن است.

درمان

برای تشخیص آنها نعل برداشته می شود و پس از تشخیص برای بهبود لامینای حساس شده پا نباید نعل گذاشته شود. کبودی و قسم شاخی عفونی باید برداشته شود و پس از آن به منظور کاهش درد و التهاب باید ضمان گذاری گردد. پس از بهبود اسب را دوباره باید با نعلی مناسب و به اندازه پای خودش نعل بندی نمود. در اینجا قسمتی از نعل که روی زمین قرار می گیرد بایستی به مقدار 1 اینچ از ناحیه پاشنه اش بریده شود. با این کار هنگام تمرین فشار کمتری به قسمت میخچه پای اسب وارد می شود.

استخوانچه های اضافی (اسپلینت)

اسپلینت یک غده استخوانی است. این غده های استخوانی می توانند در پای دیگر و یا دست دیگر اسب هم ایجاد شوند. این عارضه بی نهایت شایع است و در حقیقت تعداد زیادی از اسبها حداقل یک غده در دست یا پای خود دارند. تصور می شود که غده ها نشانگر تمایل استخوان ساق به دراز شدن هستند که این استخوان احتمالا یا نابالغ است یا نسبت به فشارهای وارده ضعیف می باشد. اسپلینت غالبا در اسب های جوانی که آموزش را شروع می کنند تشکیل می شود ولی در دیگر سنین هم اگر شرایط مهیا باشد ایجاد می گردد. عامل دیگر ایجاد کننده این عارضه لگد انداختن و ضربه است. عادت به انداختن وزن روی یک پا هم می تواند عامل دیگری در ایجاد آن می باشد. بسیاری از تورم ها ابتدا بافت فیبری اند که بعدها استخوانی می شوند.

درمان

استفاده از کیسه یخ و سرد نگه داشتن ناحیه درد را کاهش می دهد. تزریق کورتیزون در منطقه و یا مالیدن کورتیزون محلول هم توصیه می شود. در اسپلینت های دردناک حاد برای کمک به تشکیل استخوان طبیعی می توان از درمان با امواج الکترومینیاتیک استفاده کرد. اگر

با این حال درد پس از 10الی 14 روز هنوز ادامه داشت باید از پای اسب عکس گرفت تا احتمال شکستگی در استخوان ساق مورد بررسی قرار گیرد.

7 - بیماریهای دستگاه ادراری و تولید مثلی

این بیماریها عبارتند از: سقط جنین، زایمان، استروس، تورم پستان، جفت ماندگی و نفريت که در زیر تعدادی از آنها توضیح داده می شوند.

سقط جنین

سقط جنین به معنای از دست دادن جنین در حال رشد در رحم است. طول یک دوره ی بارداری طبیعی در اسب 340روز می باشد اما در واقع یک کره می تواند بین 310 تا 370روز به دنیا آید. اغلب سقط جنین ها در سه ماهه اول بارداری است که در واقع 100روز پس از جفت گیری با نریان کششی است. در این زمان جنین خیلی کوچک است و ممکن است اسبدار در صورت سقط جنین مادیانش متوجه آن نگردد. مادیانی که سقط جنین می کند در واقع بسیاری از مراحل طبیعی بارداری را می گذراند. به این صورت که وضع حمل کرده و سقط شده و مایعات اطراف جنین را به خارج از بدن می فرستد و سپس پرده های جنینی (جفت) را از بدن خارج می کند. اگر سقط جنین با عفونت باشد در آن صورت جنین، مایع و پرده های اطراف آن آلوده خواهند بود. خطرناکترین عفونتی که موجب سقط جنین اسب می شود هرپس ویروس اسبی تیپ 1 است. این ویروس شایع ترین عامل عفونت تنفسی در اسبها است اما یک مادیان باردار ممکن است از طریق تماس با مواد به جا مانده از سقط جنین آلوده به ویروس یا از طریق قطرات معلق در هوا به آن مبتلا شود و در اثر آن جنین را سقط کند. عمده مادیان های باردار در اواخر بارداری مبتلا به این نوع سقط می گردند.

درمان

تا وقتی که عامل عفونت حذف نشده است نباید هیچ اسبی به مکان آلوده وارد یا از آنجا خارج گردد. چون در آن صورت قبل از تشخیص عفونت را به جاهای دیگر منتشر می کند. مکانی که در آن سقط جنین صورت گرفته چه در چراگاه و چه در اصطبل باید استریل گردد. برخی مادیان ها عادتاً و به صورت ارثی جنین های خود را سقط می کنند که برخی بر این عقیده اند که اینها دارای نقص هورمون پروژسترون هستند. این هورمون موجب حفظ بارداری می شود. ولی امروزه متوجه شده اند که کمبود این هورمون نمی تواند عامل این سقط ها باشد چون با دادن پروژسترون به این مادیان ها در بارداری آینده باز هم سقط دیده می شود.

بیماریهای متابولیک

قولنج

قولنج یک بیماری نیست ولی به عنوان یک ناهنجاری ممکن است توسط عوامل زیادی به وجود آید. در مراحل اولیه این عارضه افزایش حجم معده یا روده ها اتفاق می افتد که ممکن است در نتیجه تجمع مقدار زیادی گاز، مایع یا خوراک ایجاد شود. انسداد روده می تواند یکی از عوامل تجمع این مواد در معده و روده ها باشد. در صورت وقوع چنین حالتی به اولین چیزی که باید شک کرد قولنج است. در این حالت باید خوراک و علوفه را از دسترس دام خارج کرد و حیوان را تنها گذاشت مگر اینکه وضعیت حاد باشد که در این صورت باید دام را وادار به راه رفتن کرد و دام را گرم نگه داشت.

قولنج نامنظم (ناشی از گرفتگی عضلانی)

این قولنج ناشی از گرفتگی عضله دیواره روده است که دلایل آن عبارتند از: آسیب دیدگی دیواره روده به علت مهاجرت لارو انگل روده ای و یا نوشیدن و یا خوردن مقدار زیادی خوراک یا آب بلافاصله پس از کار شدید. در این نوع قولنج ممکن است ضربان قلب به 68 تا 92 بار در دقیقه افزایش یابد و زمانی که میزان تنفس به بالای 80 بار در دقیقه برسد و یا دمای بدن از حالت معمولی افزایش یابد ممکن است به بالای 100 نیز برسد. در این شرایط استفاده از یک داروی شل کننده مشکل را به سرعت حل می کند.

قولنج ناشی از یبوست

این قولنج حدود 30 درصد قولنج ها را تشکیل می دهد و به علت ماندگاری بیش از حد مواد خوراکی در روده بزرگ به وجود می آید. در این هنگام معاینه راست روده احساس می شود که انسدادی در روده بزرگ ایجاد شده است که باعث درد شدیدی در این ناحیه می شود که می توان با خوردن مقادیر زیادی مواد شوینده مانند پارافین از طریق لوله مری حرکت مواد را در دستگاه گوارش بهبود بخشید.

قولنج حجیم

این قولنج به علت عدم خروج گاز از روده به وجود آمده و معمولاً بسیار دردناک است. اسب در این حالت عرق زیاد کرده و به شدت به خود می پیچد. تجمع گاز ممکن است در جلو روده به وجود آید که باعث افزایش حجم روده و یا تخمیر خوراک در معده و روده کوچک می شود.

قولنج روده ای

معمولا در این نوع قولنج روده پیچ خوردگی شدیدی پیدا کرده و اسب به دور خود می چرخد و درد می کشد که نیاز فوری به اقدامات پزشکی و معاینه دام دارد.

عوامل مستعد کننده دام برای ایجاد قولنج عبارتند از:

- دادن مقادیر زیادی از خوراکی هایی نظیر علوفه نارس، غلات، سببهای مازاد و ...
- پر خوری
- خستگی مفرط
- تغذیه یا آشامیدن مقدار زیادی خوراک یا آب پس از کار سخت
- غذای کپک زده
- تغییر ناگهانی جیره
- دندانهای تیز و نامنظم
- خوراک دهی زیاد

لنگش

لنگش عبارتست از تخریب بافت سم و عدم خون رسانی به این مناطق در بسیاری از موارد عدم خون رسانی به بافت داخلی سم باعث مرگ سلولی شاخی سم می شود. این عارضه می تواند باعث کاهش طول عمر مفید حیوان شود و در این زمینه همیشه پیشگیری بسیار بهتر از درمان است.

نیروی که وزن حیوان به طرف پایین ایجاد می کند توسط استخوان پا به استخوان های پایین منتقل شده و در بین دیواره سم ها پخش می شود. این نیرو به دیواره های سم وارد شده و به زمین منتقل می شود و بنابراین استخوان پا به دلیل تحمل وزن بدن برای ایجاد لنگش مستعد است.

عوامل موثر در ایجاد لنگش

فاکتورهای زیر در ایجاد لنگش موثرند:

- مصرف زیاد خوراک
- توکسمی (مسمومیت خونی)
- تروما
- وزن تولد زیاد
- استروئیدها
- سرطان غده هیپوفیز

علائم لنگش

مهم ترین علائم لنگش که می توان به آنها اشاره کرد عبارتند از:

- حیوان به سختی حرکت کرده و می ایستد و پای جلو و عقب را به هم نزدیک کرده و قوز می کند.
- پاها داغ هستند. در شرایط عادی ممکن است پاها گرم شده و سپس خنک شوند ولی اگر برای چند ساعت پاها گرم بماند ممکن است نشانه لنگش باشد.
- پاها به حالت برجسته و بلندتر از روی زمین قرار دارد.
- به اسب نباید اجازه داد تا هرچه می خواهد بخورد و یا هر دارویی را به حیوان بخورانیم.
- در صورتی که اسب می تواند راه برود باید زیر پاها را تا عمق زیادی نرم نگه داشت.
- اسب را نباید سریع یا به زور وادار به دویدن کرد.

بررسی ارتباط بین تغذیه و لنگش

کربوهیدراتهایی مانند قندها و نشاسته ها می توانند باعث تجمع کربوهیدراتهای محلول غیر قابل هضم در انتهای روده شوند. این مواد نسبت به خوراکیهایی نظیر یونجه و علوفه مرتع بسیار سریعتر تخمیر شده و می توانند به سرعت جذب شده و تولید اسیدهای چرب فرار کنند.

نتیجه نهایی این عمل تولید اسید در انتهای روده است که به نظر می رسد از عوامل ایجاد لنگش است. می توان با کنترل جیره و کاهش مصرف نشاسته و قند در جیره از تولید اسید جلوگیری کرد.

کربوهیدراتهای علوفه حاوی 10 تا 13 درصد نشاسته و حدود 90 درصد قند است. این قندها عمدتاً از ساکارز و گروهی از کمپلکس های ساکارز مانند فروکتان ها ساخته شده اند. ساکارز و فروکتان به عنوان کربوهیدراتهای محلول در آب شناخته شده اند.